



سرخ کمونیستها هر چه باشکوهتر برگزار کنیم

کاوگران، زحمتکشان،
خلقهای قهرمان ایران!

سالگرد قیام خونین

۲۲ بهمن را زیر پرچم

سرمقاله

قیام بهمن

و ضرورت

هجری پروتاریا

هم اکنون دو سال از قیام خونین خلقهای قهرمان ایران میگذرد، قیامی که جانمایه سالیان دراز مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم بنفویزیستی و علیه فئودالیسم بود که در این مدت از سوی مرتجعین و استثمارگران داخلی و خارجی بر خلقهای ستمدیده ما تحمیل گشته بود، عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ای که منجر به قیام قهرمانان بهمن ۵۷ گردید از حوصله این سخن بیرون است و باید در جای دیگری بدان پرداخته شود، آنچه که را اینجا مورد نظر ما ست تکیه بر روی تشنای یکی از آموزشها و درسهای این قیام و با اعتقاد ما گرانمایه ترس آتست، این آموزش و این درس - آموزی که البته هیچ وجه ماله ناره و تجربه نادری نیست و بسه بغین میتوان گفت عماره و چکیده تمامی انقلابات پیروز و غیر پیروز در عصر امپریالیسم در آن نهفته است، عبارت است از: ضرورت قطعی رهبری پرولتاریا در انقلابات دیکتاتیک در عصر امپریالیسم، ضرورتی که بدون تا من آن کوچک ترین سحنی از پیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن نمی تواند در میان باشد.

شبهه در صفحه ۲

سندی دیگری از خرید قطعات یدکی از آمریکا

صفحه ۱۵



کارگران و زحمتکشان قهرمان با ادامه مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی علیه سرکوبگران انقلاب پرچم مبارزات انقلابی را بالا برشته نگه داشته اند.

مصاحبه "مجاهد" با قاسملو:

ضربه ای بر جنبش انقلابی

صفحه ۲۵

ره نمود به رفقای هوادار در باره برگزاری سالگرد قیام ۲۲ بهمن

برای برگزاری هر چه باشکوهتر سالگرد قیام تاریخی خلقهای قهرمان ایران لازم است رفقای هوادار، به نکات زیر توجه کنند:

قبل از هر چیزی حرکت از این درک که قیام با شکوه ۲۲ بهمن، متعلق به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران است و نه جایزهای حاکم و بورژوازیست و دیگر مرتجعین رفقای هوادار باید با تمام توان در جهت برگزاری این روز تاریخی خود را آماده نمایند، آنها باید نشان دهند و این ایده را در وسیع ترین شکل ممکن بدون طبقه کارگر و زحمتکشان سرسبز که فکری کما نسی حقیقیه در صفحه ۱۴

انقلاب خلق

السالوادور،

شکستی دیگر

برای امپریالیسم

آمریکا دوم

صفحه ۲۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

ضرورت فوق هما نظور که میدانیم ناشی از خصلت تاریخی ارتجاعی بورژوازی در عصر امپریالیسم و عدم ظرفیت و پتانسیل این طبقه در انجام انقلاب دموکراتیک در این عصر است، آغاز دوران امپریالیسم و گندیدگی سرمایه، به معنی پایان دوران انقلابات بورژوا - دموکراتیک طراز زکهن و به عبارت دیگر پایان رهبری بورژوازی برای انقلابات و به معنی آغاز دوران انقلابات دموکراتیک طراز نوین یعنی آغاز دورانی است که امر رهبری پرولتاریا برای این انقلابات، به عنوان امری ضروری و مسلم مطرح میشود. از اینرو انقلاب دموکراتیک در کشورهای وابسته به امپریالیسم، به عنوان جزئی از انقلاب اجتماعی به مفهوم علمی کلمه و مرحله ابتدائی و مقدماتی انقلاب سوسیالیستی در این کشورها و در همین رابطه به عنوان جزئی از انقلاب پرولتاریائی جهانی محسوب میگردد. ضرورت رهبری پرولتاریا و حزب او در انقلابات دموکراتیک بخاطر تحقق پیروزی آنها است، اگر در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال بر اساس اصل فوق امری ناگزیر و قطعی است، این ضرورت در مورد انقلابات دموکراتیک جوامعی چون ایران که دارای ساخت اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری وابسته است و در آن بورژوازی در کلیت خود اعم از کمپرادور و لیبرال، ارتجاعی بوده و در کمپند انقلاب قرار دارد، به مراتب قطعیت و حتمیت بیشتری پیدا میکند.

در قیام بهمن ۵۷، علیرغم تمامی دلایلی و جاذبه های خلی و علیرغم آنکه با راصلی انقلاب برداشتن کارگران و زمینکشان قسرا داشت و آنها با اعتمایات، نظایرات و قیام مسلحانه و شکوهمند خود توانستند رژیم سلطنتی پهلوی را سرنگون نمایند، معیذایا بخاطر نبود صف مستقل پرولتاریا و تشکیلات رزمندگان (حزب کمونیست)، این قیام نتوانست به حاکمیت پرولتاریا و زمینکشان و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و سلطه و نفوذ امپریالیسم بر ایران منجر گردد. ضعف پرولتاریا و عقب ماندگی نیروهای کمونیستی و متغایلا نفوذ گسترده خرده بورژوازی مرفه سنتی و رهبری آن در میان توده ها موجب گردید تا خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی لیبرال در کنار یکدیگر برای مواج جنبش توده ها سوار شده و آنرا از مسیر خود منحرف سازند و درست در شرایطی که توده ها خواستار نابودی ماشین دولتی و ارتش، این ارگان اصلی سرکوب امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته ها خاش بودند، از درازش با امپریالیست ها درآمده و با ممانعت از مسلح شدن توده ها و جلوگیری از نابودی ارتش و دیگر ارکانهای اداری رژیم شاه و اوج خیانت خود را به توده ها و

قیام قهرمانان آنها نشان دادند.

ضعف پرولتاریا و نبود صف مستقل آن موجب گردید تا بورژوازی لیبرال با حمایت همه جانبه خرده بورژوازی مرفه سنتی به قدرت خزیده و همراه با یکدیگر قدرت سیاسی را قیصه کنند و به این ترتیب راه را برای ادامه سلطه و نفوذ امپریالیسم و پاسداری و حفظ سیستم سرمایه داری وابسته هموار نمایند. نبود این صف مستقل و عدم حاکمیت پرولتاریا و زمینکشان موجب گردید تا میلیونها نفر از توده های زمینکشان ما از دست یافتن به اساسی ترین خواسته های خود محروم مانده و همچنان در اسارت صاحبان سرمایه و استثمارگران و در فلاکت و بدبختی روزافزون خود باقی بمانند.

اکنون در ارتباط با مسائل و ملاحظات فوق الذکر در ادامه توضیح این اصل اساسی که بدون رهبری پرولتاریا برانقلاب دموکراتیک نمیتوانند کوچکترین سخنی از پیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن در میان باشد، باید بگوئیم که شرط اساسی تا مین رهبری پرولتاریا برانقلاب مسلح شدن آن به ایدئولوژی و نظریه مارکسیسم و تشکیلات پولادین آن یعنی حزب کمونیست است. حزب کمونیست بزرگترین و برنده ترین سلاح پرولتاریا در مبارزه سرنگشت - ساز او علیه سرمایه داری و دیگر مرتجعین است و به قول رفیق لنین: "پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت بجز زمان، سلاح دیگری ندارد" و طبیعی است تا زمانی که پرولتاریا از داشتن چنین سلاحی محروم است، هیچ وظیفه ای اساسی تر از تأمین این سلاح در برابر وی قرار ندارد.

جوهر اصلی آموزش و درس آموزی از قیام که در بالا از آن سخن گفتیم نیز در همین نکته یعنی در مسلح ساختن پرولتاریا به تشکیلات و گردان رزمندگان حزب کمونیست ایران، خلاصه میشود و این وظیفه ای است که برداشتن تمامی کمونیست های راستین ایران سنگینی میکند، وظیفه ای که پاسخگوی به آن با توجه به افزایش روزافزون آگاهی توده ها و فرو ریختن توهم آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد مبارزه طبقاتی اهمیت می یابد. همانکون پس از گذشت دوا سال از قیام خونین ۲۲ بهمن، در شرایطی قرار داریم که ویژگی آنرا وجود بحران شدید اقتصادی و فقر و فلاکت توده ها تشدید روزافزون مبارزه طبقاتی، وجود بحران در بالا و ناتوانی هیئت حاکمه در تثبیت قدرت سیاسی و سرکوب متحرک جنبش توده ای، مطرح شدن آلترنا تیف های ارتجاعی، دموکرات - ناسیونالیست و کمونیستی در سطح جامعه و فرو ریختن روزافزون توهم توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و اقبال فزاینده آنها به سمت آلترنا تیف - های انقلابی... تشکیل میدهد.

امروز توده ها با ناباوری و عدم اطمینان از رژیم جمهوری اسلامی و زعمده و وعده هایش، با

چشمائی باز، نظاره کرد قیق حرکات، برپا مه ها و اقدامات جریانات مختلف سیاسی و از جمله کمونیست ها هستند. آنها در صحنه سیاست و در هر کجا حضور دارند، از مشکلات خود ناتوانی رژیم و موضع گیری نیروهای سیاسی سخن میگویند. آنها در همان زمان که از خود و طبقه خویش، از جنگ، از گران، از زنگارها و دهها مسئله دیگر حرف میزنند، در عین حال تشنه آگاهی اند و در جستجوی آن چیزی هستند که با تکان فداکارانه و جانبازیهای عظیم آنها بار دیگر پشتوانه قدرت سیاسی بورژوازی و دیگر نیروهای ضد انقلابی، آن گونه که در قیام ۲۲ بهمن صورت گرفت، قرار بگیرد در چنین شرایطی کمونیست ها وظیفه دارند که در میان توده ها و بویژه طبقه کارگر حضور فعال داشته باشند، در باره مسائل جاری جامعه با

آنها سخن بگویند، بحران اقتصادی و علت فقر و فلاکت شان را برای آنها توضیح دهند، دشمن واقعی شان را به آنها بشناسانند. کارتا مسئله دوا ساله رژیم جمهوری را در زمینه های مختلف برای آنها بازگو کنند و مهمتر از همه، شرکت در مبارزه طبقاتی، در ارتقاء سطح مبارزه و سازماندهی توده ها، نقش پیروز خود را ایفا کنند، در برابر آلترنا تیف های ارتجاعی و دموکرات های ناپیکر، برپا مه خود را به تفصیل ارائه دهند و برای آنها توضیح دهند که تنها راه پیروزی بر امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی پاسا رمنافع آن، راه سرخ کمونیست ها و ضرورت رهبری پرولتاریا برانقلاب است.

اما واقعیت اینست که وظایف سترگ فوق، وظایفی نیستند که بتوان در شکل کنونی نیروهای کمونیستی بدانها پاسخ مساعدا داد. انجام این وظایف بصورت حتی محدود آن، نیازمند تمرکز، انسجام و وحدت جنبش کمونیستی و در یک کلمه ایجا حزب کمونیست است، با سخگویی به وظایف فوق هر چند وظیفه یکا یک نیروها، کمونیستی بوده و هر گونه بی توجهی و برخورد انفعالی بدان انحرافی بس عظیم بشمار می رود، اما در صدمائی این وظایف، دادن پاسخ مشخص به مسئله وحدت جنبش کمونیستی و فراهم ساختن ملزومات تشوریک و عملی ای است که

این وحدت نیازمند است، تا آنجا که به ملزومات تشوریک این وحدت مربوط میشود، ما به سهم خود و علیرغم تمامی ضعفها و نارساییها، از ما هیا پیش کوششی را آغاز کردیم که نتایج آن در قطعه نامه های کنگره دوم ما زمان که میداریم همین روزها در سطح جنبش انشا ریا به انعکاس یافته است. ما با دعوت از تمامی نیروهای جنبش کمونیستی جهت برخورد فعال با این قطعه نامه ها و دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های مختلف نقش خود را در تدوین شورای انقلاب و در زدودن تشنات سیاسی - ایدئولوژیک و

بقیه در صفحه ۳۱

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهاست

جنبش کارگری



کارگران کارخانه لیلاند موتورز، در مقابل توطئه اضافه کاری مدیریت

دوستان کارگر

کارگران کارخانه ما که زیر فشار رگرانی و محلی مواد اولیه زندگی خود کمربشان خمشده است مدتهاست که با شکل مختلف دست به اعتراض زده اند و خواسته خود را برای جبران کمبود دستمزد بخصوص شکل اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مطرح کرده اند. مدیریت کارخانه و شورای اسلامی که ما هیت ضد کارگری خود را تا بحال بخوبی نشان داده اند قبلا گفته بودند که با اجرای طبقه بندی مشاغل

خواستگاه کارگران را برآورده نخواهند کرد. حتی چند وقت قبل پرسشنامه طبقه بندی را هم به بین کارگران پخش کرده بودند، اما روز دوشنبه ۵۹/۱۰/۲۹ متوجه شدیم که تمام اینکارها برای سردواندن ما بوده است چرا که در این روز مدیریت و شورای اسلامی کارخانه اعلام کردند که از این به بعد به منظور (ظاهرا) کمک رساندن به کارگران هر روز به مدت دوساعت ونیم اضافه کاری در نظر گرفته میشود. یعنی اینکه بعضی کارتا ساعت بقیه در صفحه ۲۹

اجتماع کارکنان جنگ زده شیراز مشیت محکمی بر دهان رژیم جمهوری اسلامی

بدنبال دستگیری (ربودن) ۳ نفر از نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران توسط رژیم جمهوری اسلامی (۲ نماینده از ما و شهریک نماینده از شیراز) بقیه نمایندگان شورای هماهنگی ما شهر، اصفهان، تهران و یک نماینده از طرف کارکنان جنگ زده ساکن اراک در میتینگی که در ۵۹/۱۰/۲۴ بمنظور تصمیم گیری در مورد نمایندگان زندانی، در شیراز تشکیل شده بود شرکت کردند.

نمایندگان شهرهای مختلف در مورد علت تشکیل میتینگ، ضرورت تشکیل اجتماعات مستمر، افشای برخوردهای ضد کارگری استنادار شیراز و افشای مداخلاتی که سرخا نواده کارکنان جنگ زده در تهران و ... آورده اند، سخن گفتند. آخرین سخنران نماینده شورای هماهنگی تهران بود که قاطعانه سیاستهای ضد کارگری رژیم و مقامات شرکت نفت را افشا نمود. این نماینده فاش کرد که چگونه برق و سوخت را به روی خانواده کارکنان جنگ زده قطع کرده و یکبارنیز می خواستند یکی از کارکنان را با خنجر از پای در آورند.

همین نماینده در قسمتی دیگر از سخنان

ضمن تشریح علل دستگیری نمایندگان و معرفی دست اندرکاران توطئه دستگیری نمایندگان گفت: "از زمان دستگیری نمایندگان تا کنون ما اطلاع دقیقی از وضع و حال آنها نداریم. در حالیکه به اسرای عراقی اجازه میدهند از طریق رادیو به خانواده های خود پیغام بفرستند، به خانواده های نمایندگان زندانی اجازه هیچگونه ملاقاتی نمیدهند." این نماینده در ادامه سخنانش گفت ما از اینها بیش از این انتظار نداشته و نداریم، ولی آن کسانی که توطئه دستگیری همکارانمان را ریخته اند باید بدانند که ما با آنها دو یکبار چکی خود، آنان را و او را خواهیم ساخت همکارانمان را آزاد سازند و دولت این کار را با خفت و خواری انجام خواهد داد.

سخنان این نماینده با استقبال گرم و پرشور کارکنان روبرو گردید. در ادامه ضمن خواندن قطعنامه ای سه ماده ای که مورد تأیید کلیه کارکنان قرار گرفت، اعلام گردید مسئولیت هرگونه بی آمی در صنعت نفت در صورت عدم آزادی نمایندگان بقیه در صفحه ۲۹

همدردی با خانواده های مصابیت دیده کارگران خرم آباد

بر اساس نوشته کیهان ۵۹/۱۱/۹ در یک حادثه رانندگی ۱۵ تن از کارگران زحمتکش خرم آباد در اثر خود را از دست داده و عده ای دیگر نیز مجروح شده اند. اعلام عزای عمومی در خرم آباد پس از این حادثه، نشانه آنست که حتی دشمنان طبقه کارگر (که خود مسبب ستمهای هستند که برای این طبقه میروند) جرات ندارند که نقش این طبقه دوران ساز را نادیده بگیرند. ما ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده های این کارگران، رفقای هوادار در محل را به کوشش در رفع نیازمندیهای خانواده های مصیبت دیده فرامی خوانیم.

درد بر کارگران مبارز اتوبوسرانی اصفهان

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان از روز یکشنبه ۵ بهمن دست از کار کشیدند و به گفته خبرنگار کیهان " با امضای طوماری خواستار برکناری مدیر عامل شرکت واحد اصفهان، تشکیل شورای واقعی کارگری، به کارگیری کارگران اخراجی و پرداخت پاداش ماه خود شدند." عده ای از کارگران در گفتگوی خبرنگار کیهان گفتند که علت واقعی اعتصاب ما نه خواستن پاداش است، نه عیدی بلکه بغا ط اعمال غیر انسانی شرکت واحد و توهین و تحقیر چندن از کارگران به وسیله وی است. ما خواستار برکناری وی هستیم.

این کارگران مبارز به وعده آیت الله خادمی که گفته است به سرکار برگردند تا ظرف ۲۰ روز بکارشان رسیدگی شود اعتناشی کرده اند و نه به تهدید استانی که خواسته است آنها را از قانون زمان جنگ بترساند. کارگران تا ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه هنوز به سرکار باز نگشته و برخواستهای حق طلبانه خود ایستادگی میکرده اند.

ما ضمن حمایت از این کارگران مبارز و درود به آنان تا کیدمی کنیم که رژیم جمهوری اسلامی که طرفدار سرمایه داران است هرگز نمی تواند جلوی رشد فزاینده مبارزات طبقه کارگر را بگیرد. مبارزه متشکل طبقه کارگر اگر در پرتو آید و نژوی این طبقه به پیش رود بدون شک پیروزی قطعی را نصیب خود خواهد ساخت.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دریپهای جنبش کارگری



نگاهی به نجارب یکساله و نیمه کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۲)

شیوه اصولی در برخورد

به اتحادیه‌های منطقه‌ای چیست؟

گفتیم که تشکیلاتی نظیر کانون شوراهای شرق در واقع زمینه‌تلاشی خود را در درون خود دارند، از طرف دیگر باید به این اتحادیه‌های منطقه‌ای بعنوان تشکیلات گذرا و در واقع به عنوان پله‌ای برای رسیدن به تشکیلات مناسب با وضعیت سرمایه‌داری و وضعیت جنبش، نگریست. میزان رشد و تمرکز سرمایه‌داری در ایران تا آن حد است که در عمده‌ترین بخش‌های صنعت نظیر ماشین‌سازی و اتومبیل‌سازی، راه آهن و حمل و نقل، نفت، معادن و غیره، رشته‌های صنعتی بوجود آمده است. بنا بر این زمینه اتحادیه‌های کارگران در بخش‌های صنعتی، به میزان زیادی از بین رفته است. مثلاً سختی می‌توان گفت که بین تراشکاری که در کارخانه‌های ایران ناسیونال کار می‌کنند و تراشکاری که در کارگاه‌های کوچک یا سازکارخانجات کار می‌کنند، رشته اتحادیه مستقیمی وجود دارد، بنا بر این بطور کلی می‌توان گفت که خصیصه فعلی جنبش کارگری ما کاملاً برداشتن سوی ایجاد اتحادیه‌های رشته‌های صنعتی است.

"حرکت به سمت ایجاد سندیکا‌های صنعتی نباید قدم‌های لاک‌پشتی (نظیر رهبران رفرمیست که تنها تحت فشار ضرورت مطلق قدم به پیش می‌گذارند)، با شلیک به بدنه شتاب انقلابی انجام پذیرد، باید در هر فابریک و هر کارخانه‌ای علیه روحیه خرده‌کاری و صنفی‌گری مبارزه کرد، این تصویری انتزاعی و بریده از حیات نیست. مسئله بر سر انطباق ساخت تشکیلاتی سندیکاها با ضرورت‌های مبارزات طبقه کارگر در عهد کنونی است." (برنامه عمل بین الملل سندیکا‌های سرخ)

امروزه اگر چه زمینه عینی تشکیل اتحادیه‌ها با بحسب رشته صنعتی، هنوز در برخی موارد نظیر خیاط‌ها، کفاش‌ها، خیازها، آجرپزی‌ها و غیره بوجود نیامده است، ولی بطور کلی می‌توان گفت شرایط عمومی زمینه ایجاد اینگونه

تشکیلات کارگری فراهم بوده و می‌بایست برای ایجاد چنین تشکیلاتی رفت.

اما ما هنوز که گفتم اتحادیه‌های منطقه‌ای نظیر کانون شوراهای شرق تهران، کانون شوراهای متحد، اتحادشوراهای گیلان و غیره می‌توانند بعنوان پلی برای رسیدن به اتحادیه‌های رشته‌ای مورد استفاده قرار گیرند و باید از اینها بعنوان هسته‌های اولیه اتحادیه‌های رشته‌ای سود جست طبیعی است که در صورت حصول به این مقصود دیگر نیازی به اتحادیه‌های منطقه‌ای نخواهد بود. اما تا قبل از این موقع نمی‌بایست برخوردی انحلال طلبانه نسبت به اتحادیه‌های منطقه‌ای داشت.

کانون شوراهای شرق چگونه بوجود آمد؟

همانطور که گفتم بعد از قیام مبارزات کارگران علیرغم افت نسبی همچنان استمرار می‌یابد. مسئله ضرورت ایجاد اتحادیه‌های کارگری بخصوص در میان اقشار پیشرو میانی کارگران، طرح میگردد. تلاش همین بخش از کارگران باعث ایجاد اتحادیه‌هایی نظیر کانون شوراهای شرق میشود. هسته اولیه این کانون بوسیله نمایندگان کارخانجات فیلیپین، صنایع چوب، بازر، برلیم، هوست، حفاظ و فرد دیگری تشکیل می‌شود که هنگام مراجعه به کمیته ما برای حل و فصل اختلافات خود با کارفرماها پیش، با یکدیگر آشنا میشوند و جلسات اولیه خود را در خانه کارگر (که آن زمان در دست کارگران بود)، برگزار میکنند و طرح اولیه‌ای برای تأسیس کانون شوراهای ترتیب میدهند.

در جریان انتخابات موقت که از نمایندگان حدود ۳ کارخانه بعمل آمد چند عنصر ضد کارگر در هیئت مدیره آن انتخاب شدند (از جمله رئیس هیئت مدیره) که پس از مدتی اغلبشان تصفیه شدند و کانون به دست عناصر مبارز و زو عا مصر سندیکا لیست (که هر چه در سازمانهای کارگری زمان شاه شرکت داشته و تاجرب سندیکا شنی داشتند، ولی بخاطر خصومیت رفرمیستی و نداشتن پتانسیل انقلابی، لنگان لنگان از پی سیاستهای کانون روان بودند)، افتاد

ولی بطور کلی با بدگفت که در کانون بجز تعداد معدودی از نمایندگان مبارز، بقیه دارای نفوذ کمی در کارخانه‌های خود بودند و هنگامیکه در پیشبرد اهداف کانون با مقاومت عناصر ضد کارگر مواجه میشدند، غالباً دست به عقب نشینی میزدند. نمایندگان مبارز هم دید روشنی نسبت به ضرورت شکل کارگران و پیشبرد مبارزه طبقه‌ای نداشتند، بنا بر این نمایندگان به تنهایی به هیچ وجه قادر به ارتباط گیری با توده کارگران و جذب آن به کانون، نبودند.

از طرف دیگر چون توده‌های وسیع کارگران عقب مانده و میانی هنوز به درک ضرورت ایجاد اتحادیه نرسیده بودند و تحت تاثیر تشکیلات زرد در زمان شاه نسبت به هر تشکیلی بدبین بودند، می‌توان گفت که تشکیل کانون عمدتاً نتیجه خواست و اراده نمایندگان آن بود.

کارگران از آنجا شیکه کانون را در جریان مبارزات خود نمی‌دیدند و با عملکردهای آن هم آشنائی پیدا نمی‌کنند علیرغم آنکه طی یک دوره تبلیغات کانون، با نامش آشنا میشوند، ولی مع ذلک آنرا جدا از خود می‌بینند.

بطور کلی سطح مبارزات جنبش کارگری چنان است که کارگران هنوز به ضرورت ایجاد صف مستقل خویش نرسیده اند علاوه بر لایه نازکی از کارگران که به لزوم بوجود آمدن تشکیلات عالیتراکری پی برده بودند و همواره خود را در مشکلات کانون شریک میدیدند، در رابطه با کانون ما به دودسته دیگر از کارگران نیز بر- میخوریم:

الف - دسته اول، کارگرانی هستند که برای مبارزه متحدانه بر علیه کارفرمایان و برای آگاه شدن از مسائل صنفی و سیاسی در رابطه با وزارت کار، بیمه، سود و یژه، اما فقه کاری و غیره جذب کانون میشوند. اما این کارگران غالباً به کانون بعنوان یک ارگان دولتی مینگریستند و همشان نسبت به رژیم از یک طرف و روشن نکردن واقعیت امر (اینکه کانون تنها از کارگران نیرو می‌گیرد) برای کارگران از جانب کانون، از طرف دیگر موجب ادا موجودات دبدغلط در میان نشان میشود. مثلاً برخی از کارگران با مراجعه به کانون از کارفرمایان خود شکایت کرده و انتظار رسیدگی فوری داشتند یا اینکه فکر میکردند نمایندگان کانون از دولت حقوق میگیرند، البته طرح پاره‌ای از مسائل از جانب کانون، نظیر اینکه کانون قبلاً در "کمیته ام" بوده است، به این تصور کارگران دامن میزد. زمانی که این تصور فرو میریخت، این عده از کارگران نسبت به کانون دچار بدبینی میشدند که پس "اینها از کجا حقوق می‌گیرند؟"

ب - دسته دوم، کارگرانی هستند که هم بیشترین بخش کارگران را تشکیل میدهند و هم از قشرهای عقب مانده طبقه می‌باشند و لذا نسبت به عملکردهای کانون بی تفاوت بودند، که

بقیه در صفحه ۲۸

تشییح جنازه با شکوه رفیق شهید صادق بهمنی در "کوله ساره" و "طا"

ظهر روز ۵۹/۱۰/۱۸ بیکر بخون خفته رفیق شهید کاک صادق بهمنی (جمال) بردوش زحمتکشان و پیشمرگان انقلابی قرار گرفت و در معیت اهالی منطقه و پیشمرگان قهرمان کومله، پیکار و رزمندگان به قبرستان محل انتقال یافت و طی مراسم شکوهمندی به خاک سپرده شد. مراسم که هر لحظه آن بیا نگر بیوند عمیق پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی بود، ساعت ۴ بعد از ظهر همایون را در میان طرفداران در مسجد آبادی برگزار شد. در این مراسم نماینده سازمان، ضمن سخنرانی حول زندگی و تاریخچه مبارزاتی رفیق شهید و قدردانی از همکاری و فداکاری اهالی محل، بر همبستگی زحمتکشان و پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت جهت تشدید و تعمیق مبارزات خلق گردناکید کرد. در قسمت بعدی مراسم، نماینده پیشمرگان کومله و رزمندگان در میان سخنرانی از یاد دیرافتخار کاک صادق تجلیل کردند. همایون در آدابای "طا" به محض بازگشت پیشمرگان از "کوله ساره" مردم زحمتکش آبادی جمع شده و با تشراف و ان در مراسم دیرینه رفیق صادق شرکت کردند. طی این مراسم رفیق پیشمرگه ای که در طول درگیری، همراه رفیق زخمی شده بود در مورد دگرگونگی درگیری و جان - بازی و قهرمانیهای رفیق صادق صحبت کرد. روز بعد نیز در نماز جمعه نماینده پیشمرگان سازمان در مسجد سخنرانی کرده و ضمن گرامی داشت یاد رفیق، واقع سیاسی کشور و کردستان و وظایف انقلابیون و زحمتکشان را برای اهالی "طا" تجزیه و تحلیل نمود.

درد و بر رفیق شهید کاک صادق بهمنی و تمامی شهدای راه آزادی خلقهای ایران

مقاومت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی پیکار و کومله در "کوله ساره"

در این روز یک ستون ارتشی شامل ۵ تانک و نفربر، چند خودرو، یک سیمرگ حامل کالیبر ۵۰ و در حدود ۱۰۰۰ جاش و سواران تدارک و وسیع از چند طرف به روستاهای "کوله ساره" و "ماسان" حمله کردند. نیروهای فذخلی در این دور و ستا با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی کومله و پیکار روبرو شدند. درگیری از ساعت ۱۰ صبح آغاز گردید. بعد از چند ساعت نبرد، پیشمرگان انقلابی با خطر جلوگیری از کشتار اهالی بی دفاع آبادی دست به عقب نشینی تاکتیکی زده و به ارتش با لائرت رفتند و مجدداً نیروهای دشمن را زیر آتش بی امان خود قرار دادند. در



یاد پیکارگر شهید، پیشمرگه قهرمان، رفیق صادق بهمنی (جمال) گرامی باد!

مرده ای تو؟ نه، نه!
زنده ای تو به ابد
کی تو را خلق فراموش کند؟
تو همچنان پنجه فکندی با مرگ
و تمام تن تو آتش بی پایان بود
بلشویک و ارباب بد جنگید
بلشویک و ارباب بد جنگید
چه کند با دل چون آتش ما آتش تیر؟

دلبران کردستان! رزم آوران خلق کرد!
پیکره ای خونین همزمان با پرچم سرخ مقاومت
ماست همچون رودخانه ها ایستادن ما را همیشه
نیست. همچون کوهساران با برجا خواهیم ماند.
همچون دریاها طغیان خواهیم کرد، همچون
طوفان برستمگران خواهیم تاخت. ما فاتحان
قله های رفیع حماسه ها، ما ازبنا آتش و خون
و مقاومت، ما ازکاروان عاشقان رهائی از
بندگی و بردگی، ما جوشیده ازل خلق قهرمان
کرده ایم. بیا شیدالاهارا با خون خویش سیراب
سازیم. پیکار ما خونین، ما افتخار آفرین است.
پیشمرگه را توقف پرهیز از نبرد، ذلتی بیش
نیست. این پیام کاک صادق بهمنی بود، کاک
صادق برخون خویش غلطید، اما مگر پیشمرگه
می میرد؟

در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده زحمتکش در
سنندج بدنیا آمد. بعد از اتمام کلاس دوم دبستان
همراه با خانواده اش به مرپهان رفت و تحصیلاتش
را تا کلاس دوم نظری در آنجا ادامه داد. رفیق
صادق برای کمک به خانواده تنگدستش در حین
تحصیل کار میکرد. بدین ترتیب از همان اوان
زندگی، با فقر و استمات آشنا شد و اولین شکوفه
های آگاهی انقلابی و شورهای آزمون و استمار
در وجود پرتلاطم و جوانه زد.

عشق به زحمتکشان، انگیزه برای رفتن او
به دانشسرای مقدماتی گردید و پس از اتمام
دانشسرا قدم در راهی گذاشت که انقلابیون
همچون صمد آغا زش کرده بودند، او در میان
زحمتکشان "آلان" (زادگاه کاک فو) اد-حین
تدریس برای فرزندان زحمتکشان آلان به آگاه

کردن، اهالی زحمتکشان محل پرداخت.
رفیق صادق در تابستان ۵۸ همراه چندتن
از رفقای مبارز با سازمان تماس گرفت و
این هنگامی بود که او در اتحادیه دهقانان
مرپهان و در آگاه و متشکل نمودن دهقانان
نقش بسزائی داشت. در یورش اول رژیم فذخلی
جمهوری اسلامی به کردستان، صادق تنگ بدست
گرفت و در کنارت اتحادیه دهقانان به عنوان
پیشمرگه مبارزه مسلحانه با نیروهای سرکوبگر
رژیم پرداخت. بعد از شکست مفتضانه رژیم در
کردستان و بازگشت پیشمرگان قهرمان به شهرها،
رفیق مجدداً به کار معلمی خود ادامه داد.
در زمستان ۵۸ طبق تصمیم سازمان به عنوان
پیشمرگ در منطقه "ترگور" و "مهرگور" - بین
شهرهای ارومیه و شوش به کار سیاسی -
تشکیلاتی در میان زحمتکشان و مبارزه مسلحانه
با مزدوران رژیم پرداخت. استعداد درکار
سیاسی - نظامی و روحیه توده ای - انقلابی او
در جوش خوردن با زحمتکشان باعث شد که رفیق
صادق به معاونت مسئول دسته ای از پیشمرگان
سازمان ارتقاء یابد. بعد از ۶ ماه رفیق صادق
در مرپهان و سپس در کار مباران سازماندهی شد.
ممیت عمیق رفیق صادق با زحمتکشان برای
روستائیان دهات حوزه فعالیت او، از او چهره
آشنائی ساخته بود. پیروان او آبادیها مجبت
عیمی از رفیق پیکارگرما بدل داشتند. رفیق
صادق بهمنی همچنان به مبارزه با مزدوران رژیم
مشغول بود تا اینکه روز ۵۹/۱۰/۱۷ وقتی که
بیش از هزار نفر از مزدوران جاش و سوار و
بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



ضربات سنگین پیشمرگان کومله به یک ستون از نیروهای دشمن

۵۹/۱۰/۲۲ - یکدسته از پیشمرگان کومله (پل شهید جلال) در جاده سهند - کامیاران، در بین فرودگاه و پایگاه گزنه یکمین دشمن نشستند، نزدیکیهای ساعت ۴ دو خودرو حامل ارتشی و پاسداران با یکدیگر برخورد کردند و آنها را با اسلحه سبک و سنگین مورد حمله قرار دادند که در نتیجه هر دو وسیله نقلیه منهدم و عده ای از سرنشینان آن کشته و زخمی شدند.

پیشمرگان بهنگام عقب نشینی با یک ستون از نیروهای دشمن که بقصد تعقیب آنها حرکت کرده بود، درگیر شدند و آنها را از زیر بارانی از گلوله سلاحهای سبک و سنگین خود گرفتند. درگیری دوساعت دیگر ادامه یافت و سرانجام نیروهای سرکوبگر رژیم با دادن تلفات سنگینی مجبور به عقب نشینی شدند.

در این نبرد چند خودرو منهدم گردید و بیش از ۵۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. در جریان درگیری ۲ تن از پیشمرگان زخمی شدند. بر داشت، این پیروزی موجب بالا رفتن روحیه مردم و شور و هیجان آنان شده است و از نیروهای کم نظیری است که طی چند ماه اخیر در این منطقه بوقوع پیوسته است تا جاییکه دستهای تبلیغاتی رژیم مجبور شدند که به بخشی از شکست خود اعتراف نمایند.

(خبرنامه ۱۰۶ کومله)

همان حین جاشا و پاسداران وارد آبادیهای "کوله ساره" و "ماسان" شده و اهالی زحمتکش را مورد شدیدترین آزار و اذیتها قرار دادند و در پنجره خانه ها را گلوله باران نمودند. در این نبرد عده ای از پیشمرگان انقلابی با نیروهای ضد خلق، عده زیادی جاش و پاسدار کشته و زخمی شدند. که از ماردقیق آن اطلاعی در دست نیست. با رسیدن پیشمرگان کمکی پیکار و کومله و رزمندگان نیروهای ضد خلق عقب نشینی کردند مزدوران رژیم همچنین اموال اهالی زحمتکش را غارت کرده و چند دستگاه ضبط صوت و ۴۰ هزار تومان پول و یک جیب شهاب از اموال اهالی ماسان را با غارت بردند آنها همچنین وحشیانه داروهای متعلق به بهداری "کوله ساره" را غارت کردند و با این اعمال خود کینه و نفرت رت زحمتکش را به رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی دوچندان کردند. لازم به توضیح است که پیشمرگان حزب با وجود اینکه در منطقه بودند در درگیری شرکت نکردند. همچنین در این درگیریها یکی از پیشمرگان انقلابی پیکار بنا مکاک صادق بهمنی (جمال) بشهادت رسید و پیشمرگه انقلابی دیگری از پیکار زخمی شد. پیروز با دجنش مقاومت خلق کرد.

بقیه از صفحه ۵ یاد پیکارگر...
ارتشی به منطقه "کوله ساره" حمله کردند. رفیق صادق بعد از ۲ ساعت مقاومت دلیرانه و پس از زدن ضرباتی بردش در حالیکه همراه ۴ رفیق همزمش در محاصره تعداد زیادی از نیروهای دشمن افتاده بودند قهرمانانه جنگید و در میدان نبرد گلوله های بر قلب آتشین او که یک کمونیست بود و دلش همیشه برای زحمتکش می تپید، نشست. رفیق صادق بهمنی (جمال) بشهادت رسید و شهیدی بر کاروان شهادت جنبش مقاومت خلق کرد افزوده گشت.

بعد از اتمام نبردنا بر ابر عا عت و فرار دشمن، اهالی زحمتکش آبادی و پیشمرگان قهرمان به محل شهادت رفیق شتافتند و پیکر خونین او را همچون پرچمی سرخ برداشته و با چشمانی پر از اشک و دلشای آکنده از کینه و نفرت به دشمن طبعاتی شان رهسپار آبادی کوله ساره شدند.

یادش را گرامی داشته و راه سرخ و خونین اش را استوار تر از پیش ادا می خواهیم داد!



بقیه از صفحه ۲۲ بنی صدر...

امیربالیستهای جهان خوار غربی کردیدند؟ بنی صدر صحبت از "تغییر بنیادهای اجتماعی" میکند تا "دیگر در این کشور جایی برای مستکبر و مستضعف نماند" چگونه میشود که امیربالیستها و سرمایه داران خونخوار بود و در عین حال مخالف "مستکبر"؟ چگونه میشود که سرمایه داران تمام قوا حفظ کردند و در عین حال طرفدار از زمین رفتن تضافاتی و آشتی ناپذیر میان سرمایه داران و توده های ستمدیده؟ نه! بنی صدر مانند حزبها عوامفریبی میکند و همه آنها دشمنان قسم خورده خلق ما هستند. مگر بنی صدر از زمانی که به ریاست جمهوری رسید غیر از وعده و وعید کار دیگری هم کرده است؟ چه کسی بود که به توده ها گفت با رفرمبانیکی وضع زحمتکش خوب خواهد شد؟ چه کسی بود که به کارگران گفت اگر چلو خورشت نمی توانستید بخورید، نان و وپسی کولا بخورید؟ آری بنی - صدر عوامفریبی بیش نیست و امروز اگر این چنین صحبت میکند میخواهد حریف خود را در موضع ضعف بیا نازد و خود در راس لیبرالها، سوار بر جنبش توده ها بشود و جنبش را با زهم به شکست بکشانند. اما این با رجش انقلابی زیرگامهای سنگین خود بنی صدر، لیبرالها و حزبی ها را یکجا نابود خواهد کرد.

بلکه پس از لغو دعوی آمریکا علیه ایران به حساب ایران و اریزخواهد شد! بنا بر این فعلا هیچ چیز در دست ایران قرار نگرفته است.

می بینیم که تنها مورد ادعای رژیم چگونه تو خالی از آب درمی آید و کوس رسوائی مرتجعین را به صدام درمی آورد. بنوی که از این رسوائی کلافه شده میگوید: "اینقدر هم، دیگر مثل کا سبها چرتکه نمیدانید که چقدر گرفتیم چقدر نگر فتم". (هما نجا) چرا که برای مصالح دولت مکتبی و حزبها خوشایند نیست!

آری می بینیم که رژیم حاکم چگونه پول و ثروت این کشور را به امیربالیسم می بخشد، ولی مسئله اساسی تر اینست تا نشان دهیم که اولا تبلیغات رژیم دروغی بیش نیست و ثانیا رژیم به هیچ وجه نمی تواند به مبارزه فرستد امیربالیستی دست بزند. رویز بیونیستهای خائن اشغال سفارت را "نمونه برجسته از اقدامات فساد امیربالیستی" رژیم حاکم قلمداد کرده و میگویند، اما امروز دیگر حقایق عیان گردیده است. رژیم ارتجاعی حاکم و بیونیستهای نوکرفت هیچکدام نمیتوانند این حقیقت را بپوشانند که بورژوازی حاکم بنا به مایهیت فساد انقلابی خود هرگز نمی تواند فساد امیربالیست با شد و برای سفارت گیری یعنی "انقلاب دوم" رژیم که امروز اینگونه خفت بار به پایا ن میرسد گواه دیگری بر این مدعا است.

بقیه از صفحه ۲۲ آزادی...

تصامی خواستهای ایران گردید، اما مفاد سازشنامه ایران با آمریکا بوجی ایستاد تبلیغات را بر ملا نمود. نه تنها کمونیستها و انقلابیون عمق متعفن سازش را بر ملا کردند و نشان دادند که تنها مورد ادعای رژیم مبنی بر گرفتن ۸ میلیارد دلار نیز دروغی بیش نیست بلکه حتی آنقدر آشوب بود که امیربالیسم آمریکا و لیبرالها نیز با موضع گیریهای خود به واقعیت این دروغ اعتراف نمودند. در این زمینه کارتر چنین استقبال از جاسوسان در "ویسپادن" آلمان گفت: "بوسیله ما، بین ۱۱ الی ۱۲ میلیارد دلار پول ایران پس از تصرف سفارت (سابق)، مسدود شده بوده است و حال آنکه دیروز به ایران کمتر از سه میلیارد دلار پول خودشان را پس داده ایم" (تا کیدا زمانست) به عبارت دیگر رژیم جمهوری اسلامی از مجموعه طلب ایران از آمریکا و دارائیهای شاه که به مبلغ ۲۴ میلیارد دلار میرسد "کمتر از سه میلیارد" بدست آورده است یعنی اگر چه رژیم حاکم از ادعای ۲۴ میلیارد دست برداشت و فقط ۸ میلیارد دلار تقاضا نمود، اما واقعیت این بود که از این مبلغ هم فقط ۲/۷ میلیارد دلار به ایران تعلق گرفت و مابقی را شرکت های آمریکائی که پس از سفارت گیری "متضرر" شده بودند بعنوان باج بالا کشیدند. نا گفته نماند که سهم ایران هم فعلا و ریزنگشته

ترور و ربودن دانش آموزان انقلابی بدست مزدوران ارتجاع

ترور نیروهای انقلابی و عناصر فعال، بخش مهمی از سیاستهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد. چندهفته بعد از شهادت دانش آموزان انقلابی "مژگان اسدی" بدست فاشیستهای مزدور رژیم در خرم آباد، فاشیستهای چندهندبیرستان دخترانه حمله کرده و چند دختر دانش آموز انقلابی را به زور با خود میبرند. و در روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱ نیز یکی از دهستان مجاهدین بنام "بهرام کردستانی" رجوی سال چهارم هنرستان در خیابان توسط عظیم مرادی (فاشیست) که در سرکوبهای خرم آباد نقش فعالی دارد (با شلیک گلوله بهشاید در جریان تشییع جنازه شهید، فاشیستهای به صفت دانش آموزان مبارز حمله میکنند که با شعار "مرگ برای رتاج" و "این سندجناست آمریکا است" پراکنده میشوند.

با شهادت انقلابی، مژگان اسدی و بهرام کردستانی این وارثان بحق "۱۳ آبان"ها و رزمندگان دلاور جنبش دانش آموزی را با ادامه راهشان گرامی بداریم!

یورش به خوابگاه دانشجویی و پشتیبانی توده ها از دانشجویان

روزی که ۲۹ دی با دیگر مزدوران ارتجاع اوباشان فاشیستها، پاسداران سرمایه به یکسوی خوابگاههای دانشجویی (ساختمان شماره ۵ خوابگاه دختران) خیابان ۱۶ آذر (با برنامهم قبلی یورش آوردند.

ابتداء دسته های از این مزدوران بالباس شخمی و در نقش حزب الهی ها وارد ساختمان شده و در آنجا زبشت بستند، آنان با وحشیگری به ضرب و شتم دختران دانشجویی پرداختند و از هیچ عمل کشیفی ابا نکردند و خودسرانه به تک اناقه ها هجوم آوردند.

مردم به محض اطلاع از یورش این مزدوران در برابر خوابگاه جمع میشوند و بدست صدای اعتراضشان را بلند میکنند و بزودی در خوابگاه را بزور گشودند و به کمک دختران دانشجویی و در درون ساختمان بین مردم و دانشجویان انقلابی از یکسوی دسته های مزدور از سوی دیگر زد و خورد در گرفت، مردم تک فاشیستها را بیرون میکشیدند و شروع به زدن آنها میکردند.



در برابر این حرکت مردم عده ای که هواداران مجاهدین هم در میان نشان نبودند، پشتیبان دمی کردند آنها را به کمیته تحویل دهیم، لیکن مردم عادی اصرار میکردند که باید خودمان حساب آنها را ببریم.

در این وقت پاسداران سرسپندانها با طاهر خود را از قضا بایی خبرنگران میدادند (پاسداران ستاد عملیات ناحیه ۶ - منطقه ۹ و منطقه ۱۰) تعدادی از مردم ناآگاه به خیال آنکه پاسداران در مقابل فاشیستها خواهند ایستاد و از آمدن آنان استقبال کردند، اما بزودی توهمن دستهای شکست، پاسداران به درون ساختمان رفتند و شروع به همدستی با فاشیستها کردند، این سرکوب - کران مبارزات انقلابی که در این مدت خوب درس سرکوب را آموخته اند با خشونت به بیرون کردن دانشجویان از ساختمان مشغول شدند و وقتی که مردم متوجه جریان شدند، با خشم در مقابل پاسداران به مقاومت پرداختند، توده های که به چشم خود نقش مزدوران ارتجاع را میدیدند به روی ماشینهای کمیته ریختند و با سنگ لگدیده جان ماشینها را افتادند، آنها فریاد میزدند که فاشیستها را باید پس دهید و خودمان آنها را تنبیه کنیم، اما پاسداران میکشیدند، هم - دستان خود را از چنگ مردمها گشودند و فراری دهند، بیوژه مردم از نحوه برخورد ماشین پاسداران با دختران دانشجویی که بیرون بودند و زنی چادری فریاد میزدند اگر این اسلام است من مسلمان نیستم، و مرد دیگری علیه اسرم شعار می داد، پاسداران خواستند این شخص را دستگیر کنند که با مقاومت شدید مردم روبرو شدند و چارواگران را زد کردند.

در این زمان از جلسوی خوابگاه شعار مرکز برچماق را و ج گرفت. البته بیشتر هواداران مجاهدین میخواهند این شعار را بدهند و از دادن شعاری مستقیم علیه پاسداران خودداری میکردند.

دم بدمد اما اعتراض و سبقت میشد پاسداران مزورانه سعی میکردند با پراکندن دروغ و تهمت و افترا، توجه مردم را از خود دور کنند، آنها چاقها را روی دست گرفته میگفتند این چاقها

مال چپی هاست و آنان را برابر هر کسی که می - پرسیدند چه خبر شده، می گفتند پیکار ریه ها را میخواهم دستگیر کنیم، لیکن این دروغگوئیها بیشتر مردم را به خشم میاورد. شعار مرگ - چماق، شکنجه، دیگران ندارند، جمعیت را فرا گرفت. مردم از شکنجه گزیدن دانشجویان در خوابگاه دفاع میکردند و میگفتند حق آنهاست که در اینجا زندگی کنند.

پاسداران دیگر قارند و بدیده ها را - لست معمولی در برابر مردم میایستادند و بدست شروع به تیراندازی هواشی کردند. در این وقت ما از درون جمعیت فریاد میزدیم مرگ برای رتاج که خیلی سریع این شعار میان توده ها رفت و همه گیر شد. البته نیروهای کمونیست میکوشیدند جلوی شعارهای انحرافی را بگیرند و توده ها از شعارهایی که مستقیماً علیه رتاج نبود پشتیبانی میکردند. البته فاشیستها هم - لست خیابان شعار میدادند که با واکتی دیروز، جنبش امروز،... و وقتی شعار مرگ برای رتاج پیچید آنها شعار دادند واکتی دیروز، پیکاری امروز!

اما چیزی که از همه جالب تر بود بر خورد مردم نسبت به اکثریتی ها بود اکثریتی ها همه - جا میکوشیدند که جلوی مبارزه توده ها را بگیرند آنان از اینکه مردم علیه رتاج شعار میدهند سخت برآشفته و هراسان بودند، با همه نیرو اینجا و آنجا سرک میکشیدند و التماس میکردند که این شعار را ندهیم، و در برابر سعی میکردند شعار مرگ برای رتاج را واکج دهند و مشخص بود که چگونه با این شعار سعی میکردند توجه مردم را از مبارزه علیه رتاج و امیرا لیم معرفی کنند اما مردم پاسخ دندان شکنی به اکثریتی ها می - دادند، آنها میگفتند مگر این ارتجاع نیست که دست به حمله زده است؟

ایادی رژیم به علت آنکه نتوانستند در حمله به خوابگاه دختران دانشجویی از پیش ببرند با ردیگرو سوم بهمن خوابگاه دانشجویان را مورد حمله مجدد قرار دادند که با ردیگربا مقاومت توده ها روبرو شدند.

پوزش:

کزارشی داشتیم از مبارزات دانش آموزان انقلابی دبیرستان "اقتصاد" (در ساوان) (بلوچستان) بنقل از نشر دبلوچ نشریه تشکیلات بلوچستان سازمان و نشر گزارشی از مبارزات دبیرستان دخترانه ولی الله نصر (تهران). متأسفیم که به خاطر کمبود جا امکان استفاده از آنها را نداشتیم. با درود به رفقای کمونیست و انقلابی جنبش دانشجویی و دانش آموزی!

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



جاوید باد یاد دکتر تقی ارانی چهره درخشان جنبش کمونیستی

رفیق تقی ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ بدست دژخیمان رژیم استبدادی رضا شاه حلاله در سیاهال زندان به شهادت رسید.

رفیق ارانی از جمله دانشجویان انقلابی که پس از تحصیل در اروپا با ارمغانی از آثار مارکسیستی و اندیشه‌های انقلابی به ایران بازگشت و به انتشار آرا و افکار مارکسیستی همت گماشت. دکتر ارانی در گروهی روشنفکری به فعالیت پرداخت، که به گروه ۵۳ معروف شد. در این گروه افراد مختلفی از پایگاه طبقاتی متفاوت وجود داشتند و از برج اسکندری (آزهریان) خاش حزب توده در حال حاضر)، عبدالصمد کا میبخ، بزرگ علوی، یزدی، ... تا کمونیست‌هایی چون ارانی را در خود جای داده بود. این گروه هرگز نتوانست از چارچوب فعالیت‌های فرهنگی و انتشار فرهنگ انقلابی و مارکسیستی خارج شود و مجموعه متفادی بود که نمیتوانست به سمت زحمتکشان و طبقه کارگر سمت گیری عملی نماید. دکتر ارانی با انتشار نشریه "دنیا" به افشاء دیکتاتوری رضا خانی و نشر اندیشه‌های انقلابی پرداخت ولی انتشار آن متوقف گردید و گروه ۵۳ نیز با سرکوب دژخیمان رضا خان قلدر مواج شد. و همه اعضای آن دستگیر شدند. رژیم استبدادی رضا شاه جلادان را زیر شکنجه برد، در مقابل با یامردی و استواری انقلابیونی چون رفیق ارانی که تا آخرین قطره خونساز را نهایی و الای طبقه کارگر دفاع کرده بودند، بزدلانی چون عبدالصمد کا میبخ با رژیم همکاری کرده و از درخشان‌ترین درآ شدند. رفیق تقی ارانی در پیدادگاه‌های خانی رژیم استبدادی حاکم را به محاکمه کشیده و دفاع از عقاید انقلابی خود را نهایی زحمتکشان پرداخت. او بر علیه نظام حاکم ارتجاعی و قوانین آن به خاست و در پیدادگاه‌ها علام کرد: "فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده‌ها باشد." او با بیان اینکه جقدر برای یک جامعه تنگین است که طرفداری از زنجیران و حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات دارد، "ما هیت ارتجاعی رژیم و بسته‌ها را افشا کرد و

خاطره نبرد سیاهکل را گرامی میداریم

ده سال از نبرد قهرمانانه فرزندان انقلابی خلق در جنگ‌های سیاهکل میگذرد در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی از فرزندان کمونیست خلق با ایمان به انقلاب سرخ توده‌ها جلوه‌ای از عشق و کینه طبقاتی را در برابر ارتش ناپدندان ملحق شاه جلاد به نمایش گذاردند. از دل این نبرد انقلابی سازمان چریک‌های فدائی خلق متولد شد و با انقلابیونی چون رفقا احمدزاده، ناپسند مفتاحی، حمید مومنی و... در بستر مبارزات خلق پا گرفته و به تبلیغ قهر انقلابی در برابر قهر ضد انقلابی مزدوران امپریالیسم پرداخت. آن رفقای شهید با مرزبندی قاطع با فرمیسم، پارلمانتاریسم و رویزیونیسم خروشچی و "تور" با غده‌های خروشچی "نظیر حزب خاش توده" به مبارزه انقلابی با رژیم وابسته شاه جلاد و امپریالیسم پرداختند.

نبرد سیاهکل با سرکوب فاشیستی مزدوران رژیم شاه خاش و روبرو شدن انقلابیون جان برکف آن با استواری مرگ سرخ را پذیرا گشتند و لای خا طره آن به مثابه جلوه‌ای از دموکراتیسم انقلابی در تاریخ مبارزات خلق ما باقی خواهد ماند.

مبارزه ضد رویزیونیستی رهروان انقلابی "سیاهکل"، از دستاوردهای جنبش نویسن کمونیستی بشمار میرود. دستاوردی که با طری غلبه خط مشی غیر پرولتری چه گوارا - رژی دیره بر مبارزه رفقا، نتوانست در کلیه سطوح تعمیم پیدا کند و به رشدهای پرولتری در جنبش کمونیستی کمک نماید.

آن رفقای انقلابی گرچه در پرتو می غیر پرولتری چریکی مبارزه میکردند اما با مرزبندی با رویزیونیسم مدرن و حزب توده ضرورت و لزوم انقلاب را تبلیغ کرده و با خط کشی قاطع با سازشکاری و فرمیسم به تبلیغ مبارزه قهرآمیز انقلابی می پرداختند. آن رفیقان، رهروان صادق انقلاب بودند و امروزه مرتدان رویزیونیست "اکثریت" (فداشیان) هرگز نمیتوانند خود را ادا مدهنده راه خونین آن‌ها بزنند. قلب آن رفقا در راه‌های زحمتکشان می طید، آن‌ها زحمتکشان رویزیونیست‌ها را دشمنان طبقاتی توده‌های زحمتکش می‌شمردند و با ارتجاع و امپریالیسم بمبارزه انقلابی می پرداختند، در حالیکه این مرتدان خیانتکار به دیوژگی بورژوازی ارتجاعی پرداخته و از مزه مجیزگویی نوسپال امپریالیسم روبرو گردیده‌اند.

تجلیل از نبرد سیاهکل و انقلابیون جان بر - کف آن مانع از آن نیست که به انحراف رفقا از مشی پرولتری اشاره کنیم آن رفقای شهید با پذیرش و تبلیغ مشی غیر پرولتری چریکی و با برخورد تمام خلقی به جنبش انقلابی خلق‌های

دفاع از خود را به دفاع از زحمتکشان رنجبران تبدیل کرد و تا پای جان بر عقابند انقلابی اش پا فشاری کرد. "حزب خاش توده" که برای کسب آبرو خون شهیدان را دستاویز مقام دشوم خود مینماید به عیب میکوشد خود را ادا مدهنده راه ارانی معرفی نماید. رویزیونیست‌های خاش حزب توده به نسبت دادن مجله "دنیا" "ی خود به ارانی نمیتوانند یک دنیا فاصله‌ای را که بین آن "دنیا" "ی انقلابی ارانی و "دنیا" "ی ارتجاعی کارگزاران سوسیال امپریالیسم روس وجود دارد محو نمایند. آنان نه رهروان راه رفیق ارانی بلکه ادا مدهندگان صف راه ابرج اسکندری‌ها و کا میبخ‌های خاش هستند. این مرتجعین در تئوری و عمل با اندیشه و عمل ارانی شهید در تضاد آشتی ناپذیر میسر می‌رسد. برگ برگ آثار ارانی سخن از منافع آنی و آتی زحمتکشان میگوید و لحظه به لحظه حرف و عمل حزب خاش توده جز در دشمنی با طبقه کارگر، جز علیه کمونیست‌ها و جز بنفع ارتجاع و بورژوازی نیست این خاشین به عیب میکوشند تا با انتساب خو به اندیشه و عمل رفیق ارانی، کسب "اعتباری" برای خود بنمایند. توده‌ها این واقعیت را به چشم خود می بینند که از راه ارانی تا راه حزب توده دریایی از خون انقلابیون فاصله است. از رفیق شهید دکتر تقی ارانی آثار ارزنده مارکسیستی از جمله "مجموعه مقالات فلسفی" و... بیاد کارمانده است. در چهل و یکمین سالگرد شهادت رفیق ارانی یادش را گرامی میداریم!



از
انتشارات
جدید
سازمان

ایران، بانفی کارکا هگرا نسیاسی در میان طبقه کارگر و رگونی شکل پیشاهنگ طبقه کارگر (حزب کمونیست) و قدم برداشتن در جهت ایجاد آن طبقه کارگر را از پیشاهنگ انقلابی خود محروم ساختند و این بینش اثر منفی خود را در جنبش کارگری ما بجای گذاشت. در همین سالگشت نبرد سیاهکل با درویدهای کمونیستی به آن رفقای شهید، یاد آن نبرد پر شکوه را گرامی میداریم.

دروود بر پیکهای انقلاب، پیام آوران آگاهی و انقلاب



ادامه دارد... اما اینهمه تنها نیمی از حقیقت است. از سوی دیگر: صدای کامیاب آهنگی — انقلاب می آید. نسیم پرطنین انقلاب زیربند گرفته است. سپیده دم انقلاب، "شب" را بختی تهدید میکند و همایونک مشعلهای روشن آگاهی ستاره های سرخ انقلاب، "شب" را آتشنشان فروزان کرده اند، که "شب" بخود می لرزد. آری یاران! همه کمونیستها و انقلابیون در شب تیره حاکمیت ارتجاع، بیام آورشق سرخ صبحدم اند. دشمنی "شب" با انقلابیون از همین روست یک اعلامیه، یک نشریه، یک بحث آگاهانه، مشعلی است که دل تیره "شب" را میبرد و نوید صبح پیروزی حمتگان را سرمی دهد "شب"، رژیم خائن شاه، "جمهوری اسلامی، و هر رژیم ارتجاعی دیگر انقلابیون را سخت دشمن میدارد و از پیا مشان به خلق بخود می لرزد و انقلابیون را با تیرباران شکنجه و زندان یا سب میگوید و حرم انقلابیون این است: آگاه و مستنکر کردن توده ها و اعلان جنگ به امپریالیسم و ارتجاع!

ارتجاع و امپریالیسم از پاشیدن بذر انقلاب در میان توده ها بدت جلوگیری میکنند این بذریست؟ همان اعلامیه های است که زیر لبان خود مخفی میکنند و شبها هنگام در خانه های زحمتگان میافکنند، همان نشریات است که در خیابانها، در یک فرصت مناسب، علنی می — فروشید و در همان نشریات است که به — نویشتن سردیوار دستگیر میشوید، شلاق میخورید و زندان میکشید، زمان شاه را بخاطر آوریسم: رفیق معمولی تندی بخاطر داشتن اعلامیه در زیر شکنجه گشته میشوید و او تنها نیست، نمونه در تنبیک انقلابیونی است که بخاطر داشتن، اعلامیه و کتاب شکنجه شدند، اتاق حسینی حلال را

"این امر (بخش) اهمیت فوق العاده ای، هم برای تظاهرات ها و هم برای قیام خواهد داشت. رساندن سریع و صحیح نشریات، اعلامیه ها و فراخوانها و غیره، اتخاذ ترتیبی تا این کار بدون اصطکاک انجام گیرد و شبکه کامی از سازمان برای این منظور ترتیب شود. این کار یعنی انجام بخش اعظم کار تظاهراتی برای تظاهرات آتی و برای قیام... بهیچوجه نباید اجازه داد که این دستگاه بخش، غیرفعال بماند. باید کوشید که این دستگاه — تظاهرات در چراگاه ملیت ساخته شود که بتوان در عرض یک شب تمامی جمعیت کارگری سنت پترز — بورگ را با خبر ساخت و با اصطلاح بسیج کرد" (لنین — نامه به یک رفیق در مورد وظایف سازماندهی ما) از یکسو: بیشک در شب تیره بهر میسریم. سرما بیداران و طبقات مرفه به بدستی با امپریالیسم، با به شوم خویش را بر سر میهن بیخاسته خونین مان گسترانیده اند، رنج و زحمت بر شانه های سترگ رگران و زحمتکشان بدت سنگینی میکند، غارت و استثمار و جوعا قی کارگران و زحمتکشان را میکوبد و رنجورتر میسازد. پاسخ خواهی — همچنانکه در روزگار رگران سیکار افغان، دورود، ما شهر و... دیدیم. شلیک ملسهای آمریکا شلیکی با سدا ران ارتجاع را بدنبال دارد. از گیلان تا خوزستان و از آذربایجان تا بلوچستان و... هرگاه که زحمتکشان بیخاسته، درخونشان غلطیدند، چرا که این حکم ارتجاع و امپریالیسم است. خلق کرد، ترکمن، و... صدها شهید دلاور به انقلاب دمکراتیک خویش میهن نثار کرده اند با ساری سرمایه داری وابسته و ارکانهای سرکوب مدخلقیش

بخاطر درایم، باها بی از زخم چرکین شده، تنهای سوخته و شلاقی که با زخم، قاصتهای افراشته و عزیزان انقلابیون را تکه — تکه میکرد، آه های مانیفست را از کجا آورده ای، آهای این اعلامیه های کمونیستی را چه کسی بتو داد ما همه انفرادی، مدها ضربه شلاق، پولو، ویزان کردن و سپس ۱۵-۱۰ سال و یا حبس ابد (اگر زیر شکنجه زنده می — ماندی) بخاطر داشتن اعلامیه یا کتب سازمانهای کمونیست و انقلابی، سراسر جامع طبقاتی چنین است، از اسالوادور تا کره جنوبی و از گواتمالا و آرژانتین تا پاکستان و تا بلند و افغانستان چند صد هزار انقلابی و کمونیست کشته شده اند، بزرگان افتاده و شکنجه شده اند، آتیم بخاطر اعلامیه، بخاطر کاشتن بذره های سرخ انقلاب و اما هیچ افتخاری بالاتر از این کاشتن بذر انقلاب نیست چون نسیمی وزیدن و بذر انقلاب پاشاندن، چون ستاره سرخی شب را شگافتن و نور افشاندن، بیاد آوریسم بلشویکها شی را که ایسکرا را در میان توده ها بخش میکردند، لادوکتس خولی ها را که بخاطر این بخش کشته میشوند و هزاران بلشویکی که به سیری، تبعید میشدند، بیاد آوریسم همه کمونیستها و انقلابیون را که در راه افشاندن بذر انقلاب در اندونزی، ویتنام و... به شاد رسیدند، بیشک بخش اعلامیه و نشریه امری است بسیار بزرگ، بزرگتر بن آتار انقلابی جهان اگر بیام توده ها نروند، سیاهیهایی روی کاغذ پیش نیستند، ما رکیسم — لنینسیم، این ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را بدیده توده ها در هم آمیزد و رفقای بخش، یکی از پلهای بزرگ ارتباط این ایدئولوژی رهائی بخش و توده های میلیونی هستند.

توده ها و بخصوص کارگران، گستراری هستند عظیم و سترگ و اعلامیه ها و نشریات ما، یاران! بذرها هستند که با بدردل این کشتگاه عظیم و عزیز پرورده شوند و آنگاه جنگل سرسبز انقلاب بر سرخواهد افراشت، اعلامیه های ما و نشریاتمان، یاران جرقه هایی هستند که شعله های انقلاب را مشتعل میسازد، آری از همین نشریات ما، از همین آخرهاست که حریق بر میخیزد، حریق انقلاب و طبقات استثمارگر را میسوزاند و خاکستر میکند، آری یاران ما ویران کننده دنیای کهن هستیم، بیش از آنکه با اسلحه و با قهر، نظام پیوسیده که نه در هم بشکنیم، سلاحمان، همین شب نامه ها است سلاخی که همیشه و همه وقت کار ساز خواهد بود و شما یاران! وای رفیق کارگری که با وجود آنکه ریز بونیست — ها با عوامل جا سو را کارفرما می پاشند، با اینهمه کارخانه را بهر از اعلامیه میکنی و انکار آتش را در لانه زنیور فرو کرده ای، دشمنان را می لرزانی و بتکا بووا میداری، وای رفیق دانش آموزی که در کف مدرسه ات، نشریه انقلابی

به استقبال جنبش او جگیرانده توده ها باش — تاییم

“جراغی” که به خانه رواست، به مسجد حرام است!

کیهان ۸ بهمن در صفحه اول خودتیتیر زده است که “وزارت امور خا رجها یه شکنجه گروگانها را قویا تکذیب کرد”.

ما نمیکوئیم چرا آنها را شکنجه نکردید، آخرو موضوع بالاتر از این حرفهاست، شکنجه را کسان دیگری در رژیم شما باید ببینند، تا وقتی کمونیستها و انقلابیون هستند، تا وقتی کارگران وزحمتکشان آگاه هستند، تا وقتی خلقهای بیچاره گروگان و ترسیده هستند، آنها را باید شکنجه کرد! تا وقتی جوانان رزمنده ای هستند که نشریات و شعارهای انقلابی را به میان توده ها میبرند آنها را باید شکنجه کرد و شلاق زد و پشت کمر اینها را باید از داغ شلاق سیاه کرد، گلولی اینان را باید فشرده تا خون از بینی شان بیرون زند، اینها را باید در زندانهای تاریک و نمور انداخت، برای اینان باید صحنه های “رعب آور” اعدام ترتیب داد، به خانه اینها باید هجوم برد و موجب وحشت خانواده شان کردید، مادران و خواهران اینها را باید در هوای سرد رتبه های ازمین برد، مادران مجاهدین را باید مورد ضرب و شتم قرار داد و ساعتهای متوالی در مستراح زندان زندانی کرد! شرمناک باد!

آری ما هم تصدیق میکنیم که شما کوچکترین “اساسه ادبی” به آمریکا شباهت نکرده اید شما تنه آنها را شکنجه نکرده اید بلکه به خودتان در رهتلهای درجه یک سکونت داده اید، میدان بازی و تفریح در اختیارشان قرار داده و فیلمهای هولیودی ریگان را محض خوش آیندشان بنمایش گذاشته اید انواع “پذیرا ئها”ی دیگر چون ما هیت شما بورژوا ئی و ضد انقلابی است دشمن شما رهیک شما کمونیستها و نیروهای

نوشته ویدهند، در صورتی که چنین افرادی درست گفته باشند و از تشکیلات مربوطه تحقیق شود و موردتأیید قرار گیرد با آنها تماس حاصل خواهد شد در غیر این صورت سازمان خود تصمیم خواهد گرفت، طبیعتا ادا مه تماس شما با این فرد ضرورتی ندارد و فقط سعی شما این خواهد بود که گزارش وی را از یک کانال مطمئن برای سازمان بفرستید.

رفقا! اگر هشیارانه و با دقت به این مسائل برخورد کنید قطعا این تلاش مذموبه نه ارتجاع کماکان بی ثمر مانده و ثابت خواهد کرد که تشکیلات کمونیستی ما آنچنان آهنگین است که رخنه و نفوذ این ضد انقلابیون بی مقدار در آن میسر نبوده و آنان در درس دیگری از ما خواهند گرفت.

با امید به پیروزی!

تا بودی سرما به داری و بسته بیج کرد پس به پیش در کوشش باز هم بیشتر در افتادن بذرا انقلاب!

“یک رهنمود امنیتی برای پیکهای انقلاب

رفقا!

ما وارد متعددی دیده شده است که عواما مل مستقیم و غیر مستقیم رژیم کام: پاسا ره های ملیس به لباس شخصی، فالانزه های بی جیره و مواجب، ایادی سا و اما، جاشا و... و لباسهای عادی و قیافه های ظاهرفریب خود سعی کرده اند از طریق رفقای که نشریات سازمانی را می فروشند و یا رفقای که به بحث درخیا با آنها و اما کن توده ای میپردازند، خود را به تشکیلات نزدیک نموده و با مبالغه ر دیا بی و نفوذ نمایند! این عمل به چند صورت ممکن است انجام بگیرد:

الف: تعقیب و شناسائی منازل و اما کن رفت و آمد رفقا و کشف ارتباطات آنها،

ب: جازدن بعنوان افراد مبارز که میخواستند با سازمان تماس بگیرند و یا افراد طرفدار انقلاب،

ج: محمل سازی و طرح این مسئله که مثلا در فلان شهر با رفقای تشکیلات در ارتباط بوده اند و بدلیل پیش آمدن مسئله امنیتی از آنجا فرار کرده و ارتباطشان قطع شده است...

بنابراین و برای خنثی کردن این حیلله رسوای ضد انقلابی ضروریست که رفقای که نشریات سازمانی را میفروشند و یا به بحث درخیا با آنها میپردازند به نکات زیر توجه نمایند:

۱- پس از اتمام کار (جمع کردن بساط، اتمام نشریات، پایان یافتن بحثها و دور شدن از محل ثابتی که در آنجا به وظیفه انقلابی خود مشغول بوده اند) میبایست تصفیه نموده و از اینکه توسط عامل رژیم تعقیب نمیشوند مطمئن گردند و سپس به خانه ها یا اما کن مربوطه خود بازگردند.

۲- به افرادی که به اشکال مختلف سعی در نزدیک شدن خودشان به این رفقا دارند و بدادگی اعتماد ننموده و سعی کنند فرد مربوطه را کاملا ارزیابی نموده و با طرح سئوالاتی تناقضاتی را که احیانادر حرفهای آنها مشاهده میشود استخراج کنند.

۳- اگر افرادی خود را وابسته به تشکیلات (مثلا در یک شهرستان) معرفی نمودند در رفقا میبایست از آنها گزارش بخواهند تا مشخصات خود و جمع مربوطه خود و رفقای همکلاسی اش و همچنین وظیفه ای که به عهده داشته است و با تشکیلاتی که به آن تعلق داشته است را در آن

چون بمب سا عتی، ساعت مرگ سرما به را نزدیکتر میکند، رفیق زحمتکش، دانشجو... که در زندانها طعم “عدل” جمهوری اسلامی را با شلاق و شکنجه میچشی، اعلامیه ها یمان، بذرا کا هی و انقلاب است و چنین است که رفقای پیکار کرد لا و مسعود ما لعی طیب نجم الدینی و رفیق حمید را خا نمی و مجاهد عباس عمانی و... فقط بجرم فروش نشریه و بخش اعلامیه ترور میشوند با زهم غریب و یا زجوها ئی که جاپای عفدی و رسولی گذاشته اند، یعنی لاجوردیها و کچوفیها و ما شالله قما بیها و خلخالیهای جلاد، شکنجه کنان، فریادمیزند، آهای این پیکار، این رزمندگان، این انقلاب این راهکارگر، این کاراقلیت و این محاهدرا از کجا آورده ای؟ اما نه ترور، نه شکنجه و نه زندان پاهای شما را است نخواهد کرد و یا زهم زحمتکشان صبحگاه، هنگامی که میخواستند بسوی کار بروند، زیر شکنجه های در تراکتها و اعلامیه ها را خواهند یافت و یا زهم کارگران در کارخانه های خود، بر روی دیوار، بیانیها و اعلامیه ها را خواهند خواند و یا زهم دید و زحمتکشان درخیا با آنها، با جوانان انقلابی مواجه میشوند که با فریاد میگویند، پیکار، رزمندگان، مجاهد و... و یا در موقعیتهای نامناسب جوانی را خواهند دید که آهسته میگوید پیکار نمی خواهم دشمناره... و یا زهم زندانها پرخواهد بود از انقلابیونی که با خودیذرا انقلاب بهمرا داده شده اند، انقلابیونی که گاه به فریب دادن با زجوها ی احقشان از چنگشان گریخته اند و گاه دلاورانه از بدشلولوژی شان دفاع کرده اند و دولی در هر صورت چه بنا به شرایط مشخص خود را فردی غیر سیاسی خوانده که “بسته اعلامیه” را در گوشه خیا بان یافته است و چه در شرایطی خاص از آلمان زحمتکشان قهرمانان دفاع کرده باشند در هر صورت هرگز هیچ رازی را بدشمن نگفته اند هرگز با نشان را به دشمنان نشان معرفی نکرده اند، شکنجه شده اند، اما دژ خیمان در دنیا فتنه اند که اعلامیه ها را چه کسی به آنها داده است، و یا زهم شکنجه دیدگان باللب به اسرار نگشودن بر شکنجه و زندان بیروز میشوند و بر احکام ارتجاعی و زندان و حبسهای طویل - امدت آن پوزخند خواهند زد.

پایان! اکنون، در هنگام اعتلا جنبش در هنگامی که توده ها بیش از پیش سیاسی شده و میخواستند مسائل انقلاب را حل کنند، نقش پیکهای انقلاب بسیار وسیع تر و برجسته تر دیده است. کوشش بیشتر پیکهای انقلاب، ضرورتی است بزرگترین دشمن طبقاتی، گسترش یافته های طبقاتی اما به بذرا انقلاب است، اگر ما کوتاهی کنیم، دشمن برای مدتی دیگر در آن خس و خا خواهد پروراند، با عزمی بلشویک و اروپا کوششی بیش از پیش در بخش شرکت کنیم و فرا موش نکنیم که بخش خودتاریکی است عظیم برای قیام بدون شرکت فعال ما در بخش نشریات انقلابی در میان توده ها، نمی توان توده ها را در جهت

دوستی است رویز یونیستها در قبال مجاهدین: در یوزگی - چابلوسی و کینه توزی

(۲)

چابلوسی و لجن پراکنی رویز یونیستها علیه به مجاهدین

رویز یونیستهای توده ای با چابلوسی تمام در گفتگوش "دوستانه" با مجاهدین سخن خویش را آغاز کرده اند و گفته اند که هنوز برایشان این "فرض" وجود دارد که مجاهدین "فدا میبرای لیست هستند و آنها را دوستان ...". خطاب کرده و تاریخ را به دروغ به گواه میگیرند که این جریان فکری را از ابتدا مثبت ارزیابی کرده و همواره از آن حمایت کرده اند و پس از مقداری مدیحه سرائی چابلوسی، مواضع انقلابی مجاهدین را مورد حمله قرار میدهند و مدعی می - گردند که بختیار راویسی و "خلق مسلمانها" و "کلاً" سرمایه داران و بزرگ مالکان ... بدلیل مخالفت مجاهدین با رژیم و بیوزجه جناح حزب جمهوری، برای مجاهدین کف زده و هورا میکشد! (نقل به معنی از "مردم" بهمن ۵۹ شماره ۴۲۵) و معتقد است که برخورد مجاهدین با فدا انقلاب تغییر یافته است. کی؟ کجا؟ چگونه؟ معلوم نیست و اصلاً مهم نیست! چه اگر برای اثبات حکمی بی پایه خود نمیتوانند از نشریات مجاهد سندی بیاورند چه پاک! از کیسه گشادشادی و دروغ پردازی خود که میتواند، چنین نسبتی را به مجاهدین بدهد که گویا آنها معتقدند "بگذار بزرگ مالکان، که در جهت برانداختن نظام جمهوری اسلامی هستند نیرومند و قدر قدرت باقی بمانند! بگذار بخواهند هر چه بیشتر این نظام را تضعیف کنند" رویز یونیستها سپس مدعی میگردد که مجاهدین با تغییر سیاست خود در قبال رژیم خمینی سیاستی را دنبال میکنند که آمریکا توسط برژینسکی در ایران دنبال میکند و آن سرنگونی رژیم خمینی و حمایت از گروههای مخالف است!! و سپس نظرات مجاهدین را بزعم خودشان چنین فرموله میکنند: رژیم کنونی "تأمینده خرده بورژوازی سنتی روستائی است، که تاریخ آنرا محکوم کرده است" در نتیجه در نظر این "انقلابیون، هر نیرویی که در جهت برانداختن این رژیم، یعنی در جهت تسریع حکم تاریخ" باشد باید با لقه دارای محتوای "مترقی" است و باید از آن پشتیبانی کرد! در نتیجه، توطئه های امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب پرورده اش و لیبرال ها و ما ثولیت ها و سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، برای درهم شکستن این رژیم "واپسگرای محکوم" در نظر مجاهدین خلقت

با لقه "مترقی" است پس باید با هر نیرویی که آماده براندازی این "رژیم" واپسگرای محکوم باشد همکاری کرد! (همانجا)

رویز یونیستها ارزیابی مجاهدین را از صف دوستان و دشمنان انقلاب، همان "ارزیابی کینه توزترین دشمنان انقلاب و رادیکالترین" میخوانند و در سرتا سر این "مقاله" تکیه میکنند که دوستان انقلاب در جبهه متحد انقلاب از دیدگاه مجاهد ها و اکا ها، لیبرال ها، سرمایه داران غارتگر و ... را در بر میگیرد! و وقتی که مدعی میگردند که "سازمان مجاهدین خلق ایران از روند تضعیف رژیم چاکم کنونی، بوسیله لیبرالها و آمریکا و هر نیروی دیگر استقبال میکنند" (همانجا) و پس از این همه افترا، لجن پراکنی شان را تا نیز و فحاشی، و قبیاحتها ادعا میکنند: "همانطور که شیوه همبستگی ما ست، ما مقابل به - مثل نخواهیم کرد، زیرا دستیاری به فحاشی و تهمت زنی، آنهم تکرار تمام لجن پراکنی های ساواک، رادیکالترینها راویسی، کارکنانی است که در بحث سیاسی و در موضع ضعف و غیر قابل دفاع قرار میگیرند و شما مت پذیرش نظرات منطقی را ندارند" (همانجا) پس برای مجاهدین کرکری میخوانند که "یا شماها مت آنرا دارید که بدون توسل به ساز و توهین و اتهام که ما به انداز کافی از فدا انقلاب هر روز در یافت میکنیم، پاسخ این پرسش ساده و روشن را بدهید؟ (همانجا) و با بادی در غیب از پاسخ به "فحش نامه" معروف مجاهدین! خودداری می - کنند!

طبعاً پاسخ همه جا نیه به این لجن پراکنیها که توسط حزب خائن توده صورت گرفته است، باید توسط خود مجاهدین صورت گیرد لیکن برای ما از نقطه نظریک سازمان ما رکبستی، افشای سیاستها و شیوه برخورد بورژوازی رویز یونیستها یک وظیفه تاریخی است.

شیوه برخورد رویز یونیستها ماکیاویستی است

در ابتدا گفتیم که شیوه برخورد رویز یونیستها ماکیاویستی است، بدین معنی که برای آنان هدف وسیله را توجیه میکند، آنان بنا بر ماهیت بورژوازی خود، از یکا گرفتن هر وسیله ای اعم از دروغ پردازی، شانرلاتا نیسم، فحاشی، لجن - پراکنی و حتی جاسوسی برای رسیدن به هدفشان استفاده مینمایند. آنان نه تنها این شیوه را

در مقابل کمونیستها در پیش میگیرند، بلکه در مقابل انقلابیون دیگر نیز چنین برخوردی دارند و در صورتی که بنا بر تاریخچه شانرلاتا نیسم سیاسی حزب خائن توده میشود، بیخوبی محبت نظرات ما را نشان دهد.

حزب توده بنا بر شانرلاتا نیسم، فربیکاری و دغلیکاری خود مدعی است که از آغاز "حزب طراز - نوین طبقه کارگر" بوده است در حالی که گذشته از آنکه یکمده از موسسین حزب را فئودال زاده ها و جاسوسانی نظیر: یرج اسکندری شاهزاده قاجار، دکتر اردمش و احسان الله خان طبری از فئودال زادگان بنام، مظطفی فاتح جاسوس انگلستان و رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس مظفر - چپاول خلق تشکیل میدادند، خود حزب صریحاً اعلام میداشت: نسبت کمونیستی به حزب توده ایران نسبتی که دسته سیدضیا، میکوشند به ما وارد سازند و بدان وسیله سعی دارند که سرمایه داران و تجار ایرانی را از ما بترسانند، نسبتی است غلط و دور از حقیقت، حزب توده ایران حزبی است مشروطه خواه و طرفدار قانون اساسی ("رهبر" شماره ۲۸۰ سال ۱۳۳۲).

آری حزبی که هدف خود را "منافی هیچ طبقه اجتماعی" "نمیداند و اعلام میدارد که "حزب توده ایران، برای سرمایه داران و مالک، از دبا دشواری و راحتی وجدان را فراهم میکند" (جزوه - حرف حسابی ما چیست) خود را حزب طبقه کارگر میخواند! و مدعی است که از همان ابتدا پرچم ظفر نمون - مل را در ایران برافراشته است. (۱)

حزبی که مضمون فعالیت خود را "اجرای آن مقرراتی" میداند "که قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سؤگند یاد کرده اند" (دنیای - دوره دوم - سال دوازدهم - شماره ۲ سال ۵۰) (یعنی مظفرالدین شاه محمدعلیشاه، احمد شاه، رضا شاه و محمد رضا شاه!) حزبی که میگوید "در کدام دادگاه ثابت شده است که مرا موروثیه حزب توده ایران با مقررات قانونی ۱۳۱۰ انطباق دارد، یعنی به اصطلاح قانون ۱۳۱۰ مرام موروثی اش اشتراکی است یا فاسد سلطنت مشروطه ایران؟" (مردم تیرماه ۴۹) حزبی که شاه را نماینده سرمایه داران اصلاح طلب خوانده و شاه را سرنگونی رژیم کودتا را چپ روانه خوانده (دنیای - مهر ۵۴) حزبی که خواهان آن است که جناح سالمترو واقع بین ترهیت حاکمه زمان ما مورثا بدست گیرد "و در عین حال از "اقدامات ترقیخواهانها" یک به منظور زمین بردن مناسبات فئودالی (توسط شاه) و ... میباید پشتیبانی میکند (مردم شماره ۶۹ - بهیام یرج اسکندری ... و نزدیکی شاه به شوروی را بیفیع ایران میخواند! حزبی که خواهان تبدیل سلطنت استبدادی به سلطنت مشروطه میشود و سرنگونی رژیم استبدادی را با حفظ رژیم

رویز یونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رویزیونیست‌ها شمعیت‌ها ننندیدون تحریف دروغپردازی و یکار گرفتن شیوه‌های شیادانه و ماکیاولیستی، مواضع نیروهای انقلابی را مورد نقد قرار دهند. و بجز این هم نباید انتظار داشت. رویونیست‌ها شی نظیر حزب خائن شونده مشی و سیاست بورژواشی دارند از اینرو صد البته در شیوه برخورد نیز، به شیوه‌های بورژواشی و ماکیاولیستی متوسل میشوند. فرهنگ گنبدیده بورژواشی به آنان حکم میکند برای رسیدن به هدف از هر وسیله، از دروغ‌پردازی و جعل و تحریف نظرات گرفته تا... استفاده کنند.

رویزیونیست‌های "اکثریت چه می‌گویند؟"

اکثریتی ها که برادرخوانده حزب توده و رویونیست نوپا محسوب میگردند، با تقلید و فراگیری درسی‌های رویونیسم از حزب خائن توده مویه موهمان لااقلات را در مورد مجاهدین تکرار میکنند. اینان برای عقب‌نماندن از برادر بزرگشان با زهم برنامه پراگنی مجدد به مجاهدین ضمن چاپلوسی‌های گوناگون که بهیادکلمات "مومن" را بکار می‌بریم، بیایید گفتگوی منطقی" براساس "اعتقاد مشترکمان" که هدف "ارتقاء" آگاهی‌های ضد امپریالیستی "را دنبال میکنند" اما مدعیان... از "باورداشتن به ضد امپریالیست بودن" مجاهدین سخن میگویند (کا رویونیستی ۹۲) و گله‌و شکنی که چپرا مارا جز "جبهه متحد ارتجاع گذاشتید! سپس مدعی میشوند که امپریالیسم آمریکا در استراتژی خود "هدف مقدم اسقوط" خط امام" از قدرت و روی کار آوردن لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم قرار داده است" و مجاهدین نیز با افشای خط امام همان کار را میکنند. (همانجا) و سپس مجدداً "لولو خرخره" حمله امپریالیسم... را علم کرده است که بنا بر آن مجاهدین با بدهدوش با رژیم کامپه مقابل به با توطئه امپریالیسم برخورد کنند.

رویزیونیست‌ها از تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی پس از گذشت دو سال به برکت تلاش‌های جناحی از رژیم جمهوری اسلامی، افشا شدن لیبرال‌ها و شناخت امپریالیسم توسط مردم میهنمان سخن میگویند. (نقل به معنی از کار رویونیستی ۹۴)

رویزیونیست‌های اکثریت به موضعگیری با لحنه درست‌کنونی مجاهدین درقبال سفارت را که گفته اند کرونکای نگیری مانوری برای بدر کردن حریف از محنه و کوبیدن نیروهای واقعی ضد امپریالیست صورت گرفته است، اشاره کرده و قیحا نه میگویند: این همان مواضع میزبان بنویس‌ها و لیبرال‌های دواشته است! (نقل به معنی از همانجا) و اشیادانه میگویند و نمود کنند که منظور مجاهدین از نیروهای واقعی ضد امپریالیست لیبرال‌ها هستند، سپس با دروغ پردازی و قیحا حتی که از برادر بزرگشان فساد گرفته‌اند، میگویند که مجاهدین با موضعگیری

چه در جنگ جهانی دوم هم امپریالیست‌های خون‌خوار آمریکا و فرانسه... با فاشیسم هیتلری مخالف بودند هم شوروی سوسیالیستی پس‌اندو در عمل هیچ فرقی با یکدیگر ندارند! بی‌شک ذکر چنین مثالی حنده آرواست، آخر مگر میشود اهدافی را که شوروی سوسیالیستی در جنگ با فاشیسم هیتلری دنبال می نمود با اهداف امپریالیست‌های فرانسه و آمریکا... بیکان قلمداد کرد؟! تنها یک ذهن غلیل و شارلاتان میتواند چنین تحریفی را بنماید. در مورد ایران نیز مسئله روشن است. هم‌اکنون روسته بختیار برای تا مین منافع ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا بر علیه حاکمیت و بویژه جناح حزب فعالیت میکنند و هم نیروهای انقلابی برای تا مین انقلاب، نابودی سلطه امپریالیسم و کوتاه کردن دست سرمایه‌داران وابسته، با حکومت ضد انقلابی کنونی که منافع و دست‌ان امپریالیسم را است مبارزه میکنند برخلاف ترهات رویونیست‌ها، دارو دسته‌اولی برای تا مین منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته و دسته دوم برای نابود کردن آن به مبارزه علیه جمهوری اسلامی بی‌مبیزندند! دارو دسته رویونیست‌ها نیز علیرغم هر گونه شعار که بر علیه امپریالیسم بدهند، از آنجا که با دفاع از حاکمیت کنونی، به دفاع از سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران، این پایگاه اصلی امپریالیسم برخاسته‌اند، بنا بر این جزو بهترین حامیان امپریالیست‌ها هستند.

رویزیونیست‌ها برای توجیه مواضع ضد انقلابی خود، به تنها فرصت طلبانه میگویند اهداف نیروهای انقلابی و کمونیست را با اهداف امپریالیسم آمریکا بیکان حلوه دهند بلکه در این راه از هیچ دروغ‌پردازی خودداری نمیکنند و قیحا نه مدعی میگردند که مجاهدین از روند تضعیف حاکمیت کنونی بوسیله لیبرال‌ها و آمریکا پشتیبانی میکنند و بدتر از آن هر نیرویی را که مخالف رژیم کنونی باشد مترقی میدانند!

براستی چه کرده‌اند تا رانایسم و دروغ پردازی چگونه میتواند در لایلهای این اراجیف پنهان بماند؟ چه مجاهدین چه کمونیست‌ها در کجا گفته‌اند، هر نیرویی که ضد این رژیم باشد مترقی است؟! این تنها از مغز غلیظ رویونیست‌ها بر میخیزد که همه جریان‌های سیاسی را صرف نظر از ماهیت طبقاتی، اهدافشان... و تنها با ملاک مخالفت با رژیم کامپه می‌سنجد. اینان در لجن پراگنی خود و دروغ‌پردازی هیچ گونه شرم و حیاشی نمی‌شناسند. شاخه‌های دروغ‌ها را نیز برای توجیه مواضع ضد انقلابی خود بکار می‌برند و از اینرو است که در نقد به اصطلاح نظرات ما پیرامون جنگ کنونی (و قیحا نه میگویند "هدف آن (منظور بیکار است) وابسته و منجا و زشتان دادن ایران و مستقل و ملحد و مت معرفی کردن رژیم‌های بیکار و صدام است"

سلطنتی شاه ممکن می‌شمارد (پسوی حزب شماره ۱) و بدنبال جلب متحدینی در هیئت حاکمه یعنی جناح "دوران‌دیش و لمتز" میگرد (دنیا شماره ۷ سال ۵۴) و دهها فرصت طلبی و عوام‌فریبی و شیادانه دیگر، امروزه بیکلی منکرات‌ها شده و چنین واقعیاتی را اراجیف را دیو بختیار و ساواک و سیا میخوانند! این فرصت طلبان خائن، شارلاتان‌های نیمه راه تنها در آستانه بنویس درگاه رژیم خائن شاه بکار می‌بردند و دولتی امروز نمیکنند بلکه برخورد ضد انقلابی‌شان نسبت به جنبش خلق را نیز منکر میشوند آن‌ها که قیام تبریز را تحریک مشی "ما جراجو" را بکار "ما شوئیست" و ساواکی قلمداد نمودند آن‌ها که دیروز جنبش سال ۴۲ را کارمخافل سیا هفت‌دالی "و انجاسی (منظور خمینی است) خواندند، آن‌ها که دیروز مبارزات انقلابی مجاهدین و فدائیان را ارو به جلوه داده و اظهار میداشتند "چه بسا گردانندگان رژیم بویه اصطلاح مقامات امنیتی، خود در تحریک ختم جوانان دست دارند" (گفتارهای رادیو-پیک - فروردین ۵۵) و مبارزات مجاهدین را ترقه بازی و آتش افروزی "که آب به آتش سیاب" تروریسم عصبی" میربخت قلمداد کرده و معتقد بودند که مجاهدین مذهبی سرشان در "توبه" تروریسم بود... (پسوی حزب شماره ۱۱)

آری امروزه مدعی میگردند که از همان ابتدا از مجاهدین پشتیبانی میکردند! و خمینی را که اکنون ضد انقلابی گشته است، رهبر جبهه متحد خلق خود میخوانند! اینان که تا دیروز از لیبرال‌های خائنی چون سنجابی و بزرگان و... دعوت میکردند که رهبری جبهه متحد ملی را بدست گیرند، امروزه که هژمونی قدرت در دست حزب جمهوری است، فرصت طلبانه از او به تا میسن منافع سوسیال امپریالیسم، لیبرال‌ها را جاده صاف کن امپریالیسم آمریکا میخوانند در حالیکه تا دیروز هر کسی که جبهه ملی و بزرگان و امثالهم را لیبرال خائن میخواند، آن‌ها را تراچپ رو و شوئیست میخواندند و معتقد بودند جبهه ملی نماینده بورژوازی ملی ایران است و لیبرال‌ها راجناحی از حکومت شاه‌مانند بنی احمدها و... تشکیل میدهند (پسوی حزب شماره ۱۱)

حزب توده: هر که مخالف رژیم است در خط آمریکاست

امروزه رویونیست‌ها که بدرگاه حاکمیت اسلامی "چشم دوخته اند و از آن بی دریغ حمایت میکنند، هر نوع مخالفتی با حاکمیت (بویژه جناح حزبیها را ناشی از بی‌شرافت خط آمریکا میدانند، اینان میگویند فسادات و سرما به - داران بزرگ برای مجاهدین هورا میکنند و کمونیست‌ها هم در خط آمریکا هستند! زیرا هم آمریکا و هم این نیروها هر دو مخالف جمهوری اسلامی هستند!

براساس این استدلال شیادانه بیدگفت سوسیالیسم و امپریالیسم یکدیگر فرقی ندارند

وضعیت بین المللی، امپریالیسم آمریکا قادر به چنین حرکتی نیست و خط اصلی اش تقویت لیبرالها و مجبور نمودن جناح دگرپس بازش با خود میباشد. اما در هر صورت هدف امپریالیسم آمریکا زهرکدام ازنا کشتیکها می که در پیش گیرد، مقابله با جنبش انقلابی خلق است. چنین است که برای تامین این مقصود، حتی رژیم ارتجاعی وابسته ترکیه را سرنگون نموده و حکومت ژنرالها را برقرار می نماید. بدین لحاظ از نظر کمونیستها و انقلابیون، مقابله با توطئه - های امپریالیسم بر علیه خلقهای ایران با مبارزه علیه رژیم و در شرایط معین سرنگونی آن میسر است، نه شمشیرزدن بزیر پرچم دروغین جناحی از هیأت حاکمه، تنها با اتکاء به بسیج مستقلانه خلق بر علیه توطئه های امپریالیسم و تعمیق مبارزات ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی خلقهای ایران است که میتوان همچنان در راه انقلاب به پیش رفت.

مهمترین انحراف مجاهدین: مماشات بالبرالها

این امر که رویزیونیستها ی خروشچفی میکوشند تا مجاهدین را زیر پرچم جناحی از ضد انقلاب بکشند تا از کدما مساله است و موضع ما در قبال مجاهدین چیست؟

همانطور که قبلا نیز گفتیم انحراف دوستان مجاهد در مورد اینکه شوروی هنوز هم سوسیالیستی است آن زمینه ای است که رویزیونیستهای خروشچفی را بر آن مبادرند که برای مجاهدین دانه پاشیده و بکشند آنها را نیز همراه و همپا با "خط امام" به راه "رشد غیر سرمایه داری" که راهی جز راه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شوروی نیست، بکشند. رویزیونیستها برای تقویت و مستحکم کردن جبهه متحد ارتجاع خویش که البته ویژگی اش با سمگیری بسوی شوروی مشخص میشود، به لحاظ تزلزل مجاهدین در این مورد و همچنین نقش مهمی که در عرصه مبارزه دمکراتیک ایفا میکنند، حساب می نماید. از اینرو شما دوستان مجاهد باید بکوشید تا با ارتقاء مواضع خود و قاطعیت نمودن مرزبندیها - بین در قبال شوروی امپریالیستی، آن را "نا امید" گردانید و نه فقط این، بلکه مهمترین آن و در درجه اول، مرزبندی خود را در مقابل قدرت سیاسی حاکم، مستحکم سازید. چه موضوعی قاطع شما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیز بتدریج آن را دلسرد خواهد کرد، چنانکه می بینیم حزب خا شن توده، حملاتش را بر علیه شما افزوده است و مدام از شما تقاضا میکند که مبارزه با هیأت حاکمه را بکناری گذاشته و زیر پرچم جناح حزب جمهوری و "خط امام" گرد آید.

اما مهمترین انحراف که رویزیونیستها میتوانند بنا بکنند آن، به مجاهدین شدیداً حمله نمایند، عدم مرزبندی قاطع مجاهدین با لیبرالها است. سرتا سر نوشته رویزیونیستهای فدائی و "حزب توده" ملولان "بل گیری" از این بقیه در صفحه ۱۲

مینمود، اینان حتی خواهان در دست گرفتن رهبری مبارزه ضد امپریالیستی توسط بازرگان و سنجایی بودند. و امروز نیز همچنان نفس اختلاف حزب جمهوری و خرده بورژوازی مرفه ستی با آمریکا برای اینان ملاک حمایت است. رویزیونیستها برخلاف ما رکبیتها، ملاک حمایت با عدم حمایت از حکومت را نه برخورد دولت به پرولتاریا، توده های ستم دیده و کلا انقلاب، بلکه دوری یا نزدیکی به امپریالیسم آمریکا در نظر میگیرند. از نظر رویزیونیستهای خروشچفی هر حرکتی که در جهت دوردن رژیم جمهوری اسلامی از امپریالیسم آمریکا و نزدیک گشتن به سوسیال امپریالیسم شوروی باشد، مترقی است!! علت حملات رویزیونیستهای توده ای و اکثریتی بر علیه لیبرالها را نیز باید در همین امر جستجو کرد. چه رویزیونیستها از آنجا که می بینند لیبرالها نزدیکی بیشتری به امپریالیسم آمریکا دارند، خواهان افزایش آن هستند تا بزم خودشان خط امام را از امپریالیستها دور ساخته و به "اردوی سوسیالیسم" رهنمون سازند. از اینرو آنان از زوا ویدای ضد انقلابی و بر خرازی کشانیدن جناحی از رژیم که دارای برخشی اختلافات با امپریالیسم آمریکا است، بسوی سوسیال امپریالیسم و طی راه رشد غیر سرمایه داری خواهان افزایش لیبرالها هستند. در - حالیکه کمونیستها از زوا ویدای منافع طبقه کارگر و انقلاب، لیبرالهای ضد انقلابی را در کنار تمامی جناحهای هیأت حاکمه افشامیکنند و آنها را هدف مبارزه انقلابی خود قرار میدهند.

اگر رویزیونیستها به گرایشات لیبرالی مجاهدین حمله میکنند، برای جذب آنان بسوی جناحی دیگر از ضد انقلاب حاکم و انجام مبارزه ضد امپریالیستی دورغین از طریق طی راه رشد غیر سرمایه داری هستند!

اینان مخالفتها و یا حتی توطئه امپریالیسم را بر علیه این رژیم بهانه ای ساخته اند تا مواضع ضد انقلابی خود را در حمایت از آن بیوشانند و بر این مسئله اصلی پرده سار تریا فکنند که اگر امپریالیسم مخالفتهائی نیز با جناحی از هیأت حاکمه دارد، نه بدلیل ضد امپریالیست بودن حکومت یا جناحی از آن، بلکه بدلیل عدم توانائی لازم برای مبارزه با سرمایه داری وابسته است. از اینرو است که امپریالیسم آمریکا پالین رژیم اختلافاتی دارد و برای آن رژیم کاملاً مطلوبی نیست.

امپریالیسم برای سرکوبی جنبش انقلابی خلق ایران بهر طریق که بتواند عمل میکند. بدین - لحاظ از رژیم جمهوری اسلامی در مقابل جنبش خلق حمایت میکنند و برای تامین بیشتر منافعی از لیبرالها در مقابل جناح حزب حمایت میکند و نهایتاً، ایده آل خود را در جایگزینی حکومتی کارگزار رجبای حکومت فعلی می بیند که مدالیت به امروزه با توجه به رشد جنبش انقلابی ایران، هوشیاری توده ها در مقابل امپریالیسم و

علیه خط امام بعنوان خط ارتجاع، بر خرازی امپریالیسم نقش پیشینا زترین نیروی مبارزه ضد امپریالیستی قائل میشوند! (نقل بمعنی از همانجا).

در قسمتهای قبل تبلیغات دروغین رویزیونیستها را مبنی بر اینکه هر کس مخالف رژیم جمهوری اسلامی باشد، عملاً همدست آمریکا است نشان دادیم. اکنون باید دید اذیتها و دات رویزیونیستها به مجاهدین از چه زاویه ای صورت میگیرد.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه ارتجاع داخلی جدا نیست

رویزیونیستها همواره مبارزه واقعی بر علیه امپریالیسم که لاجرم با مبارزه علیه ارتجاع داخلی گره میخورد را از یکدیگر جدا میسازند. آنان این مسئله را که پایگاه اصلی امپریالیسم در یک کشور تحت سلطه مانند ایران، مناسبات سرمایه داری وابسته و ماشین دولتی آن است را به فراموشی میسپارند. و بر این اساس مبارزه دمکراتیک را از مبارزه ضد امپریالیستی نیز جدا میسازند.

از نظر ما رکبیتها مسئله روشن است. یک مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی تنها با اقدامات انقلابی دمکراتیک صورت میگیرد، نمیتوان توده های دمکرات و ضد امپریالیست را سرکوب نمود و ضد امپریالیست بود، نمیتوان با انقلابی ترین نهادهای دمکراتیک مانند شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سربازان و خلقهای تحت ستم دشمنی نمود و در عین حال ضد امپریالیست بود، نمیتوان حقوق ملیت های تحت ستم را زیر پا گذاشت آنرا را سرکوب نمود از ممالک در ارضی زمینداران توسط دهقانان جلوگیری کرد و صدای آنرا خفه کرد و در عین حال ضد امپریالیست بود و یا لاخره نمیتوان در عرصه سیاسی و اقتصادی تمامی سیاستهای ضد انقلابی و ضد دمکراتیک را در پیش گرفت و باز ضد امپریالیست بود. رژیم حاکم ماشین دولتی با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است "خط امام" نیز خطی است در بطن حاکمیت کنونی و جزئی آن و از اینرو خطی ضد انقلابی است. رویزیونیستها مبارزه ضد امپریالیستی را بدون مبارزه علیه ماشین دولتی حاکم که بر مناسبات سرمایه داری وابسته استوار است ممکن میدانند. برای آنها مهم این است که رژیم حاکم با جناحی از آن فی المثل با امپریالیسم آمریکا مخالفتهائی داشته باشد تا از آن اختلاف و لوائت که ضد انقلابی باشد، حمایت کنند.

به همین دلیل بود که حزب خا شن توده بدینال جناح مترقی و دوراندیش در هیأت حاکمه میگشت تا همدوش با آن مبارزات توده ها را به پیش برد! و با زبهمین دلیل بود که قبل از قیام، اختلاف لیبرالها با امپریالیسم مورد حمایت قرار میداد و از آنها بعنوان "بورژوازی ملی" یاد

بقیه از صفحه ۱ رهنمود...

دارند و با بستی چنین روزی را گرامی بدارند که به آرمانهای انقلابی خلقهای ما در قیام ۲۲ بهمن وفادار بوده و همچنان پیگیرانه آنرا دنبال میکنند. آنها با پدکوشش فریبکارانه ای را که رژیم جمهوری اسلامی بمناسبت سالروز قیام به خرج میدهد در وسیعترین شکل ممکن افشا نموده و چهره گریه آنرا برای توده های زحمتکشی که تاکنون بدلیل ناآگاهی نتوانسته اند بشناسند، افشا نمایند. باید به توده ها نشان داد، رژیم که در عرض این دو سال، قدم بقدیم پای پای رژیم شاه گذاشته است، رژیمی که مناسبات مستغرا نه و ضد مردمی سرمایه داری وابسته را حفظ و احیا نموده است، رژیمی که سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در مقابل بورژوازی طبقه کارگر و توده های زحمتکش حمایت کرده است، رژیمی که تنها در خلال این دو سال هزاران تن از زحمتکشان و انقلابیون ما را در کردستان، ترکمن صحرا، نژلی، درود، اندیمشک و... به خاک و خون کشیده است، رژیمی که تنها همین مدت مدتها تن از انقلابیون و کمونیستها و کسان را که پیگیرترین مبارزین در دوره خفقان و دیکتاتوری شاه و پس از آن بودند، به بند کشیده، شکنجه و اعدام کرده است، رژیمی که هزاران تن از توده های زحمتکش ما را بگوشه دم توب سرمایه داری در جنگ ایران و عراق تبدیل نموده است... آری چنین رژیمی حکومتی نیست که وارث قیام مردمی و پرشکوه ۲۲ بهمن باشد و به همین دلیل باید فریبکاری و شیادای او را وسیع افشا نمود، به این ترتیب کمونیستها با حرکت از این درک که این قیام فقط بهمت و با تکیه قدرت و فداکاری عظیم طبقه کارگر، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران تحقق یافته و از همین روشا بستگی بزرگداشت و گرامی داشت این روز را فقط طبقه کارگر، توده های تحت ستم، انقلابیون و کمونیستها دارند، باید به استقبال آن رفته و با لگن برد آنرا وسیله ای برای افشای گسترده رژیم جمهوری اسلامی و رویزونیستهای خائن نمایند. در رابطه با درک فوق، رهنمودهای ما به رفقای هوادار چنین است:

۱- کلیه رفقای که در رابطه با سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار (س.د.د.پ) و یا در طیف سمپا و هواداران سازمان، قرار دارند، باید وظیفه شعاری و سیاسی بر روی دیوار بزرگ نویسی با تکتیر و پخش و فروش نشریات و اعلامیه های سازمان را در تمامی نقاط فعالانه بر عهده گرفته و در مقابل گذشته آنرا گسترش و بهبود بخشند.

۲- تبلیغ و توضیح ایده های سازمان در میان طبقه و توده ها، به جریان انداختن بحث و گفتگو در مجامع توده ای حول قضایای قیام و پیامدهای آن، روشنگری درباره رژیم جمهوری اسلامی و اهمیت سرمایه دارانه و فدا انقلابی آن و افشای کارنامه سرمایه و دوا له آن.

۳- افشای خیانت ها و تملق گوئی های رویزونیستهای خائن حزب توده و فدا نشی "اکثریت" و افشای همکاری پیدریخ آنها با رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش توده ای و نیروهای کمونیستی و انقلابی.

۴- لزوم به تذکرات که خائنین "اکثریتی" اخیرا با موریت یافته اند تا سازمان ما را که در افشای چهره مزورانه این فدا انقلابیون و رژیم جمهوری اسلامی نقش بازی داشته و به اشکال مختلف مورد حمله و اتهامات و قیحا نه قرار دهند، در این مورد کلیه رفقا وظیفه دارند، با هوشیاری و آگاهی کامل مع این خائنین را در نزد توده ها باز کرده و آنها را رسوا سازند.

۵- توضیح این مسئله بسیار مهم و اساسی برای توده ها که فقط و فقط پرولتاریا و حزب ب اوست که میتواند انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ما را به پیروزی رسانده و آنرا بسوی سوسیالیسم و دود در همین رابطه بر جسته نمودن و وسیع گسترش و آلترا نشتی - کمونیستی درجا مع و حقانیت کمونیستها و مواضعشان در این دو سال و توضیح و تبیین حملات و یورشهای وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کمونیستها و انقلابیون، همچنین در رابطه با مسئله بالا لازم است ضمن اینکه رفقا با هواداران مجاهدین نهایت همکاری و هماهنگی را مینمایند (طبقه ۳) آنها که دمکراتیکسم آنان کش داشته با سوا این آمادگی را از خود نشان دهند)، مواضع مترادف و شدیدانه پیگیر آنها را نسبت به کل رژیم و رویزونیستها توضیح داده و این مواضع را ستروان افشا نمایند. وظیفه بر جسته کردن آلترا نشتی کمونیستی بخصوص در شرایط کنونی و هائی چون مجاهدین تا اینتن انداز مترادف و نا پیگیری نشان میدهند، از اهمیت بر جسته ای برخوردار است.

۶- کلیه هواداران غیر تشکیلاتی و رفقای که به دلیل در ارتباط با تشکیلات، سازمان نیافته اند به هم خود وظیفه دارند در چهار چوب رهنمودها و شعارهای سازمان که از سوی "پیکار" و سایر نشریات و اعلامیه های سازمان مطرح میگردد، به امر تبلیغ و کار توده ای پرداخته و به اشکال مختلف نظیر تکتیر و پخش نشریات و اعلامیه های سازمانی، بویژه اسناد افشا گرانه شعاری و سیاسی بر روی دیوار بحث و گفتگو و نظرات سازمان را بدرون توده ها ببرند.

رفقا باید توجه نمایند که این قدمهای کوچک امری ضروری برای تحقق چشم انداز باشکوه فداست. تعقیب آلمان با شکوه سوسیالیسم و آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فقط با پشتکار و پیگیری عظیم تمامی پیشروان طبقه کارگر و از جمله تکتک اعضا و هواداران مدیق و وفادار سازمان، امکان پذیر است. رفقا! بکوشیم، با لگن قیام خونین بهمن زامه عاملی جهت طرح آلترا نشتی کمونیستی و افشا و مبارزه علیه آلترا نشتیهای ارتجاعی و فدا انقلابی و افشای نا پیگیریهای مجاهدین تبدیل نمائیم! پرشکوه با دوا طره قیام "خونین" ۲۲ بهمن

بقیه از صفحه ۱۳ سیاست...

انحراف مجاهدین است. ما میبایست چار و دوستان مجاهد، با افشای پیدریخ لیبرالها در ارتقاء مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق - های ایران نمیکوشند؟ آیا بدوستان مجاهد بگویند ما (سازمان پیکار) نیز همچون رویزونیستها، به این انحراف مجاهدین حمله کرده ایم پس هر دو یک چیز را میگوئیم! بدوستان مجاهد! اگر به صداقت انقلابی وفادار باشیم، نذر ای در اختلاف پیکار، موضعگیری ما بر علیه تز لزلالت لیبرالی شما با موضعگیری های رویزونیستها در اینجا رنگ نخواهیم کرد. اختلاف ما و رویزونیستها - نیستند در اشتقاق از موضع لیبرالی شما، علیرغم شباهت ظاهری از موضع یکی انقلابی و دیگری فدا انقلابی است. رویزونیستها برای ترک صفوف مبارزه و پذیرفتن رهبری جناحی دیگر از ضد انقلاب، از شما دعوت میکنند و کمونیستها و از جمله سازمان ما برای گسترش مبارزه علیه کل رژیم جمهوری اسلامی به منظور بر سر آمدن انقلاب ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی خلقهای ایران! همانطور که مخالفت مجاهدین و امپریالیسم آمریکا در مقابل مخالفت حزب جمهوری (علیرغم شباهت ظاهری) ۱۸۰ درجه با یکدیگر مغایر است!

بازی ما از دوستان مجاهد میبایست چار و دو جنبه متحد ارتجاع که تا میزدید، ناشی از لیبرالهای (فدا انقلابی نیست) ضد امپریالیستی که شما به افشای آن پرداخته، ارتجاعی است، لیکن علیرغم اختلافاتی که لیبرالها با این جنبه دارند، خود نیز دشمن شما و یار انقلابی هستند. لیبرالها نیز دشمن شما و یار انقلابی و کمونیستها هستند. آنان فریبکارانه امروزه میخواهند با حمایت های تکتیکی و عوام فریبانه از شما، از حیثیت شما سوء استفاده نموده و خود را با ملاح در دل خلق جای دهند!

دوستان مجاهد! باید دیگر از شما میخواهیم با تعمیق مبارزه علیه کل حکومت و با افشای لیبرالها و فدا طعنه نمودن مرز بندیها بین شما با آن، اول در ارتقاء مبارزات توده های پیش از پیش بکوشید و شما تنها تبلیغات مسموم کننده و ضد انقلابی رویزونیستها را عقیم سازید!

اگر خواست افشای لیبرالها از سوسی رویزونیستها، خواستی است که از خلق قوم ضد انقلاب بیرون میاید، خواست افشای لیبرالها از سوی ما، خواست کمونیستها و کلیه انقلابیون و توده های ستم دیده ایران است که به منظور گسترش انقلاب بر علیه امپریالیسم و ارتجاع میباشد.

(۱) - البته اگر چه حزب توده هرگز طبقه کارگر نبوده است، لیکن تا قبل از سال ۳۲ یک حزب خرده بورژوا - دمکرات محبوب میشد.

درود بر تمامی شهدای به خون خفته خلق برتقرا رسا دیمپوری دمکراتیک خلق سازمان پیکار و راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۱/۱۵

سندی دیگر از خرید قطعات یدکی از آمریکا

DEC 31/80

ATTN: MR. TABATABAI

FYI, FOLLOWING SENT TODAY ---

DEC 31/80

TO: IRANIAN AIR FORCE

ATTN: COL. A. LESSANI, DEPUTY MGR, PURCH AND CONTRACTS

REF OUR REVISED PROFORMA INVOICE NO. 1/80/12 AND CONTRACT F-C1
DATED 26 DEC 80.

GENTLEMEN,
PLS ESTAB 100 PCT IRREVOCABLE, CFMD TRANSFERABLE AND DIVISIBLE L/C
AT SIGHT IN FAVOR OF WESTERN DYNAMICS INT'L, INC, THRU
AMSTERDAM ROTTERDAM BANK, N.V., P.O. BOS 949, 3000 DD
ROTTERDAM, HOLLAND FOR ACCT NO. 42348485 COVERING FOLLOWING-

QTY	NSN	DESCRIPT	MFG CODE	UNIT PRICE	TOTA
L PR.					
200 EA	2620-00-	TIRE NOSE 18X5.5/14PR	25427	DLR 107.	DLR
21,400.	052-4222	MAIN TIRE			
200 EA	2620-00-	TIRES NOSE 22X6.6	25472	244.	48,80
0.	159-8647	10/20 PR			
200 EA	2620-00-	MAIN TIRE 37X11.5	25472	469.	93,80
0.	159-8648	16/28 PR			
4 EA	5930-00-	SENSITIVITY SWITCH	04428	283.30	1,133
.20	275-7036				

TOTAL PRICE FOB PORT OF NEW YORK:
165,133.20

DLR

FREIGHT DATA-

ITM 1 14 LBS EA, 17X17X5 INCHES EA
ITM 2 27.5 LBS EA, 21X21X6.5 INCHES EA.
ITM 3 90 LBS EA, 36X36X11 INCHES EA.
ITM 4 2.5 LBS EA, 2X2X2 INCHES EA.

OCEAN FREIGHT COST, PORT OF N.Y. TO LONDON - DLR 4,987.50

INSPECTION- INSPECT CHARGES BY SUPERINTENDENT CO. OF GENEVA OR
OTHER
INTERNATIONALLY RECOGNIZED INSPECTION CO. AT 1-1/2 PCT TO BE
ADDED TO ACTUAL AMT OF L/C - DLR 2,551.81

INSURANCE - INSUR CHARGES FRM N.Y. TO LONDON AT 1.75 PCT OF TOTAL

AMT OF L/C TO BE ADDED TO ACTUAL L/C AMT. --- DLR 2,977.11

TOTAL CIF LONDON, ENGLAND : DLR 175,649.62

IT IS TO BE UNDERSTOOD THAT THE GOODS WILL BE SHIPPED TO ARYA
LINE
AND/OR IRAN AIR IN LONDON AT YR OPTION FOR TRANSHIPMT TO
JULFA/BAZARGAN AND/OR BANDARABAS ACCORD TO YR INSTRUCTS. ANY
AIRFREIGHT/TRUCKING/OCEANFREIGHT FRM LONDON TO FINAL DESTINATION
TO BE BORN BY YR ORGANIZ AND BE PD DIRECTLY TO IRAN AIR AND/OR
ARYA LINE ACCORD.
IN CASE YU DEEM IT NECESS, WE WOULD SHIP THE GOODS TO SCHENKERS
IN LONDON OFFICE FOR FINAL TRANSHIPMT TO TEHRAN DIRECTLY BY
TRUCK OR RAIL CARS.

REGARDS,
WESTERN DYNAMICS INT'L, INC.
NEW YORK

سران رژیم زحیسی ها گرفته تا لیبرالها همه منکر روابط بین
آمریکا و ایران هستند، همه آنها را می کنند، اما هیچیک به توده ها
حقیقت را نگفته اند و بر حسب ما هیت ضد خلقی ایشان نمیتوانند
حقیقت را بگویند:

بنی صدر می خواهد ادا مه جنگ "بدون دریافت قطعات یدکی" را
ممکنه فرمادهی خودش و انمود کند و رجائی فریبکارانه ادعا میکند
که در برابر تانکها و هواپیماهای دشمن از تانک دست و چوب و
چماق استفاده میکنند! اخبار و اسنادی که ما و دیگر کمونیستها در
رابطه با خرید اسلحه و قطعات یدکی منتشر کرده ایم و زیر حقیقت
خود را بیشتر به توده ها نشان میدهد و در ریزش توهم آنها نسبت به
این رژیم ضد خلقی نقش فعالی را ایفا می نماید.

سند و پروتکل نشان میدهد که در تاریخ ۳۱ دسامبر (دهم دیماه
۱۳۵۹) تلگرافی از طرف شرکت "وسترن دینامیکز اینترنشنال"
Western Dynamics INT'L به نیروی هوایی ایران (خطاب به
سرهنگ لسانی) ارسال شده است. در این تلگراف لیست تفصیلی قطعات
یدکی آمریکائی جهت تحویل به نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران ذکر
شده است و بهای آنها از طریق بانک "مستردام - روتردام" هلند قابل
پرداخت میباشد. شرکت "وسترن دینامیکز اینترنشنال" در ایران
تلگراف اعلام کرده است که کالاهای آماده تحویل اند و هر طور نیروی
هوایی ایران صلاح بداند آنها را به خطوط کشتیرانی آریا یا به
دفتر خطوط هوایی ایران در لندن یا به جلفا، یا به مرزهای زرگان
یا بندر عباس تحویل خواهد داد.

این تلگراف که مبتنی بر قرارداد بین نیروی هوایی ایران
و آن شرکت آمریکائی است در زمانی ارسال شده که هنوز گروگانها
در ایران بوده اند و مذاکرات ادامه داشته است. این قرارداد در
حالی اجرا میشود که فربادهای "فدآ" آمریکائی "رژیم گوش فلک" را
کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی خود را امیربالیستهای روابط پنهانی و
سازشهای خائنه در اردن، گاه کمونیستها و نیروهای انقلابی را
و قیام نه "آمریکائی" قلمداد میکند! از یک رژیم ضد انقلابی جز این
انتظاری نیست.

★ ★ ★

خانه گردی شبانه پاسداران در میان دو آب

حوالی نیمه شب ۲۵ دیماه، پاسداران و کمیته چایهای میاندوآب
به خانه های مردم زحمتکش این شهر هجوم برده و به خانه گردی و تفتیش
پرداختند. این مرتجعین که گاه دنبال شخص معینی میگشتند،
فرد دیگری از خانواده وی را به گروگان گرفته و با خود میبردند.
این مزدوران "مکتبی" از زدن پول و اشیاء قیمتی مردم نیز
فروگذار نکردند. رفقای هوادار در میان دو آب با انتشار اعلامیه
توضیحی، یورش شبانه مزدوران رژیم را به خانه های مردم میان دو آب
افشا کرده و با اشاره به جنایت رژیم، مردم را به مقاومت و مبارزه
در برابر اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و پشتیبانی
از نیروهای کمونیست فراخوانده اند.

اردوهای آوارگان و توطئه رژیم بر علیه جنگ زدگان

این روزها دیده میشود که عمل رژیم به عناوین مختلف فشا خود را بر آوارگان جنگ گسترش داده اند. قصد آنها از اعمال این فشارها وادار کردن آوارگان برای رفتن به اردوهایست. مثلا خوابگاه ۲۵ بیشتر دستشوییها و حمامها و آشپزخانه ها پیش خراب شده و سقف آنها ریخته است با خوابگاه ۲۲ بسیار کثیف است و سایر خوابگاهها نیز کمابیش چنین وضعیتی دارند. غذا، پوشاک و کمکها نیز کمتر شده است. در جواب همه اینها رسا شیبا ما موران رژیم میگویند خوزستانها کشیفند، اینها بی فرهنگ هستند و راه حل را هم عزیمت آوارگان به اردوگاهها میدانند. اما آیا این رژیم زفرستان جنگزدگان به اردوهای خیر و صلاح آنها را میخواهد و یا اینکه طبق معمول کاسه ای زیر نیم کاسه اش دارد؟ هموطنان جنگ زده زمانی که می بینند اردوگاه جبرفت از شدت باد و بوران در وضعیتی است که بونی صدمتی با هلیکوپترش نمیتوانند بنشینند و وقتی می بینند اردوهای جنگزدگان در نقاط دور افتاده، بعد آب و هوا، و در شرایطی که جمعیت پرریا شده اند، وقتی رفتار ما موران رژیم را با خود دیده می بینند و... جای شکی برایشان باقی نمیمانند که رژیم از اردوهای آوارگان هیچ قصد و نیتی بجز خلاص شدن از "شر" جنگزدگان، بجز دور کردن آنها از محیط های پر جمعیت به نحوی که صدای اعتراض آنها به گوش دیگر زحمتکشان نرسد تا به خیال خود بتوانند صدای حق طلبان آنها را خفه سازند و در سر نمیپروانند. هموطنان جنگزده فقط با اتحاد و تشکل و افشای بی امان توطئه انتقال به اردوگاههای جنگزدگان قادر خواهید بود در مقابل رژیم مقاومت نموده و از پراکنده شدن خود جلوگیری بعمل آورید.

در جهت خنثی نمودن توطئه انتقال جنگ زدگان به اردوهای متحده عمل کنیم!

آوارگان جنگ

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز

خواسته های برحق خود را با مبارزه بدست آوریم

ما در طی مدت چند ماه آوارگی در بدترین شرایط بسر بردیم و هرگونه توهین و رفتار سرکوب - گرانه را از مسئولین دولتی دیده ایم. این مدت چند ماه نشان داد که اگر بخوانیم منتظر

نکاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

شویما مسئولین برای ما کاری گنند یا بدست از زندگی بشویم، آنها هیچگاه برای ما کاری نخواهند کرد، تجربه ما این است:

برای رسیدن به خواسته های برحقمان، باید متحدانه مبارزه کنیم. در این راه ما خواسته های خود را به شرح زیر اعلام میکنیم:

۱- تهیه هرچه فوری تر مسکن برای آوارگان در بروجرد،

۲- تامین ما به نیاز زندگی از خوار بار رتاسوخت،

۳- تامین بهداشت برای آوارگان (رایگان)

۴- پرداخت حقوق کارگران و کارمندان و معلمان خوزستانی،

۵- ثبت نام دانش آموزان خوزستانی و تامین مخارج تحصیل آنها (رایگان)،

۶- بدست گرفتن کلیه امور آوارگان بوسیله نمایندگان منتخب از بین خوزستانیها،

اتحاد، اتحاد آوارگان اتحاد

شعار هر تازه بنیان، مسکن، آزادی

مسکن، مسکن، حق، مسلم ما ست،

هر چه زودتر با همکاری

برای آوارگان پرداخت باید کرد

جمعی از آوارگان خوزستانی - بروجرد

بمنقل از فرباد آوارگان کمیته خوزستان

سازمان شماره ۱۲

خطابیه آوارگان مبارزه رژیم جمهوری اسلامی:

"خوب گوشها بستان را با زکندای گردانندگان مرتجع جمهوری اسلامی، این ندای آوارگان مستقر در اصفهان است که شما را مورد خطاب قرار میدهد... شما که با تمام قدرت مذبحانده در جهت بازسازی واحیای سرمایه داری وابسته در ایران تلاش میکنید، امروز بصورت جناحهای مختلف جهت کسب قدرت هر چه بیشتر در حکومت با چماق بر سر یکدیگر کوبیده و هر کدما خود را حامی مستضعفین جا میزنید، با همپا لکی خود رژیم عراق جهت منحرف کردن افکار عمومی از مشکلات داخلی به مسائل بیرون مرزی جنگ براه انداخته اید... وقتی ما در زیر گلوله و خمپاره و خمسه خمسه مجبور به ترک خانه و گاه خانه خود شدیم در ابتدا در شهرهای مختلف از طریق بلندگوهای تبلیغاتی به شدیدترین وجهی به توهین و آزار ما پرداختید و ولی هنگامیکه ما مبارزه و عکس-

العمل همشهریان ما در شیراز و کرمانشاه و... روبرو شدید، یکشنبه رنگ عوض کرده و ما را "برادران و خواهران" خود خواندید، اما ما آوارگان شما را از عملکردها بستان میشناسیم و به شما راهها و حرفه بستان اعتماد نداریم... ما آوارگان جنگ همراه با سازجمتکشان و کارگران بتدریج به این واقعیت پی میبریم که حکومت جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه داران است... متحد شویم و خبا نتهای رژیم جمهوری اسلامی را به همه زحمتکشان بستانانیم."

بمنقل از ندای آواره "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته اصفهان شماره ۵

۱۳۵۹/۱۰/۲۴ با اندکی تلخیص.

وضعیت آوارگان در اردوگاه جبرفت

اردوگاه آوارگان در ده کیلومتری جبرفت واقع شده است. چادرها در منطقه با دگر قرار گرفته و آوارگان از این جهت هم در عذاب هستند. ما نتوانستیم اردوگاههای دیگر، آوارگان از جهت مواد غذایی و سوختی در مضیقه هستند. کنترل پلیسی بر اردوگاهها کام است و همراه شبنی از آوارگان که به اردوگاهها وارد میشوند از طرف پاسداران مستقر در آنجا تفتیش و آوارگان شناسائی میشوند. رژیم وحشت خود را از تماس آوارگان با دیگر توده ها در این اردوگاه هم نشان میدهد. هر فرد غریبه ای که به اردوگاه وارد میشود یا بدرد فتنه گران شناسائی شود و بعد داخل اردوگاه راه یابد، اما رژیم با همه فشارهایی که بر آوارگان زحمتکش وارد میکند نمیتواند از اجگیری مبارزات آنها جلوگیری نماید.

نامه فرهنگیان مناطق جنگ زده به "باهر"

اخیرا معلمین مناطق جنگزده تحت عنوان "کمیته هماهنگی منتخب معلمان جنگزده" در شیراز نامه ای به "باهر" وزیر آموزش و پرورش نوشته و در آن درخواستهای خود را بصورت زیر مطرح کرده اند:

"بعلت شرایطی که جنگ غیر عادلانه بر مردم مناطق جنگی تحمیل نموده است و تمامی آنها را آواره شهرها کرده است، ما فرهنگیان خوزستان نیز به عنوان بخشی از این مردم، آواره شهرها گشته ایم که عده ای از ما در شیراز زکنتی گزیده ایم. و با گسیل نمایندگان خواسته های برحق زیر را به اداره کل آموزش و پرورش ابراز داشته ایم:

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

وضعیت مردم در آبادان جنگزده

و تا همین منافع آنها را در گرو کشته شدن خویش می بینند که دیگر به هیچ قیمتی حاضر به رفتن در جبهه های جنگ ارتجاعی نمیباشند. نمونه زیر تا شیدی برگرفته های بالاست :

دراواسط دی ماه فرماندهان مزدورینا بر طرح فرستادن عدهای سربازان و "جوانمردان" و افسران به جبهه، باجی به مبلغ ۶ هزار تومان به ۵ نفر از سربازان و "جوانمردان" شهر بهیچان که حاضر نبودند به جبهه بروند قسرا ر میدهند اما آنها با هم حاضر به رفتن به جبهه جنگ ارتجاعی نمیشوند. بگذار سرمایه داران خود به جنگ ارتجاعی بروند که نمیروند، چراز حمتکشان گوشت دم توب شوند؟

فریاد خود را بر علیه جنگ بلند کنیم

جنگ غیرعا دلانه کنونی برای زحمتکشان ما چه ارمغانی آورده است :

- ۱- کشتار زحمتکشان و فرزندانشان در زیر بمبها و توپها و خمپاره ها ،
 - ۲- آوارگی یک میلیون ونیم از مردم زحمتکشان - تشدید سرکوب و خفقان
 - ۳- صفهای طولانی برای نفت، روغن، قند و ...
 - ۴- تشدید بیکاری، گرانی، قحطی و ...
 - ۵- از دست دادن هست و نیست و خانه و کاشانه
 - ۶- پر شدن جیب سرمایه داران و تجار و ...
- پس تا بودا داین جنگ قدمردمی و ارتجاعی!

پرداخت باج برای رفتن به جبهه!

هر روز که از جنگ ارتجاعی ایران و عراق میگذرد توده ها بیشتر به ما هیت رژیمهای ارتجاعی درگیر جنگ پی میبرند، توده های ارتش نیز که خود را بعنوان گوشت دم توب سرمایه داران دیده

۱- برسمیت شناختن نمایندگان شورای منتخب معلمان و عدم دخالت ارگانهای غیرمسئول
۲- ما ... خواهان پرداخت تمام حقوق و مزایای هیئتیم که در محل اشتغال به کار به روال شغلی قدیم باشد،

۳- از آنجائی که مسکن آسپه تحت شرایط فعلی از مسائل لاینحل ما بوده، لذا میتوان تعدادی از خوابگاههای دانشگاه شیراز را که اکثر اخلالی میباشند و با رتبه های کس صاحبان آنها سرمایه داران فراری میباشند، در اختیار جنگزدگان قرار گیرد.

۴- انتقال به آموزش و پرورش شیراز و تدریس به کودکان جنگزدگان،

۵- به روال گذشته شرایطی فراهم کرد که بعنوان فرهنگیان جنگزده ما بحتاج خود را از شرکتیهای تعاونی بطور قسط خریده اند، نمائیم.

اما مدیرکل آموزش و پرورش استان فارس بجای پاسخگویی به خواسته های برحق ما متوسل به شیوه های پلیسی گشته و ما مورین را جهت برآکندن جمع ما خبر میکنند، اینک فرهنگیان خوزستانی در شرایط سخت و بحرانی بسر میبرند، ما موفقیت و پیروزی معلمان جنگزده را در دست آوردن حقوقشان خوانیم.

بنقل از اعلامیه "کمیته هماهنگی منتخب معلمان جنگزده" با اندکی تلخیص و تغییر

درباره برخی "تجار محترم"

۲- حاجی ابوالفضل توکلی: تا جر میلیونر قماش، زمین با زو بسا زو بفروش بزرگ که در سایه امنیت شاهان و با شراکت آقای هاشمی - رفسنجانی و تحریرین (ما حب کارخانه معروف خودکار بیک) و توسلی (برادرشهر دار سابق) و احمد علی بابائی (سرمایه دار با ملاح لببرال و نماینده شرکت لیبلاند و دافایتا لبایشی در تهران) پولهای کلانی به جیب زد. توکلی همراه همین شرکا "محترم" شرکتی بنام البرز جنوب نیز دارد. این یک شرکت خانه سازی و کشاورزی است و جالب است بدانید که پس از قیام کارگران کشاورزی شرکت علیه ما حیاب سرمایه دار "اسلامی" قیام کرده و زمینهای را که بر روی آن جان میکنند معماران انقلابی نمودند. توکلی در قم نیز شرکت "دژا زو" را دارد که به همراه یاران مکتبی اش زمینهای را که به ۳۰ تومان از تولید قم خریده بودند به متری ۱۰۰ و بعد ۵۰۰ و بالاخره به ۱۰۰۰ تومان فروختند. تنهها در قطعه ای از این زمینها منطقه ای بنام "سالاریه" درست شده است منزل چند میلیون تومان نسی توکلی پشت حسینیه راشا دقرا دارد.

چندی پیش کمیته تهران سازمان ما طسی اعلامیه ای تحت عنوان "تاجران میلیونر با زار در راس بنیاد مستضعفین" چهار تن از مکندگان خون زحمتکشان را افشا کرد. اینها از جمله "تجار محترم" با زار هستند که همواره از طرف بیت الله خمینی با همین مفت از آنها پیاد میشود. اینها کسانی هستند که نمایندگان سیاسی شان در رژیم فعلی براریکه قدرت (در حزب جمهوری اسلامی، مجلس و در دولت) سوارند و خودشان هم مشخصا به "رتق و فتق امور" در جاهای مانند "بنیاد مستضعفین" مشغول میباشند. ارزش کارخانه ها، مزارع، باغات و شرکتیهای تجاری اشیاء و جوایز گرانقیمت که تحت نظارت این بنیاد است سربه میلیاردها تومان میزند. ما درجای دیگر لیست بیش از ۱۲۰ شرکت را که این بنیاد مالک آنها یا در آنها شریک است منتشر خواهیم کرد.

اما چهار سرمایه داری که در اعلامیه مزبور مورد افشاکری قرار گرفته اند عبارتند از:

۱- حاجی مسعود کریمی: عمده فروش قماش، صاحب ده ها میلیون تومان ثروت، صاحب سهام عمده در شرکت لبا قاشم (واقع درجاده ورامین که ۲۰۰ کارگر را استیفا میکند) و معاون رجائی در "بنیاد مستضعفین"!

۳- حاجی حبیب الله شفیق: علاوه بر اینکه از سرمایه داران میلیونر با زار تهران است با تاجار شیخ نشین ها و سعودی معاملات بزرگی دارد. در شرکت "دژا زو" سهام است و خانه مجلل او نیز پشت حسینیه راشا دمیباشد.

۴- جواد رفیق دوست: میدان دار معروف میدان تره بار و میوه تهران و برادر محسن - رفیق دوست (رئیس تدارکات سپاه پاسداران که در قتل ۴ رهبر خلق ترکمن دست داشته و حواله ۲۰۰ میلیون تومانی رفسنجانی برای خرید سلاح بنا ما و ما در شده بود)، این دو برادر در سال ۵۴ یک قلم ۱۲ میلیون تومان پرشغال از لبنان وارد کردند که پرشغالها در کشتی فاسد شد و البته این ضرر کوچک! با غارت حاصل کار کارگران و دهقانان جبران گردید. ضمنا چون ایشان در چپا و ل دسترنج دهقانان و کارگران کشاورزی تخصص دارند مورد علاقه نخست وزیر مکتبی: قسار گرفته و به ایشان سمت رئیس اداره کشاورزی بنیاد مستضعفین داده شده است.

۵- علی اصغر حاجی بابا: حدود بیست سال

درباره آلترا تئو کمونیستی

رفیق ص از اصفهان طی نامه ای انتقاد - آمیز بر سریده است آبای توجیه به ضرورت وحدت و اتحاد عمل و... برای کشاندن دمکراتها به دنبال پرولتاریا و کسب قدرت سیاسی، برخورد های سازمان که آلترا تئو خود را بجای آلترا تئو حزب تبلیغ میکند، نگرشی سکتاریستی آنچنان که رفقای نیرو میگویند نیست؟ و بعد با ذکر جملاتی از پیغام سازمان به مجاهدین می گوید که ما خودمان را به تنهایی نیروی پیگیر جنبش کمونیستی می دانیم و دلیل آن، اینست که حتی اسمی از سایر نیروهای کمونیستی پیگیر دنیا نیاورده ایم و گفته ایم "مدیت خا نشا نه چرکهای فدا ای اکثریت با سازمان ما نشا نه مدیت آنها با کل جنبش کمونیستی ایران، ما را کمیسر-لنینیسم و طبقه کارگر است" و بعد می گوید: آیا بدین ترتیب ما بالاخره به این شعار خرده بورژواشی معیوسیم که "تنها رهرا می، پیوند با پیکاری"!

رفیق عزیز! در پاسخ به انتقادات تو با دیدگوئیم هما نظر که از کلیه مواضع سازمانی ما پیدا است ما تنها خود را نیروی کمونیستی پیگیر نمی دانیم و هرگز چنین ادعائی نکرده ایم. ما خود را جزو بخش پیگیر جنبش کمونیستی میدانیم و علاوه بر سازمان نیرو های دیگری نیز هستند که ما آنها را علیرغم انحرافاتشان جزء این بخش بشماریم و آوریم. اما با طرح ضرورت تبلیغ آلترا تئو سازمان، به معنی نادیده گرفتن سایر اجزای جنبش کمونیستی و جانشین نمودن سازمان بجای حزب است؟ بنظر ما چنین برداشتی بجای آنکه از نگرشی مارکسیستی نشأت گرفته باشد از زاویه ای انحلال طلبانه و ایده آلیستی صورت میگیرد. زیرا همچنانکه در جامعه خودمان نیز برای العین مشاهده میشود، امروزه تبلیغ کمونیسم، بصورت کلی معنی ندارد. ایدئولوژی کمونیسم در تشکیلات کمونیستی مختلف متبلور شده و ما بدین یافته است امروزه تشکیلات گوناگون اعم از تشکیلات کمونیست های پیگیر و ناپیگیر و حتی رویزیونیستها، خود را کمونیست میخوانند از اینرو طرح آلترا تئو سازمان، به معنی آن است که آلترا تئو کمونیستی پیگیر در نزد توده ها تبلیغ شود و توده ها با شناختن تشکیلات پیگیر کمونیستی از جمله سازمان ما، مرز آن را با سایر جریان های مدعی کمونیسم و کمونیست های ناپیگیر دریا بیند! در کهای انحلال طلبانه ما ننند درک نبرد سازمانها را از منی و برنا مه ارا که میدهند، با پدرا بطه دبا لکتیک منی و سازمان را درک نمود، تکیه بر آلترا تئو کمونیسم، بدون آنکه توده ها، حیات سیاسی، نفوذ توده ای، منی و برنا مه معین و آلترا تئو تشکیلاتی معین کمونیستی را دریابند بی معنا خواهد بود. بهیچوجه کافی نخواهد بود که ایده های عمومی کمونیسم تبلیغ شود علاوه بر آن باید منی های مشخص از نیز در میان توده تبلیغ کرد اما بروا ض است که منی های مشخص از زمانهای معین جدا



نمی باشند، تنها یک درک ایده آلیستی و انحلال طلبانه این مسئله را نفی میکند. امروز توده ها علاوه بر ایده های عمومی کمونیسم از طریق منی یک تشکل سیاسی خاص به کمونیسم روی آورند مگر میتوانند بطور آگاهانه کمونیسم آلترا تئو تئوری برای توده ها گشته باشد، بی آنکه تشکیلات سیاسی کمونیستی معینی در نزد توده ها آلترا تئو تئو گردد این همان درک ایده آلیستی و انحلال طلبانه است که رفقای نبرددنیال میکنند و میکوشند با تحریف نظرات ما، ما را متهم بدان نمایند که جنبش کمونیستی را محدود به خود میدانیم، چه بنظر ما اتفاقا نیروهای منی امثال "نبرد" تنها با چنین اشکالاتی ها و مرز بندی های کاذب است که میتوانند موجودیت مستقل خود را توجیه نمایند اما همچنان قریب د وحدت طلبی سر دهند.

با رد دیگر تذکر می دهیم طرح آلترا تئو کمونیستی، تنها با طرح آلترا تئو سازمانهای کمونیستی امکان پذیر است، اگر چه تنها بتسا آلترا تئو طبقاتی حزب است و حزب نیرو بدون وحدت کمونیست های راستین امکان پذیر نیست لیکن تا تحقق وحدت نیا بد از طرح آلترا تئو سازمانهای کمونیستی خودداری نمود، این امر برای طرح آلترا تئو طبقاتی (حزب) ضروری است از اینرو هر جریان سیاسی کمونیستی در عین حال که فعلا لانه یا پد در راه و مروجت جنبش کمونیستی و ایجا دستا دپرولتاریا بکوشد لیکن هرگز نیا بد طرح آلترا تئو کمونیستی را موقوف به وحدت نماید کمونیستها با پد با طرح خط منی و برنا مه پیگیر کمونیستی و معرفی و تبلیغ سازمان کمونیستی پیگیر خود، در برابر مدل آلترا تئو کمونیستی موشربوده و راه تحقق آلترا تئو طبقاتی را هموار نماید، بر همین سیاق ما وظیفه هواداران خود میدانیم که در کهای انحلال طلبانه را افشا کرده و با تبلیغ خط منی و برنا مه پیگیر سازمان و تبلیغ و معرفی کمونیستی در نزد توده ها با تمام قوا بکوشند. فکر میکنیم توضیحات فوق، روشن نموده باشد که ما تنها رهرا می را پیوند با کمونیستها و اعمال رهبری آنان برجش انقلابی میدانیم و بر این سیاق، پیوند سازمان با پیکار با کارگران و زحمتکشان را، جزئی از پروژه تا من رهبری کمونیستها میدانیم.

رفیق م - کار از برورد:

این رفیق طی نامه اش اشاره به شایعه ای

کرده که گویا پیکار رشتوریک (۲) بدلیل اختلاف نظر بر سر حاکمیت منتشر نگشته است. رفیق خواهان روشن شدن این مسئله است.

رفیق! ما نمی دانیم این شایعات را چه کسانی رواج میدهند، لیکن برای اطلاع شما با دیدگوئیم، علت اصلی تاخیر انتشار پیکار - رشتوریک ۲، برخی ابهامات و اشکالات موجود در قطعنامه ها بوده که اصلاح آنها ضرورت داشت و این تاخیر بهیچوجه بعلت اختلاف در برخورد به قدرت سیاسی نمی باشد. پیروز باشید

رفیق ن.

این رفیق در مورد ضرورت برخورد به مجاهدین خلق ایران "که بزرگترین نیروی انقلابی جامعه ما است"، توضیحاتی داده است و برخورد با مجاهدین را از دوزا و به سیاسی (به "دو آلیسم" فکری آنان) مطرح ساخته است. لیبرالی (و ایدئولوژیک (به منظور درهم شکستن "دو آلیسم" فکری آنان) مطرح ساخته است.

رفیق عزیز! ما همطور که خود نیز ذکر کردیم، امروزه برخورد به مجاهدین از دوزا و به سیاسی و ایدئولوژیک لازم است. این وظیفه جنبش کمونیستی ایران است که با مبارزه ایدئولوژیک فعال با مجاهدین، گرایش تا لیبرالی آنها را نبرد نموده، دمکراتیسم آنان را ارتقاء داده و این نیرو را بهما به متحدی قابل اعتماد در صف انقلاب نگه دارد. از طرف دیگر، امروزه مجاهدین توده های وسیعی را بسوی خود تحت جذب شعاری "سوسیالیستی" میکشاند. بسیاری از هواداران مجاهدین ساده اندیشانه میپندارند که نمایندگان سیاسی طبقه کارگرند! و سوسیالیست های واقعی میباشند! و پرواضح است که این تفکرات و این تلقی را رهبران سازمان ما شاع میدهند، آنان گاه و بیگاه با نقد "درک خرده بورژواشی" از اسلام (گویا درک پرولتری از اسلام هم وجود دارد و آنهم متعلق به مجاهدین است!) یا با نقد پورتونیسم راست و چپ "به هواداران خود چنین الفا میکنند که خود را ای خط پرولتری هستند! و کمونیستها دجا را پورتونیسم راست یا چپ میباشند! بهرحال ما با تکیه بر این امر که مارکسیسم-لنینیسم در ایران نه تنها در مبارزه علیه رویزیونیسم و پورتونیسم قوام می یابد بلکه همچنان در مبارزه علیه ناردنیسم (سوسیالیسم خلقی) و طنی نیز قوام می یابد!

ایدئولوژی مجاهدین خلق احیای نوع جدیدی است که همان تفکرات خرده بورژواشی ناردنیک را دنبال میکند. این ایدئولوژی بر آنست که ما تریالیسم تاری، ماتریالیسم فلسفی نه! تفکر کابری مجاهدین با پیوند بین ایده آلیسم و تریالیسم تاریخی تحت عنوان رثا لیسم! و خط منی پرولتری! شعارهای تخیلی "پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی" را دنبال میکنند و اقیعت اینست که مجاهدین دمکراتها میباشند که خود را سوسیالیست جلوه میدهند و از

بقیه در صفحه ۲۴

پیرامون جنبش زنان زحمتکش

ذهنی لازم برای بدست آوردن حقوق از دست رفته فرا هم گردد چرا که کلیه رژیمها و دولت‌های بی‌کهنما پهنه‌اشما رگران و سرما به داران می - باشند. میخواهند و نه میتوانند کوچکترین اقدامی در راه ایجاد زمینه مناسب برای رهایی زنان زحمتکش از قید قوانین ظالمانه دوران گذشته بنمایند.

بدین ترتیب مبارزات زنان زحمتکش میبایست حول هدفهای اساسی طبقه کارگر شکل گیرد که برچمدان انقلاب تا استقرار جامعه کمونیستی میبایست بدون شک کارآموزشی و آگاه‌گرانه دربارۀ زن در جامعه سوسیالیستی همچنان ادامه مییابد و از اینجا است که پرولتاریا موظف است برای حرکت پیرومند به سمت جامعه سوسیالیستی ...، توده زنان محروم جامعه را که به مثابه نیچی از ارتش آزادی بخش میبایستند تحت آموزش و سازماندهی خود قرار دهد تا پیروزی انقلاب قطعیتهایا بد.

مبارزات زنان زحمتکش حول چه اهدافی انجام می‌گیرد؟

از آنجا که حل واقعی مسأله زنان زحمتکش با نفی مالکیت خصوصی، از بین رفتن جامعه طبقاتی و نهاییاتنا بودی سرما به امکان پذیر است، از آنجا که رهایی کامل زنان مستمیده در برتوجا معه سوسیالیستی و استقرار کمونیسم، برقرار می‌گردد، از این لحاظ مبارزات زنان زحمتکش ما تا انجام انقلاب سوسیالیستی هم - چنان ادامه یافته و بطور کلی دارای سمت و سوی سوسیالیستی و ضد سرما به ای خواهد بود. "جمعیتی تحلیل ما به اینجا ختم میشود که این دقیقاً سرما به است که محدودیت مطلق بر اجتماعی شدن کارخانه قرا میدهد و از این طریق موجب شرایط نابرابری زنان و دوام بقا این شرایط میگردد، از اینجا که ملا روشن میگردد که مبارزه زنان برای رهایی واقعی مستلزم مبارزه ای مستقیم علیه سرما به است. وجود کار خصوصی و منفرد در خانه، همراه با موقعیت پایین تر زن در تولید اجتماعی، با به تمامادی زن را تحت نظام سرما به داری بنایا می‌کند. رهایی و برابری حقوق زن با سرود، تنها در جامعه سوسیالیستی که در آن تولید برنا مریزی شده، هر نوع جدائی بین تولید -

و نیز از ارتباطاتی برای فروش کالا بکار گرفته شدند در عین اینکه با زهم همسان محرومیتها از حقوق اجتماعی برجای مانده بود بطور کلی زنان در جوامع طبقاتی حکم کالا را دارند چرا که بصورت محترمانه اما در حقیقت در مقابل پول (مهریه و شیریه) خرید و فروش میشوند. این امر نوعی هم در طبقات مرفه و هم بطور مشخص در طبقات زحمتکش وجود دارد.



سمانطوریکه در جامعه سرما به داری، طبقات حاکم و استثمارگر، از طریق قانونی نمودن بهره‌کشی از طبقات زحمتکش، از اختلاف طبقاتی را بصورت امری بدیهی جلوه گر نموده و میبایستند به همان شکل نیز این استثمارکاران را که مربوط به دورانیهای ماقبل سرما به داری می - باشند بصورت قوانین گوناگون و تثبیت شده درآورده، و در همین رابطه فرهنگ این استثمارگر را در اندیشه و تفکر کلیه افراد جامعه (حتی خود زنان) تبلیغ و ترویج نموده و آنرا گریزناپذیر جلوه گر ساخته اند.

حال با توجه به موارد بالا از بین بردن چنین تفکرو اندیشه ای از ذهن توده های مردم و ایستادگی مل ذهنی و عینی است. عامل ذهنی عبارت است از تلاش و کوشش بیگرمونیستها در جهت توضیح ماهیت این نابرابریها و ... و عامل عینی عبارتست از نابودی مناسبات سرما به داری و نفی مالکیت خصوصی. زنان زحمتکش همبای مردان زحمتکش به مبارزه برای استقرار "جمهوری دمکراتیک خلق" میپردازند تا پس از آن زمینه عینی و

با توجه به اینکه سازمان ما بعنوان یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی وظیفه خود میداند که در سازماندهی و ارتقاء جنبش زنان زحمتکش بعنوان نیچی از نیروی انقلاب در جامعه قدم برداشته و سهم خود را در دستان نسبت به توده های زحمتکش ادا نماید، از این رو رفقای "کمیتۀ زنان" تصمیم گرفتند تا به جمع بندی و شور و پره نمودن مجموعه فعالیتهای چندین ماهه اخیر خویش پرداخته و با ارائه آن به سطح جنبش این زمینه را فراهم آورند که این بحث اساسی در میان سازمانها و گروههای مل لیا بگیرد. زیرا به اعتقاد ما تنها از طریق جمع بندی تجربیات و گوش دادن یک مجرای بسیار به ایدئولوژیک است که میتوانیم ایده های مارکسیستی - لنینیستی را در باره جنبش زنان زحمتکش، چگونگی سازماندهی آن و نقش آن (زنان زحمتکش) در تحقق انقلاب دمکراتیک با زحموده و به مثابه راهنمای عملی به جنبش کمر نیستی عرضه کنیم. از طریق این کوشش مجدانه است که هم میتوان راه رهایی کامل زنان را نمایانده و هم از نیروی این توده های محروم و تحت ستم در جهت تحقق آرمان پرولتاریا بهره گرفت.

با وجودیکه کار "کمیتۀ زنان" بطور ویژه بر روی زنان خانه دار و محلات انجام شده ولی در آنها بیت امربوا سلسله درهم آمیختن تجارب حاصل از کار سازمانی و تئوری های مل ل توانستیم یک حداقل قانونمندی از فعالیت در میان زنان بر سر بحث مادی رای دموکراسی است:

اول: چرا با بد در میان زنان زحمتکش کار کرد؟

دوم: با چه ابزار و تشکیلاتی با بد زنان زحمتکش را مشکل نمود؟

البته هر دو محور خود دارای بخشهای مختلفی است که در طی بحث به آنها برخورد میکنیم. برای پاسخگویی به قسمت اول ابتدا ضروری است که بطور بسیار مختصر به علت پیدایش مسئله زن بپردازیم:

زنان در ابتدا و در جامعه اشتراکی اولیه بواسطه مشارکت در تولید اجتماعی "قبیله" دارای مقام خاصی بودند و حتی در یک دوره از تاریخ بصورت نقطه برجسته ای، "دوران مادر" یا لاری را بوجود آوردند، اما بر اثر پیدا بیش مالکیت خصوصی و تقسیم مع به طبقات و هم - چنین تقسیم اجتماعی کار و فزونی گرفتن نقش مرد در تولید، زنان به تدریج از گردونه تولید اجتماعی بکناری گذاشته شدند (۱) و نقش حاشیای در پیش بردا مورخانواده به سه عهده شان نهاده شد.

از آن پس، از حقوق برابر با مردان و سایر حقوق اجتماعی محروم گشته و تنها بعنوان ابزار برای تولید مثل، نگهداری اطفال، خانه داری و نهاییاتنا در جوامع بورژوازی به عنوان ذخیره نیروی کار در باره کار از جهت نی

بقیه از صفحه ۱۷ درباره...

پیش او و برادر و پدرش در خیابان بوذرجمهری به شغل آهن فروشی مشغول بودند. آنها از طرفداران آیت الله میلانی بودند در راههای ۴۰ میلانی بیشتر از طرف لیبرالها حمایت میشد. دلالی و فروش آهن و بچیب زدن دسترنج زحمتکشان هر روز بیشتر کار آنها را سکه کرد و کارخانه‌ای در جاده کرج برای پرس آهن قراضه و سپس کارخانه پارس متال را دایر کردند.

هم‌اکنون علی اصغر حاجی بابا مدیرعامل کارخانه شوقا زکا وروهمکاره کارخانه پسران ناسیونال میباشند. او حدود ۸-۷ ماه پیش حدود ۳ میلیون تومان از آلوازمیدکی کارخانه ایران ناسیونال دزدی میکند و ۳ ماه قبل

با اعتراض شدید کارگران بر سر مسائل منصفی روبرو میگردد در زمینهای سرمایه داران او را در خطر می بیند و ظاهراً به زندان می اندازد و از او مبلغ ۱۸ میلیون تومان و خمس و زکات کارخانچاش را که در دوره رژیم گذشته نبرد اخته بوده مطالبه

میکند. سپس برای "مصلحت" قفسه‌ها و پیشنهاد میشود که ۹ میلیون تومان به حساب دولت بریزد و یکی از اشخاص "معتبر" نیز او را ضمانت نماید علی اصغر حاجی بابا به آیت الله بهشتی پیشنهاد میدهد که ضمانت او را بنمایند و بهشتی میگوید: "چون من وضع خوبی ندارم و گفته‌اند که من حامی سرمایه داران هستم اگر ایمن ضمانت را بکنم بیشتر برویم میریزد".

بهرحال علی اصغر حاجی بابا با حدود دو هفته پیش با قید ضمانت از زندان آزاد شده است. ضمانت بد نیست. خاطرنشان کنیم که میگویند تا پوربختیار خاش قبل از اینکه در زندان نخست وزیری بازگردد به خارج فرار کند شب در منزل برادر آقای علی اصغر حاجی بابا مخفی بوده است!

سرمایه داران چه آنها که با حزب جمهوری دمخورد و چه آنها که همکاره لیبرالها هستند همگی از خون کارگران و زحمتکشان تغذیه میکنند و قریب تر میشوند. تنها پتکهای طبقه کارگر و پرچم حزب او است که سرمایه داران و حامیانشان را از قدرت سیاسی و اقتصادی به زیر خا هدکشند!

★ ★ ★

به نقل سرگذشت خویش بردا خسته بخوبی اشاره میکند که چگونه انجمنهای زنان کارگرو سیه را در سال ۱۹۰۳ ایجاد کردند که این خودبیا نگر وجود تشکیلات برای زنان زحمتکش در مرحله انقلاب دموکراتیک میباشند.

(ادامه دارد)

(۱) - "پایه‌های اجتماعی مسئله زن" کولنتای

زنان زحمتکش را محول به مرحله انقلاب سوسیالیستی مینمایند. برای برخورد به چنین دیدگاهی بچند نقل قول میپردازیم.

لنین در مقاله کاریکاتور "چنین مینویسد: واکونومیسما میریا لیستی" (Semkovsky) و کیفسکی (Kievsky) هردو، در بحث خود پیرامون مسئله طلاق، از درک مسئله‌ها جزند و جوهر آنها را ندیده میگیرند فی المثل، تحت نظر سرمایه داری حق طلاق، مانند کلیه حقوق دموکراتیک دیگر بدون استثناء، مشروط، مقید، محدود، صوری و صعب‌الحصول است. با اینحال هیچ سوسیال دموکرات اصیلی، آن کس را که حق طلاق را نفی میکند، نه تنها دموکرات بشمار نمی آورد، چه رسد به سوسیالیست. اصل مطلب همین جا است "دموکراسی" (کلا عبارت است از اعلام و تحقق "حقوقی" که در نظر سرمایه داری تحقق آنها محدود و نسبی است. اما بدون اعلام این حقوق، بدون مبارزه برای معرفی آنها، هم‌اکنون و بلافاصله بی آنکه توده‌ها را در پرتو این مبارزه آموزش دهیم، سوسیالیسم غیر ممکن است...

منظور ما از آوردن این نقل قول چیست؟ بدون شک وقتی لنین بخاطر اهداف دموکراتیکی که سرمایه داری خود عنوان کرده اما از برآورده نمودنش خودداری میکند مبارزه‌ای بلافاصله و در شرایط حاکمیت سرمایه داران مطرح میکند، این مبارزه بدون وجود یک تشکیلات ممکن نیست و بدون شک زنانی که می‌بایست تحت رژیم سرمایه داری به مبارزه برای بدست آوردن همین حقوق بپردازند باید در یک تشکیلاتی متشکل شوند و بلاخره اینکه متشکل نموند توده زنان زحمتکش بحول چنین خواسته‌های دموکراتیکی کارمشخص در درون آنان را می‌طلبند و نهایتاً اینکه لنین معتقد به کار مستقیم و مشخص در میان زنان در مرحله انقلاب دموکراتیک ضد میریا لیستی میباشند و در این باره میگوید که "در پرتو این مبارزه است که میتوان توده‌ها را آموزش داد و آنها را برای برپایی سوسیالیسم آماده نمود".

همچنین به نقل قولی از الکساندرا کولنتای توجه کنیم:

"... با این حال، این بدان معنا نیست که بهبودی‌های نسبی در زندگی زن، در چارچوب نظام سرمایه داری غیر ممکن است حل ریشه‌ای مسئله کارگران (و زنان) تنها با بازی کاملاً دیگری مناسبات تولیدی نوین امکانپذیر است. ما آثاری می‌بایست ما را از فعلیست برای اصلاحاتی که مبرمترین منافع پرولتاریا را برآورده می‌دارد، برعکس هر توفیق تازه طبقه کارگر نشان ندهند. این است که بشریت یک قدم به قلمرو آزادی و تساوی اجتماعی نزدیکتر شده است. هر چقدر که زن بدست می‌آورد او را یک قدم به هدف مشخص‌رهای کاملاً نزدیکتر می‌آورد. (تا کید و پراشترازم است)

همچنین الکساندرا کولنتای در کتابی که

ثروت در کل جامعه و با تولید نوع بشر از میان میرد، قابل حصول است. تنها با اتخاذ چنین موضعی، یعنی بر مبنای درک پیوند ناگزیر برهمنای زن سوسیالیسم، است که میتوان برای دفاع از منافع زن ورهائی کاملاً مبارزه نمود.

(کولونتای: "پایه‌های اجتماعی مسئله زن")

بدین جهت دیدگاه‌هایی که بدون شکافتن این مسئله اساسی یعنی جنبه سوسیالیستی مبارزات زنان، فقط مبارزات زنان را در چارچوب هدفهای دموکراتیک محدود میکند، در حقیقت دچار یکجانبه‌نگری میشوند چرا که با توجه به جنبه اصلی مبارزات زنان زحمتکش که همانا جنبه سوسیالیستی است نمیتوان نیم جنبه دموکراتیک مبارزات زنان در این مرحله از انقلاب را نادیده گرفته و مبارزه زنان حول اهداف دموکراتیکی چون حق طلاق بطور مساوی، حق قضاوت، حق ارث مساوی پسران و... را نفی کنیم. اما رها نشی زنان زحمتکش جامعه، همانطور که با مالکیت خصوصی به بند کشیده شده اند همانطور نیز با مبارزه حول هدفهای دموکراتیک و سپس برقراری جمهوری دموکراتیک خلق، شرایط عینی و ذهنی برای نفی مالکیت خصوصی ورهائی کاملاً زنانه آماده میگردد. یعنی زنان زحمتکش همچون کل طبقه کارگر برای دستیابی به اهداف حداکثر خویش در مرحله انقلاب سوسیالیستی میبایست قدمهای اولیه را توسط دست‌یابی به پیرامون حد اقل پرولتاریا بردارند و بدین جهت نیز هست که مبارزات زنان زحمتکش در این دوره دارای مضمونی دموکراتیک ضد میریا لیستی میباشند. چون همانطور که پرولتاریا می‌بایست برای متشکل نمودن متحدینش منافع آنها را نیز در برنام‌ه خویش بگنجد و دوبه همین دلیل نیز در برنام‌ه حد اقل پرولتاریا اهداف دموکراتیک جای اساسی برای خویش دارد. به همین خاطر نیز در رابطه با بسیج توده زنان که از اقشار دموکرات و متحد پرولتاریا میباشند در این مرحله از انقلاب هدفهای دموکراتیک برای جنبش زنان زحمتکش مطرح میشود تا بتوان زنان این اقشار را نیز بسیج کرده و زیر رهبری پرولتاریا حرکت و مبارزه این اقشار را حول هدفهای دموکراتیک پرولتاریایی سمت و سوداد.

آیا کار پروری زنان زحمتکش و متشکل نمودن آنان مستلزم مرحله‌ای مبین در انقلاب است؟

در این رابطه دیدگاه‌های مختلفی بیان شده و میشود و اگر چه بصورت مستند آنها را در دسترس نداریم ولی به جهت وجود چنین دیدگاه‌هایی در جامعه بجا است که به آنها برخورد نمائیم:

۱- دیدگاهی که متعقد است که رها و سازمان‌دهنده پروری زنان می‌بایست پس از استقرار جمهوری دموکراتیک خلق و زمانی انجام شود که زمینه شرکت کلیه زنان در تولید اجتماعی فراهم گشته است و در حقیقت کار متشکل پروری

پایان کنفرانس آمریکائی طائف

پنجشنبه ۵۹/۱۱/۹ کنفرانس ارتجاعی سران دول اسلامی در طائف (عربستان سعودی) پایان گرفت. این گردهمایی رسوایان را آن بود که توده‌های مبارز کشورهای اسلامی بدان امید یافتند، بلکه از ابتدا آنرا محکوم کردند. این کنفرانس یک مانور و تظاهرات آمریکائی علیه رقیبان روسی شان و مهمترین آن جهت تحکیم موقعیت سرکوبگران امپریالیسم آمریکا علیه مبارزات خلقهای منطقه بویژه خلق فلسطین بود.

آنچه سرانجام موضوع عمده این کنفرانس را تشکیل داد عبارت بود از صف بندی رژیم‌های که دست نشانده آمریکا هستند از یکطرف و رژیم‌های که در گام مسکوفه میزنند از طرف دیگر. این صف بندی تا شریختی کننده خود را در قطعنامه کنفرانس بجای گذاشت و بر آن بنیادین شد که نه سوسیال امپریالیسم شوروی بخاطر اشغال افغانستان اسما محکوم گردید و نه دکتری از امپریالیسم آمریکا بخاطر حمله به ایتالیاییست. بمیان آمد، و هر دو سالها را راه وایما گذشت. چند بار تلاش سران دول مزبور برای کشاندن ایران به کنفرانس موفقیت آمیز نبود. ندرسته از کشورهای ارتجاعی منطقه که به آمریکا وابسته هستند از ایران نومید نبوده و نیستند (البته مفسران آمریکائی نیز معتقدند که واشنگتن از وابستگی ایران به اردوگاه غرب نومید نشده بلکه در انتظار نزدیکی بیشتری با آن است. رادیومونت کارلو فردای آزادی کروکوا (نوا) این رژیم‌های وابسته به آمریکا دولتشان را به عهده داشتند یک دسته در اطراف جنگ ایران و عراق جانب‌داران شدند (مثل سعودی و اردن) و دسته دیگر جانب ایران را (مانند پاکستان) شکی نیست که عدم ثبات در ایران و عجز رژیم از سرکوب جنبش انقلابی خلق منافع امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست نشانده آنرا تهدید میکند و برخی اقدامات توسعه طلبانه رژیم جمهوری اسلامی جهت باطل کردن انقلاب اسلامی "خواب خوش" این رژیم‌ها را آشفته میزند لذا آنها خواستار آن هستند که "وضع نامایمان کنونی" در ایران ختم یابد، آنها بمنظور آنکه بر رژیم ایران فشار وارد آورند و آنرا قانع کنند که دست از "صدور انقلاب اسلامی" بشن بردارد از محکوم کردن عراق خودداری نمودند، گمان این خود امتیازی سیاسی برای عراق بود. صدام حسین علاوه بر حمایت سیاسی از حمایت مادی که قبلاً از کنفرانس هم به او میشد و نیز بخت بیشتری، برخوردار شد.

هیاتی برای میانجی گری بین ایران و عراق ما مورفا لیت شده در آن الحاریریز هست



تا در برابر مبارزات او و جگر نبوده خلق السالوادور حکومتی را روی کار بیاورد تا با یکسری اصلاحات "حقوق بشری" منافع آمریکا را نجات بخشد، اما رژیم نظامی جدید نتوانست با برخی رفوهای عوام فریبانه جلوی گسترش مبارزات انقلابی خلق را سد نماید. بلافاصله در مقابل دولت جدید اعتصابات کارگری ایجاد شد و بقیه ای یافته و در اولین روز اعتصابات ۵۰۰۰۰۰ کارگر صنعتی



و توده زحمتکش شهری دست از کار کشیدند و قریب ۸۰ درصد منابع کشور در اعتصاب فرو رفت. این مبارزات که منتهی محکمی بود بر پروژۀ آمریکا و مزدوران بومی اش، دشمنان خلق را بر سر آن داشت تا کامکان وحشیانه ترین سیاستها را ادامه داده و همانند گذشته مبارزات توده ها را بخون کشند. در طی سال گذشته هزاران نفر از توده ها و انقلابیون بدست جلادان حکومتی به خاک و خون کشیده شدند و رژیم حاکم پیوسته مراکز تمرکز انقلابیون و توده های مبارزان را مورد حملات توپخانه و بمباران هوایی قرار داد. اما این حملات و کشتارها در ارا ده پولادین طبقه کارگر و توده های بیچاره استهالسالوادور نمی توانست خللی وارد آورد.

توده های مبارز در کنتر آن با رزیزانهای مسلح همچنان مبارزات خود را گسترده ساخته و ورشکستگی رژیم پلئون را بنمایش گذاشتند. توده های که زیر فشار انحارات امپریالیستی جان می کنند، توده های که شاهد غارت تمامی منابع طبیعی و انسانی کشور خود توسط امپریالیسم آمریکا و ارتجاع بومی میباشند، توده های که به اس حقیقت انقلابی دست یافته اند

بقیه در صفحه ۲۲

انقلاب خلق السالوادور، شکستی دیگر برای امپریالیسم آمریکا

"پیروزی انقلاب در برابر خنتر از راه اتحاد انقلابی با نهضت آزادیخواهان مستعمرات و ممالک غیر مستقل برضد امپریالیسم جریان مییابد."

استالین

این حقیقتی است که پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشورهای امپریالیستی رابطه ای لاینفک و گسست نا پذیر با رشد و پیروزی جنبشهای آزادیبخش دارد. امپریالیسم به قیمت استثمار رگارت توده های استعماریده کشورهای تحت سلطه به حیات خود ادامه میدهد، بدون انقیاد خلقها، بدون ستمگری امپریالیستی، بدون چپاول وحشیانه کشورهای مستعمره و نومستعمره نابودی امپریالیسم حتمی است. بنابراین مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم نقش بس عظیمی در سقوط امپریالیسم جهانخواه بازی میکنند. پروولتاریای کشورهای امپریالیستی برای آنکه بتوانند راه پیروزی خود را بر سر و آویزی هموار نماید بپندمی با بست قاطعانه و پیگیرانه از مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم پشتیبانی کنند، پرواضح است که طبقه کارگر و توده های تحت ستم کشورهای تحت سلطه نمیتوانند از مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی حمایت نکنند، اما مسئله اساسی اینجا است در شرایطی که مبارزات ضد امپریالیستی در جهان کنونی اوج بیابانه ای یافته و ضربات ایمن مبارزات مستقیم برای ارتجاع داخلی و امپریالیسم فرود میاید و این امر نظام جهانی سرمایه مالی را بسوی مرگ قطعی سوق میدهد، پروولتاریای جهانی و کمونیستها با بدیه پشتیبانی بیدریغ از این جنبشها بپروازند.

پرواضح است که کمونیستها از هر جنبشی در کشورهای تحت سلطه حمایت نخواهند کرد. کمونیستها از جنبشهایی حمایت نخواهند کرد که در راستای منافع طبقه کارگر و خلقها بوده و واقعا به امپریالیسم و ارتجاع ضربه بزنند. جنبشی که تحت نفوذ بخشی از ارتجاع و امپریالیسم جهانی با شفا قدما هیت مترقیانه بوده و مورد حمایت مارکسیست لنینیستها نمیشد.

بر اساس این دیدگاه است که ما از جنبش خلق السالوادور حمایت میکنیم، جنبشی که پیروز - مندان علیه امپریالیسم جهانخواه آمریکا و مزدوران بومی اش میرزند.

پس از سقوط رژیم نظامی - دیکتاتوری ژنرال "رومرو" در اکتبر ۱۹۷۹، با حمایت امپریالیسم آمریکا و برپا به سیاست مزورانه کارتر، ژنرال "خوزه ناپلئون دوارت" به نمایندگی از حزب ارتجاعی دمکرات مسیحی بر سر کار آمد. اینبار امپریالیسم ناکی کوشید

تظاهرات هواداران سازمان پیکار در شیراز

روز پنجشنبه دوم بهمن ماه، رأس ساعت ۵/۵ بعد از ظهر تظاهراتی از سوی هواداران سازمان در شیراز، در خیابان نژد، مقابل سینما پریسا برگزار گردید. حدود ۴۰۰ نفر در این تظاهرات موضعی شرکت داشتند. تظاهرات با شعار "اتحاد مبارزه، پیروزی" آغاز گردید. و با شعار "انجمن مبارزه بهمت توده ها، سنگر خود را بگشا" ادامه یافت. رفقا پلاکاردها، پوسترها، پرچمها، پرچمهای ایران، "از جنگ ارتجاعی، از قحطی و گرسنگی، مردم به تنگ آمدند" با خود حمل میکردند. در طول تظاهرات تعداد زیادی اعلامیه بین مردم پخش شد که با استقبال پر شور مردم و برپا شدن، مردم با عطا اعلامیه ها را میخواندند و سپس آنها را تاراج در جیبشان می گذاشتند برای دیگران ببردند.

هنگامیکه صدای شعارها در فضا طنین انداخت ارتجاع بوحشت افتاد. حدود ۲۰-۳۰ نفر فالا نژاد چوب و زنجیر به تظاهرات کنندگان حمله کردند و به ضرب و شتم شرکت کنندگان پرداختند. اما مرتجعین با تمام تلاش خود نتوانستند مردم را بدنیاال خود بکشند. برعکس مردم از تظاهرات استقبال خوبی کردند و برخی از آنها به صفوف ما پیوستند. چندی از شرکت کنندگان پس از پایان تظاهرات توسط عمال ارتجاع دستگیر شدند.

پیکارگران در میان توده ها بذر آگاهی می پاشند

تهران، میدان راه آهن پنجشنبه ۱۸ دیماه بیش از ۴۰۰ نفر از هواداران سازمان برای دادن آگاهی به توده های زحمتکش به میان آنان رفته اند. عصر است ولی فعالیت افشاگرانه پیکارگران سکوت هر روز را شکسته است. پخش اعلامیه، فروش پیکار، تابلوهای افشاگرانه، بحث های آگاهی بخش محیط پرشوری ایجاد کرده بود. زحمتکشان ما با علاقه به کسب آگاهی از پیکارهای آگاهی استقبال میکردند و نشریه و اعلامیه طلب میکردند و به گفتگو میپرداختند اما پاسداران جیل و سزما به نگهبانان رژیم ارتجاعی سر رسیدند و وحشیانه به جوانان انقلابی یورش بردند. عده ای از رفقا دستگیر شدند اما راه سرخ مبارزه چون افق روشن همچنان در برابر کمونیست ها گشوده است پس زنده باد پیکار توده ها!

و نایبوی است. تلفیق عملیات نظامی و با رتبه های با اعتراضات عمومی سیاسی کارگران کشاورزان، کارمندان، دانشجویان و... حیات اقتصادی کشور را فلج ساخته و رژیم کمرها کاملاً متماصل نموده و او را به واردات ساخته تا با اعلام حکومت نظامی و در یافت کمکهای نظامی جدید از آمریکا به مقابله وحشیانه تری روی آورد. امیرالایسم آمریکا نیز پس از شکست در نیکا را گوشه با تمام قوا میکوشد تا رژیم مزدور را نجات دهد. اخیراً وزارت امور خارجة آمریکا در اطلاعیه ای اعلام نمود: "ایالات متحده به منظور حمایت از دولت "خوزه فلوئید دوارت" رئیس جمهور کنونی السالوادور، معادل ۱۰ میلیون دلار کمک نظامی که شامل مقداری سلاح، مهمات و چند فروند هلی کوپتر جدید جنگی به همراه تعداد زیادی مستشار نظامی است، به این کشور تحویل خواهد داد."

بدین ترتیب شما دهه می کنیم که چنان پیکاران و شکنج چگونگی به سرکوب متمرکز انقلاب برخاسته است. البته فراموش نباید کرد که آمریکا علاوه بر کمکهای گسترده نظامی به رژیم ناپلئون کشتیهای جنگی خود را به سواحل السالوادور فرستاده و از رژیمهای مزدور همسایه السالوادور مانند "هندوراس" و "گواتمالا" خواسته است تا ارتشهای خود را به سرکوب توده ها و انقلابیون السالوادور بفرستند. در همین ارتباط در حال حاضر ارتشهای این دو کشور شهرهای مرزی که تحت کنترل انقلابیون میباشد را بمباران میسازند. اما در مقابل تمامی این جنایات و سرکوبها انقلاب خلق دلاور السالوادور به پیش می تازد. لیکن فراموش نکنیم که خلق السالوادور تا پیروزی قطعی راه درازی را در پیش دارد و موانع زیادی را باید از سر بگذراند. در حال حاضر نیروهای سازشکار میکوشند تا جنبش را به سازش بکشند و مهمتر اینکه در واقع فعلی طبقه کارگر السالوادور فاقد حزب مارکسیستی - لنینیستی خود میباشد. این ضعف اساسی جنبش خطر مهلکی را در بر دارد و آینه توده را تهدید میکند. مبارزات طبقه کارگر و توده های ستمدیده السالوادور سیاست "حقوق بشر" کارتر را رسوا نموده و برای امپریالیسم بانکی ضربات مهلکی فرو آورده است. این مبارزات با انکاء به قهر انقلابی ارتجاع حاکم را به سمت سقوط نهایی کشانده و تظاهرات روزیونیستی و ضد انقلابی "گذار مسالمت آمیز" خروتسکی را را یکبار دیگر رسوا ساخت. این مبارزات درس دیگری بود برای خلقهای جهان و نشان داد که برای پیروزی بر دشمن باید انقلاب کرد. اما این مبارزات علیرغم تمامی این دستاوردهای گرانمایه به قیمت خون هزاران آزادیخواه به چنگ آمده، بدون رهبری طبقه کارگر نمیتواند به پیروزی قطعی و نهایی دست یابد.

ولی فلسطینی ها که تلاشهای سابق شان بنحوی زنده ای به شکست انجامیده بود هنوز قببول نکرده اند که عضوان هیات باشند. از طرف دیگر رهبری جنبش فلسطینی که بدنیاال سیاست غیر انقلابی خود و عدم انکاء به نیروی انقلابی عظیم توده های فلسطینی میکوشد تا توده های جنبش (پیروزی نهایی) فراوان مالی آن را با نزدیکی به رژیمهای نظیر سعودی مرتفع سازد. و با از خیمات اینگونه رژیمها برخوردار باشد تا در چانه زدنهای بین المللی از "نفوذ" این رژیمها با مصلحت استفاده کنند. در این کنفرانس نتوانست بنفع مساله فلسطین - ولودرظا هر دستاوردی داشته باشد. مساله فلسطین و قدس به مساله درجه چندم کنفرانس افت کرد و پیشنهاد عرفات برای آنکه این رهبران دول اسلامی برای آزادی قدس در کمپ با مصلحت سوگند یاد کنند، مورد قبول واقع نشد. (لایدر رهبری جنبش مقاومت در توجیه اقدام خود، زیر لبی به توده های فلسطینی خواهد گفت، با این پیشنهاد آنها را آفا کردیم و ما هیئتشان را بر ملا ساختیم!) در پایان بدینست اضا فک کنیم که رژیم سوریه که "محراراز" رژیم ایران است و حافظد که از با مصلحت چهره ای انقلابی پیش سران حزب جمهوری اسلامی برخوردار است چنان از نتایج کنفرانس بنفع قضیه فلسطین یاد کرده که گوئی فلسطین همین روزها آزاد میشود!

قطعاً ممکن است کنفرانس این پیشنهاد سعودی را تصویب کرده که یک صندوق توسعه و عمران اسلامی تشکیل شود که سعودی یک میلیار دلار سهم گذاشته است هدف از این صندوق حمایت از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا و سرکوب جنبشهای کمونیستی و ضد امپریالیستی است. رو بهمرفته این کنفرانس ارتجاعی یک "گل" بنفع آمریکا در دروازه نشاندا ما بدون شک توده ها که با زیکن اصلی و نهایی میدان اند، سرانجام آمریکا و دست نشانندگان و نیز زرقیانش را از صحنه بیرون خواهد کرد. این حکم تاریخ است!

بقیه از صفحه ۲۱ انقلاب...

که برای رهایی از یوغ مرتجعین باید مصلحت بدست گرفت و مسلحانه حکومت استمگران را نابود ساخت. آری، این توده های مصمم اند تا پیروزی را به چنگ آورده و دشمنان خود را شکست دهند. از ابتدای سال جدید میلادی و همزمان با روی کار آمدن ریگان تنها نیروهای انقلابی السالوادور حملات نظامی خود را بطور بیجا به گسترده ساخته و کارگران و سرتوده ها نیز به مبارزات سیاسی وسیعی پرداخته اند. بنحوی که در حال حاضر پنجاه شهر السالوادور در دست انقلابیون قرار داشته و رژیم حاکم در حال سقوط

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آنکه باید دلیل بیاورد آیت الله خمینی است نه ما!

خوستان و فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی، این قاتل فرزندان خلق ستم‌پسیده عرب و این لبرال آمریکائی و کاندیدای ریاست جمهوری را بطور مستند افشا کردیم.

■ - ما تیمسار شاکر رئیس ستاد مشترک ارتش را که در زمان شاه پست مهمی در رکن داشته و رابط بین مستشاران آمریکائی و ارتش بوده است افشا نمودیم و پس از چند ماه بعنوان خائن از کار برکنار و دستگیر شد.

ما همچنین فلاحی، علوی مقدم و بسیاری دیگر از فرماندهان دست پرورده آمریکا و شاه را برای خلق افشا نمودیم و این آیت الله خمینی و دیگر سران رژیم بودند که همیشه از نشان دفاع می نمودند. ما را بطنه با آمریکا و دیگر امپریالیستها، خریدار سلحه در همین دوره به اصطلاح تحریم اقتصادی و با اصطلاح قطع رابطه با آمریکا را با سند افشا نمودیم (پیکار ۸۷)

ما خیانت‌های بسیاری روحانیون بزرگ مواضع ضد انقلابی آنان طی سالهای گذشته و فتوای آنان ب نفع فئودالها، سرمایه داران و روابط نزدیک و تائید آمیز آنان با رژیم قاجار و پهلوی را با اسناد غیر قابل انکار افشا کردیم.

ما فرمان عفو و اکیها توسط آیت الله خمینی را "نازشت به جنا پیکاران ساواک" خواندیم (پیکار ۴۸ مورخه ۱۱ فروردین ۵۹). رژیم دادرسی دیرا، نداشت و ما را مورد اتهامات گوناگون قرار داد دولتی پس از چند ماه خود آیت الله خمینی از سرور شکستگی گفت: "این عفو و اکیها، خلاف واقع شد!"

ما به همین ترتیب قطب زاده، یزدی، چمران، بنی صدر، بازرگان، معین فروپشتی و رفسنجانی و اکبر پرورش و بسیاری دیگر از زهر دوجان رژیم یعنی حزبیه و لیبرالها را افشا نموده و توده ها را نسبت به خیانتکاران هشیار نموده ایم.

ما برای تمام حرفه ها و موقعیتهای ایمان دلیل آوردیم. ما کمونیستیم و به توده ها جز حقیقت نمی گوئیم در صورتیکه این طبقات ارتجاعی و رژیمهای ضد انقلابی هستند که بنا به گزیننده توده ها دروغ بگویند تا بتوانند بر سر توده ها سوار شوند و آنان را استثمار نمایند.

این آیت الله خمینی و دیگر سران رژیم جمهوری اسلامی هستند که باید برای اتهامات و قیحا نه خود به کمونیستها و نیروهای انقلابی، دلیل بیاورند و ما آنها هرگز نخواهند توانست

افشای گری های ما و دیگر کمونیستها و نیروهای انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی را کلافه کرده است. "گرفتار مج مجرم در حین ارتکاب جرم" عوامفریبی رژیم را بارها رسوا کرده است و سران رژیم را مجبور نموده که به برخی از خیانت ها بیاورند که هرگز خرابه افشایش نبودند اعتراف کنند. مثلا در رابطه با افشای گری های مستند ما آنها مجبور شده اند به چشمه های از اموال بی حساب "بیت المال" را که به جیب روحانیون شیعه و سنی ریخته اند اعتراف نمایند و یسار به پذیرنده آری ۲۰۰ میلیون تومان را رفسنجانی از خارج اسلحه خریده است و یسار روادید دیگر که هنوز جرات اعتراف به برخی از آنها را نیافته اند مثل اسناد جاسوسخانه آمریکا و ملاقات

شخصی با ما مورین سیا. آیت الله خمینی در سخنرانی ۲۹ دی ماه خود برای مقابله با اینگونه افشای ها میگوید:

"گروههای هستند که می خواهند یکی آنها را که مشغول خدمت (در واقع خیانت!) به این مملکت هستند از نظر مردم بیاندازند و آنها را از ملت جدا کنند. باید توجه داشت که اینها که آمدند و مطلبی را گفتند می توانند بگویند که این آقا کی تو می گوئی فلان است دلیل چیست؟ و ببینید چه خواهد گفت. آن کسی که مثلا در ارتش هست فرمانده ارتش هست اگر گفتند فلان کار را کرده ام چش را بگیرد که دلیل شما بر این مطلب چیست. آنوقت خواهد فهمید که دلیلی در کار نیست. فقط تبلیغات هست که می خواهند دشمنیها را بشکنند. اشخاصی که من بیش از بیست سال است می شناسم و می دانم چه اشخاصی هستند که دارم کنند..." (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۳۰)

ما بر اساس وظیفه انقلابی و کمونیستی ما و دشمنان زحمتکشان را در هر چه ای باشند افشای می کنیم و تا آنجا که دشمنان ما نبوده، کرده ایم. سیر و قیاطی دوسال گذشته تنها صحت تحلیل ها و موضعگیری ها و افشای گریهای ما را ثابت میکند.

■ - ما فرماندهان دست پرورده آمریکا را که طی "توطئه سازش" یک شبه "مسلمان و مردی" شدند یک افشا نمودیم و یسار قیحا نه ما را بخاطر این حقیقت گوئیها "امریکائی" و "ضد انقلابی" نامیدیم ما سرانجام صحت سخنان ما ثابت شد.

■ - ما تیمسار رفیرد رئیس ستاد ارتش را در پیکار ۶۴ (۱۴ خرداد ۵۸) افشا کردیم و بهزاد دنیوی پس از متجاوزان زیکال در سخنرانی نما زجمع در دانشگاه علام کرد که و فراموش نبوده است.

■ - ما تیمسار باقری را در پیکار ۴۷ مورخه ۲۷ اسفند ۵۸ افشا کردیم و چیزی نگذشت که او به عنوان کسی که با ارتباط داشته دستگیر شد.

■ - ما در شمارهای متعدد پیکار، تیمسار سید احمد مدنی، "دست راست امام" استنادار

برای دروغهای گویلیشان دلیل بیاورند. این دروغها از کینه طبقاتی آنان نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی ما به میگردد و همین گویندگان را افشا می نماید.

رژیم باید برای ادعای قیحا نه اش دلیل بیاورد که میگوید:

کمونیستها و نیروهای انقلابی "ضد انقلاب" هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "امریکائی" هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "ساواکی" های "دروغزن"!

کمونیستها و نیروهای انقلابی با بختیار و اویسی در گردستان هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی خرمن روستایان را آتش میزنند!

و.....

شما از سرعز و درمادگی به بازی کردن با احساسات و عواطف اخلاقی توده ها پرداخته ادعا کردید که "قرص ضد ملکی" و "روابط نامشروع" را در بین کمونیستها و انقلابیون سراغ کرده اید. زهی بشیرمی!

کمونیستها از سرمایه داران و دیگر نیروهای ارتجاعی هرگز انتظار محبت و راستگویی را ندارند. منطق مبارزه طبقاتی بین کارگران و سرمایه داران، بین خلقهای تحت ستم از یک طرف و امپریالیستها و عمال و همدستان آنها از طرف دیگر حکم میکند که قهر انقلابی بین دو دسته حکمفرما باشد.

ما مصممانه به افشای ارتجاع و دشمنان خلق ادامه خواهیم داد. سرانجام این کارگران و زحمتکشان هستند که آگاهانه مواضع ما را تائید خواهند کرد و دشمنان خود را به زبانه لادن تاریخ خواهند افکند و جمهوری دمکراتیک خلق را به رهبری طبقه کارگر جهت نیل به جاد معمه سوسیالیستی برپا خواهند داشت.

★★★

بقیه از صفحه ۱۰ چراغی...
انقلابی هستند نه آمریکائیها! شما در انواع شکنجه ها اسانده اید که یکی از آنها هم شکنجه ای است که ۱/۵ میلیون آواره این جنگ ناعادلانه از دست شما می بینند، مگر "مجلسیان" خود شما در "مجلس شورای اسلامی" تان اعتراف نمیکنند که بیش از ده روز به هزاران تن از آنان غذا نداده اید، آیا اینها شکنجه نیست؟ شما صدها نوع شکنجه دیگر را نیز که بصورت فقرگرانی و فلاکت نصب میلیونها تن از توده های زحمتکش میهن ما ست بلید، لازم نیست قسم بخورید که آمریکا شیها را شکنجه نکرده اید، این را توده های آگاه میدانند آنها اینرا نیز میدانند که چرا زبان "هیات بررسی شایعه شکنجه" در مورد شکنجه کمونیستها و انقلابیون بند آمده است و با همه وقاحت شان هنوز جرات تکذیب آن را نیافته اند. در منطق شما مگر نه این است که "شکنجه ای که به انقلابیون میتوان داد، برگروگانهای آمریکایی حرام است"؟

★★★

چماق ولایت فقیه بر سر دهقانان

تألیف: دکتر بهرام رحمتی، آیت‌الله العظمی آق‌اچاق شیخ بهاء‌الدین، مجتهدی
مدفله‌العالی راجع به طرح غیراسلامی اصلاحات مصوبه شورای انقلاب.

بسمه تعالی

جنب در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

در آن شهر نرسیده است که...

هر روز که میگذرد چشمه تازه‌ای از عقوبت -
ماندگی، ارتجاعی بودن، ضدخلقی بودن رژیم
جمهوری اسلامی و در رأس آن اصل ولایت فقیه
آشکارتر میشود.

هر روز که میگذرد از ماهیت خدا نقلا -
رژیمی که بر "ولایت فقیه" استوار است پشورده
دیگری کنار میرود.

هر روز که میگذرد دکان رگران، دهقانان و عموم
زحمتکشان میهن ما بیشتر درک میکنند که آنچه
بخاطرش انقلاب کردند دستپا بی بدن، در این
رژیم فربه‌ها ریمیر نیست.

هر روز که میگذرد رژیم سنی بیشتری بکار
میبندد تا برخی عقب‌نشینی‌ها را که تحت فشار
توده‌های انقلابی انجام داده‌جبران کند و آنچه
را که بزرگوارا گرفته‌شده است، پس بگیرد.

هر روز که میگذرد برای توده‌های بیشتری
روشن میشود که کمونیست‌های راستین که از روز
اول به این رژیم اعتماد نکردند و به جمهوری
اسلامی رای ندادند چگونه بدستی ماهیت رژیم
را درک میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار انقلابی
توده‌های زحمتکش مجبور شد، گاه قوا نیینی وضع
کنند که ظاهراً برای کارگران و زحمتکشان حقی
تأشیل میشد، منجمله تصویب طرح اصلاحات ارضی.

زمینها به سه دسته تقسیم میشدند، دسته اول مربوط
بود به تقسیم زمینهای بایر، دسته دوم زمینهای را
در بر میگرفت که قبلاً "متعلق" به فئودالها و
زمینداران بزرگ بوده و حالا بخاطر آنکه

"ما حیان" آن زمینها فراری هستند در اختیار
دولت میباشد، اما دسته سوم مربوط به زمینهای
مربوب و حاصلخیزی است که هم اکنون در اختیار
زمینداران بزرگ است و با آنهاست دهقانان

زحمتکش روی آنها کار میکنند و استثمار میشوند.
اصل دعوا هم بر سر همین مسئله سوم است. پس
از تصویب این طرح در "شورای انقلاب" از طرف
مجتهدین بزرگ و شخص آیت‌الله خمینی فشار

آورده شد که اجرای این طرح متوقف شود و بهشتی
هم در اوائل آذرماه ۵۹ مودیا نه گفت که امام
گفته اند که تلاش روی دسته اول و دوم متمرکز

باشد، یعنی دسته سوم که اصل قضیه است فعلاً هیچ
هرچند که اجرای اصلاحات ارضی و اقدامات
اساسی به نفع دهقانان و دیگر زحمتکشان از این

رژیم مورد انتظار نیست و هرچند این قوانین
عمدتاً از مرحله حرف خارج نشد و اگر چیزی عملی
گشت بخاطر فریب توده‌های زحمتکش بود تا این

رژیم را طرفدار باطل "مستضعفین" ببندارند،
ولی هر چه زمان میگذرد رژیم حس میکند که
با مطلع "خرش از پل گذشته" است عقب‌نشینی -

های خود را پس میگیرد.
ما در پیکار ۲۴ مورخه ۷ مهر ۵۹ دوستیکی
با مضای آیت‌الله گلپایگانی و دیگری با مزی
قریب ۲۵ نفر از مدرسین برجسته "حوزه علمیه قم"

متعددی مثل آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله
گلپایگانی و آیت‌الله قسبی به نفع زمینداران
و علیه دهقانان و زحمتکشان فتوا داده‌اند.

و اینک فتوای دیگر را ملاحظه میکنید، که
از جانب آیت‌الله محلاتی (بزرگترین مجتهد
شیراز) حدود ۳۵ ماه پیش صادر شده است. توجه

داشته باشید که روابط نزدیک آیت‌الله محلاتی
با فئودالها و خوانین فارس زبانه نزد
مردم شیرازی باشد. او به خاطر

آنکه ادعای رهبری دارد، حاضریه تسلیم در
برای آقای خمینی نیست و در یکی دو سال
گذشته تقریباً عزلت گزیده است. در فتوایی که

کلیشه آن را ملاحظه میکنید آقای محلاتی با
استفاده از "حق ولایتی" که بر اساس قانون
اساسی جمهوری اسلامی دارد، اجرای "اصلاحات

ارضی" قلابی شورای انقلاب را هم حرام میشمارد
و میگوید که روستائیان حق ندارند از آبی که
"متعلق به مالک" است حتی "وضو" بگیرند.

روستائیان بر اساس حکم شرع و ولایت فقیه نه
تنها حق دارند بلکه باید در زمین "مالک
فئودال" جان بکنند و عرق بریزند! ولی حتی

ندارند با آب جوی مالک دست و صورتشان را
بشویند!
سند را بدقت بخوانید که خود گویا است!
مرگ بر سر ما پیدا را و زمینداران بزرگ
مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!
سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.
۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۸ پاسخ

این ترو برای جنبش کمونیستی ایران و پرولتاریای
ایران زیانمند بوده و باید مورد برخورد قرار گیرند.
بر برتر نقش کنونی مجاهدین خلق در جامعه

و گرایش بسیاری از هواداران نشان بسوی
سوسیالیسمی با یست در عرصه ایدئولوژیک نب.
مبارزه فعالی را علیه "دوآلیسم فکری" ایشان

و علیه توهانات این سوسیالیست‌های "خلق"
براه انداخت و بدین ترتیب - ل را در ایران
غنا ی بیشتر بخشد، جنبش کمونیستی را تقویت

نموده و به طرفداران سوسیالیسم آموخت که تنها
پرولتاریا و نمایندگان نشان یعنی کمونیستها
هستند که میتوانند، سوسیالیسم (و پس کمونیسم)

را برقرار کرده و آرمانهای والای طبقه کارگر را
تحقق بخشند.
با درک چنین وظیفه‌ای، همچنانکه زحمتکش
کمونیستی ایران خواستاریم، خود نیز در صدد

هستیم چنین مبارزه‌ای را در هر دو عرصه ایدئو -
لوژیک و سیاسی به پیش ببریم. پیروز باشید!
با یر رفقای که برای ما مانده نوشته‌اند:

مرتضی - میرزا - ع - بهیمرگه - س، ب -
د، ۳۳ - محمد - ص - ۱۵ - بروجرد - م، خوزستانی -
بروجرد - جاوید احوال - غلام، موم دبستان - ن،
دانش آموز - م، شهر آرا - لیلان - نا هید - م، آ -
شرق تهران - م، ۲۴ - تهران - ب - د - و - م، ر

مصاحبه "مجاهد" با قاسم ملو: ضربه‌ای بر جنبش انقلابی

مسئله اتفاقی نیست. این سیاست اپورتونیستی و راست‌روانه مجاهدین نشان می‌دهد که هیت متزلزل و راست حاکم بر این سازمان است. این سیاست انحصاری از دستگیری مجاهدین بسوی سازش طبقاتی و بورژوازی است. نیروی که در مقابل کمونیست‌ها از نیروی بورژوازی دفاع می‌کند، تنها تمایل طبقاتی خود را به نمایش می‌گذارد. ما در برابر حملات ارتجاع حاکم و ریزبونیست‌های خائن به سازمان مجاهدین، از این سازمان حمایت می‌کنیم، اما ما بنویسه خود در برابر پیگیری‌ها، مماشات طلبی‌ها، و اقداماتی عمیقاً انحرافی مانند حمایت از حزب دمکرات شدیداً بیمار زده دست می‌زنیم، ما این حرکت مجاهدین را در تضاد آشکار با منافع انقلاب قلمداد نمی‌کنیم و آن را محکوم می‌نماییم. سازمان مجاهدین در توجیه عدم همکاری خود با نیروهای کمونیست چه بسیار برای توده‌های خود چنین دلیل بی‌وردی را ترجیح از این مسئله سوء استفاده می‌کند. اما وقتی نوبت مصاحبه با قاسم ملو پیش می‌آید با تیردشت در صحنه اول مجاهد در مجاهد و دیگر مسئله سوء استفاده ارتجاع هم مطرح نیست! واقعاً علت این بر خورد چیست؟ در حقیقت مجاهدین اگر به همکاری با کمونیست‌ها دست نمی‌زنند در اساس خود ناشی از آنست که دارای خط مشی متزلزل و بنا به پیگیری و تمایل به بورژوازی می‌باشند. و به همین خاطر است که عدم همکاری با کمونیست‌ها مترادف است با پشتیبانی از نیروی ضد انقلابی مانند حزب دمکرات و مماشات طلبی و سازشکاری با لیبرال‌های خائن و وابسته. بنا بر این علاوه بر اینکه این اقدام مجاهدین ناشی از مشی ناپیگیرانه می‌باشد، در عین حال در انطباق با حرکت و تاکتیک لیبرال‌ها نیز قرار دارد. لیبرال‌ها پیوسته کوشیده‌اند تا از طریق سرکوب و منزوی ساختن نیروهای انقلابی از یک سو و سازش با حزب دمکرات از سوی دیگر جنبش خلق کرد را به شکست کشانده و به اصطلاح بطریق مسالمت آمیز در گردستان مسلح برقرار کنند. ملاقات اخیر نمایندگان حزب دمکرات با بنی صدر درباره اجرای طرح ۶ ماده‌ای نیز بیان این کوشش مزورانه است (رجوع شود به انقلاب اسلامی ۹ بهمن) حال آیا خط مجاهدین در انطباق با چنین سیاستی قرار نمی‌گیرد؟ آیا مجاهدین با مخالفت با نیروهای کمونیستی فعال در گردستان و با حمایت از حزب دمکرات به اهداف لیبرال‌ها خدمت نمی‌کنند؟ بهر حال مجاهدین چنین هدفی را چه آگاهانه و چه ناآگاهانه دنبال کنند، نتیجه محتوم آن خدمت به بورژوازی است و پرواضح است که این امر ضربه‌ای است بر منافع انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌های ما. و اضافه کنیم که حزب دمکرات به عنوان یک نیروی ضد انقلابی هرگز چنین امتیازی را کسب نکرده بود که از کانال نشریه - ای مثل مجاهد در سراسر ایران معرفی شود و کسب وجه نماید!

دمکرات همان نیروی است که به طور پنهانی با عوامل بعث عراق همکاری داشته و مترصد موقعیت مناسبی است تا به اقدام خائنانه تجزیه طلبی دست بزند. حزب دمکرات همان نیروی است که پیوسته کوشیده است از تعمیق مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد جلوگیری کرده و این جنبش را قربانی منافع ضد انقلابی و بورژوازی خود بنماید. آری ارگان مرکزی سازمان مجاهدین با سرگرد چنین نیروی به مصاحبه نشسته و تمام اقدامات ضد انقلابی و تمام سازشکاری‌های حزب دمکرات را تظہیر نموده است. مجاهدین از موضع تأیید آمیز تمام "تأییدات" در مورد حزب را از زبان قاسم ملو "تکذیب" کرده و بدون هیچگونه مرزبندی با مشی سازشکارانه و ضد انقلابی حزب، عملاً به حمایت از حزب دمکرات دست زده‌اند. جالب است که سازمان مجاهدین در کنار همان مصاحبه در مطلب دیگری وقیحانه به نیروهای کمونیستی فعال در گردستان به عنوان "گروه‌های چپ و حمله کرده و آنها را فراهم کننده شرایط سرکوب خشن" خلق کرد معرفی کرده و با زمین نیروها را در کنار خائنین فداشان اکثریت قرار داده و در نتیجه آنان را به "مجیزگویی قدرت مداران" متهم نموده است.

براستی چرا سازمان مجاهدین از یک سو به حمایت از حزب دمکرات پرداخته و از طرف دیگر به حمله علیه کمونیست‌ها و انقلابیون اقدام نموده است؟ برآستی چرا این سازمان از مشی سازش در برابر مشی انقلاب حمایت می‌کند؟ آری این

پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد



سازمان مجاهدین خلق ایران بغا طرآنکه در حمایت از خلق دلاور کرد شدیداً دچار انفعال بوده و به وظایف انقلابی خود در مقابل این خلق ستم‌دیده عمل نمی‌کنند. بارها و به درستی مورد انتقاد نیروهای جنبش کمونیستی قرار گرفته است. این واقعیتی است که در طی دوره ۲ ساله حکومت تنگین جمهوری اسلامی، در مقابل جنایات و کشتارهای گاه این رژیم نسبت به خلق کرد و نیروهای انقلابی و کمونیستی فعال در گردستان روا داشته، سازمان مجاهدین اساساً سکوت کرده است. به عبارت دیگر سازمان مجاهدین نه تنها به وظیفه خود جهت شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد هیچگونه اقدامی ننموده، بلکه همچنین از مبارزه با این خلق دلیرو پیشمرگان انقلابی حمایت ننموده است و نیز پیوسته فعالیت انقلابی نیست‌هایی را که فعلاً نه در گردستان پیکار کرده‌اند به عنوان "چپ روی" تخطئه نموده است. این امر ناشی از کدام واقعیت بوده است؟ این امر انحصاری از ناپیگیری طبقاتی و مشی راست‌روانه مجاهدین است. عدم برخورد انقلابی مجاهدین به قدرت سیاسی و بورژوازی مماشات طلبی با لیبرال‌های خائن را به مستقیم با عدم حمایت فعال از جنبش خلق کرد در اردوالبسته رهبری سازمان مجاهدین پیوسته این ادعا را داشته است که سازمان مجاهدین پیوسته این ادعا را نماید، اما زمانی واقعیت این ادعا روشن می‌شود که میبینیم سازمان مجاهدین تا بحال حتی یک مقاله در تأیید جنبش مسلحانه خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی منتشر نکرده است، تا بحال حتی یک مقاله افشاگرانه در باره جنایات تمامی جناح‌های هیئت حاکمه ارتش و سپاه پاسداران حکومت در گردستان انتشار نداده است و تا بحال حتی یک مقاله در تأیید حرکت انقلابی کمونیست‌ها مانند کومه‌له و سازمان مادرچ ننموده است. آری این مسائل اتفاقی نیست، همان‌طور که حمایت از نیروی سازشکار مانند حزب دمکرات و فردی چون قاسم ملو اتفاقی نمی‌باشد.

اخیراً نشریه مجاهد شماره ۱۰۲ بدرج مصاحبه - ای با قاسم ملو اقدام نموده است و به یکباره بر روی تمامی حرکات سازشکارانه و ضد انقلابی حزب دمکرات آب تظہیر ریخته است. حزب دمکرات همان نیروی است که بارها کوشید با رژیم جمهوری اسلامی سازش کرده و منافع خلق کرد را به قیمت گرفتن امتیازاتی چند از بورژوازی قربانی نماید، اما زیر فشار جنبش مسلحانه خلق کرد نتوانست به چنین خیانت عریانی دست بزند. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس مشی سازشکارانه و ضد انقلابی خود با مبارزه انقلابی زمین‌های مالکان توسط دهقانان زحمتکش شدیداً مخالفت کرده و عملاً به حمایت از مالکین دست زده است. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس ماهیت طبقاتی خود به خلق سلاح نیروهای انقلابی مانند کومه‌له سازمان ما و راه کارگردست زده است. حزب

اخبار مبارزات توده‌ای

بسیه خواستهای بحق شان و ارجحله در اختیار داشتن فضای گامی همچنان ادامه دارد. بعلمت تشدید سرکوب نیروهای انقلابی، مبارزین دریند از نظر جراح در میانه هستند. در سدهای ۲۰۳ به سه سرب ۱۵۰ و ۱۸۰ زندانی سیاسی (انقلابی و روبریونست) بر میگردوند و دیدار از نظر جراح و بهداشت با نا ارجحی مواجه هستند. در روزهای آخر دیماه یکی از زندانیان کمونیست دچار ناراحتی مشهودی از آوردن بزرگ خودداری میکنند و در نتیجه اعتراض زندانیان مبارزه با سادرمزد و در بدرون زندان آمده و یغیالی می بردارند. و یک رفیق مصرع را شنیدند مضروب میمانند.

درود بر فرزندان انقلابی خلق که سادرمزد مهر زحمتکشان بر لبانشان، برچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی سرافراشته نگاه داشته اند!

رژیم آلونکهای زحمتکشان بی مسکن حلبی آباد را نیز ویران کرد

اخبار از زحمتکشان حلبی آباد با بیسور ش وحشیانه با ساداران سرما به مواجند که بسیار خراب کردن بسیاری از خانه ها شان همراه بود. هواداران سازمان در حلبی آباد ضمن اعلامیه ای پرده از چهره ضد مردمی حکومتگران برداشته اند. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است:

"تزدیک به دو سال از حکومت ستمی و سراسیمه خانت رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، اما هر روز که میگذرد ما هیت ارتجاعی این رژیم پیش ریش برای زحمتکشان ما روشن میشود.... همین دو هفته پیش ما به چشم خود دیدیم که چگونه روز شنبه ساعت ۹ صبح با ساداران سرما به با اسلحه های آمریکائی خود به حلبی آباد آمدند و خانه های را که عده ای از زحمتکشان محله ما با کل و سنگ، بلوک می ساختند و وحشیانه خراب کردند..... اکنون ما دیگر بخوبی می فهمیم که وعده های آیت الله خروشا می این شما بندگان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بعد از قیام مستی برنا میزن مسکن برای زحمتکشان جقدر عوام قریبانه و بوج بوده است، همچنین می فهمیم که ما را متجاوز و موبسات رنگارنگ رژیم همچون بنیاد مسکن،

پیکار زندانیان کمونیست و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی

مبارزین انقلابی در بند، زندانیهای جمهوری را به صحنه های پر شور مبارزه طبقاتی تبدیل کرده اند. زندان شکنجه تنها برخلاف خیال خام مرتجعین کوچکترین ترس و لرزی در اراده اش نیست. کمونیست ها و انقلابیون اسیر در ادامه نبرد انقلابی با رانیا ورده بلکه سر استواری آنها در مبارزه و مقاومت افزوده و میافزاید.

در یورش با ساداران در روز ۲۹ آبانماه به بند های زندان اوین، علاوه بر آزار زندانیان سیاسی انقلابی ۴۵۰ جلد کتابهای زندانیان جمع آوری شده بود. مبارزین در بند در اعتراض به فشارهای درون زندان و رسیدن به خواستهای خود در مورد آزادیهای دمکراتیک دست به اعتصاب غذا زدند. در این اعتصاب غذا کلیه زندانیان کمونیست و انقلابی شرکت داشتند. و خائنین روبریونست "اکثریتی"، "توده ای" و "هواداران جناح بلورین" (منشعبین از حزب دمکرات) نه تنها در این اعتصاب غذا شرکت نکردند بلکه با "مذاقت" تمام با ارتجاع به همکاری نشستند و نمیتوانستند در مبارزه انقلابیون در بند ایستاد اختلال کردند. اما انقلابیون اسیر در اعتصاب غذای ۱۶ روزه موفق شدند پیروزیهای بدست آورند از جمله: پس گرفتن تمام کتابها بجز ۸۷ جلد که در جنگ زندانیان باقی است، اخذ صافی طبقه دوم بند به زندانیان سیاسی انقلابی (البته زندانیان روبریونست "اکثریتی"، "توده ای" و "دمکرات" (منشعبین) و صله ها حضور این بندها هستند و بر زندانیان انقلابی تحمیل شده اند)، انتخاب نماینده صنفی از بنیونست زندانیان انقلابی (روبریونست های خائنین سعی کردند در انتخاب نماینده ایجاد اختلال کنند که با همتی و اتحاد کمونیست ها و انقلابیون دیگر، سران به سنگ خورد)، دسترسی به کتابهای تئوریک (از طریق ملاقاتی ها)، قبول مواد غذایی و خوراکی که در گذشته ممنوع بود و....

زندانان انقلابی تصمیم گرفته اند که بعلمت کار شکنی های روبریونستهای خائنین در مبارزات انقلابیون از دادن کتاب که حاصل مبارزه انقلابیشان بوده اند ضد انقلابیون که در زندان نیز در همدستی با ارتجاع به نوطه سه علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی ادامه میدهد خودداری کنند. مبارزه زندانیان انقلابی برای رسیدن به

دفترخانه سازی برای مستضعفین، وزارت مسکن، بانک مسکن و.... چیزی نبوده اند جز صافکاری در دست رژیم سرما به داران برای غارت و جیاول هر چه بیشتر زحمتکشان..... اکنون که هر روز به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی بیشتر میبریم سرماست تا متحد و یکپارچه فریاد اعتراض خود را علیه ظلم و ستمی که از جانب رژیم بر ما میروند بلند کرده و مبارزات خود را علیه رژیم گسترش بخشیم و با نیم کسبه خواستهای انقلابی ما که مسکن جزئی از آن است تنها در برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یعنی نظامی که قدرت و حاکمیت در دست کارگران و زحمتکشان است قابل دسترسی خواهد بود.

راهپیمائی دهکده داران زحمتکش و محکوم کردن سیاست سرکوب رژیم!

پیکاری یکی از بحرانهای ذاتی سیستم سرما به داری است و حل آن فقط در کمر و خاکمیت زحمتکشان است. در همین مانیزدها هزار پیکار وجود دارد و پیکاری آنها ستاد شکستی بر ما هیت ضد مردمی حکومت حافظ سرما به داری وابسته است بخش زیادی از این پیکاران برای تأمین معاش خود دست به ایجا دد کرده اند اما جمهوری اسلامی در جهت حفظ منافع سرما به داران به سرکوب آنان میپردازد. بعد از شهید شدن ۴ تن از دهکده داران در یورش وحشیانه رژیم در تاستان ۵۹، ما را دیگر شاهد تهدیدها، تهنیتها و سرانجام حمله وحشیانه به سیاط دهکده داران و درهم کوبیدن تنها وسیله معاش آنان هستیم. در ۲۷ و ۲۸ دیماه بعد از تهدیدهای مکرر شهرداران را از دیو و دیو بزیون، شب هنگام به دهکده های خیابان مصدق از میدان ولی عصر تا خیابان ظالفا نشی حمله کرده و آنها را خراب میکنند. در روز بعد یعنی ۲۹/۱۰/۵۹ دهکده داران زحمتکش به نشانه اعتراض به دولت سرما به داری در شهرداری متحصن میشوند. بعد از دو روز سرانجام شهردار جدید رژیم در پاسخ اعتراضات دهکده داران مبنی بر پیکار شدنشان میگوید:

"این به من مربوط نیست، دزدی و غارت کنید، جنایت کنید و...." و در جواب اعتراض دهکده داران و با اشاره به شهادت چهار تن دهکده دار در تاستان و قیامته میگوید: "۴ تا یا ۴۰ هزار نابرای من فرقی نمیکند، اگر ۴۰ هزار نفر هم اینجا جمع شود، همه شان را میکشیم." حرفهای این مزدور خشم دهکده داران را بیشتر کرده و آنها دست به راهپیمائی میزنند و در مسیر شهرداری تا خیابان مصدق با شعارهایی چون: "شهربدار،

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

ما فوق سرکوب خود را جهت جلوگیری از رتبه‌داری آگاهانه سرپا زان و کادریهای پائین شایسته‌تر خواهند کرد، اما چرخ تاریخ را نتوان با این تشبیهات مذبوحانه به عقب برگرداند.

زحمتکشان ارمنی، وجه المصالحه حزب ارتجاعی "دانشاک" و شورای خلیفه‌گری با ارتجاع حاکم

شبهه سوم از انبوه، برنامهای بمناسبت میلاد مسیح از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. برنامه ویژه را منتهای است از تلویزیون پخش میشود. این برنامه به مقتضای منافع ارتجاع حاکم و منافع محافل و نهادهای ارتجاعی ارمنی و سازگاری و نوگرایی آنها به رژیم حاکم نگرانی متفاوت بخود میگوید. زمانی که رژیم ضد خلقی شاه را که بود، برنامه‌های رقعه‌ها و آوازه‌های آنجانی بر میشد، همین خلیفه مرتجع فعلی با همین "وقار" خاص خود به دستبوسی شاه جلاد میرفت و برای اوطول عمر آرزو میکرد و اکنون که دور دور جمهوری اسلامی است، برنامه ویژه را منته از دین و مسیحیت و... برآمده است و همان خلیفه مرتجع به دعا گوئی خمینی پرداخته است!

برنامه مذکور توسط دارودسته ارتجاعی و بورژوا - شوونیستی حزب "دانشاک" تهیه شده بود. این دارودسته اخیراً سروصدای زیادی در مورد استقلال خود از خلیفه‌گری ارا منته برآوردند. این دارودسته از آنکه زحمتکشان ارمنی میدانند که خلیفه‌گری آل‌ت دست و ترسبون غلنی و رسمی دانشاکها محسوب میشود. دانشاکها علیرغم تسلط بر طرف لیبرالها، برای حفظ امتیاز خود در مقابل جناح حسیهای رژیم، عملاً به مشاطه‌گری هردو جناح رژیم و به بیان دیگر کل هیات حاکمه پرداخته‌اند. بهمین منظور این دارودسته برنامه ویژه را منته از آنها از "جانبازیه‌های سرپا زان و وسایل رژیم جمهوری اسلامی" که به مذاق هردو جناح رژیم خوش می‌آید برگزیده بودند. دانشاکها در آن برنامه ضمن تبلیغ جنگ ارتجاعی، زحمتکشان ارمنی را به شرکت در آن و گوشت دم‌توب سرما به داران شدن دعوت کرده و خوش رقصی خود برای رژیم جمهوری اسلامی را نشان دادند. برنامه ویژه را منته طوری ترتیب داده شده بود که به بیننده‌ها القا شود که کلیسای ارا منته ایران از کلیساهای جهان مستقل است تا از این طریق دانشاکها از طرفی از تیررس حملات رژیم جمهوری اسلامی که به اصطلاح بر علیه امپریالیستهای مسیحی مبارزه میکنند را بمانند و از طرف دیگر خود را جدا از آن نهادهای ارمنی در ایران (کاتولیکها، پروتستانها و...) نشان دهند که رژیم جمهوری اسلامی، بدلائیل مختلف آنها را تعطیل کرده است.

تقیه در صفحه ۳۰

تظاهرات افشاگرانه کمونیست‌ها در رابطه با آزادی جاسوسان آمریکائی

در رابطه با آزادی ۵۲ جاسوس آمریکائی از طرف رژیم جمهوری اسلامی، هواداران سازمان بیکار و سازمان رزمندگان در تظاهراتی سیاهی سازش رژیم ضد خلقی با امپریالیسم در نزد توده‌ها و نشان دادن ماهیت بورژواشی رژیم حاکم، در تاریخ ۱۱/۱، تظاهراتی برپا نمودند. این تظاهرات از مقابل دبیرستان خمینی شروع شده و در مقابل اداره برق پایانه میا بد در طی تظاهرات جمعیت با مشت‌های گره کرده و با تکرار شعارهای زیر، خشم و نفرت خود را از سازش رژیم با امپریالیسم آمریکا نشان داد:

"آزادی جاسوسان، تشدید و استیغ علیه زحمتکشان، به نفع امپریالیسم"، "سیاست این رژیم سازش با آمریکا، سرکوب توده‌ها"، "کارگر زحمتکش، مبارزه واقعی علیه امپریالیسم، دولت سرما به دار همدست امپریالیسم"، تظاهرات کنندگان بعد از گذشتن از سبزه میدان در جلوی اداره مخابرات می ایستادند و مقابل افشاگرانه‌ای درباره ماهیت گروگانگیری رژیم خوانده میشود.

این تظاهرات با استقبال پر شور مردم آمل رویرو میگردد.

تشدید سرکوب و خفقان در ارتش

روز ۲۳ دیماه، یک نفر از سرپا زان، به جرم شرکت در بحث سیاسی به ده روز زندان و سه ماه افساد خدمت محکوم شد. فرماندهان مزدور از طریق اعمال خفقان و فرستادن جاسوس به میان سرپا زان حرکت‌های اعتراضی سرپا زان را سرکوب مینمایند.

روز ۲۴ دیماه یکی از فرماندهان مزدور به سرپا زان "خطار" کرد که اگر کتا بی بجز کتا بهای تأشید شده توسط "انجمن اسلامی" داشته باشند، به شدیدترین وجهی تشبیه خواهند شد. این مزدور اما فکر کرد که اگر بیش از ۲ نفر به مسئله‌ای اعتراض کنند "شورش" در ارتش جمهوری اسلامی تلقی خواهد شد.

آری! رژیم جمهوری اسلامی و ارتش "اسلام" آورده‌ها تنها بی آنچنان از رشد آگاهانه توده‌ها و وحشت دارند که برای خاموش کردن هر جرقه آگاهی بخش به هر وسیله‌ای متوسل میشوند. فرماندهان مزدور به ویژه پس از "خطار" جدیداً بیت‌اللهم خمینی در تکیه "اطاعت" از

شهردار حامی سرما به دار"، "شهردار حیاکن، چوب و چاقی را راهاکن"، "مرگ بر شهردار، تا مل سرما به دار"، "این است شعار شهردار، دزدی، غارت جنایت"، "دکهدار، دکهدار، دشمن سرما به دار"، ماهیت بورژواشی و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را برای توده‌ها فاش می‌سازد، که مورد حمایت وسیع مردم قرار میگیرند. رویزیونیست‌های خائن توده‌ای و اکثریتی فعالان در به سازش کشاندن دکهدار و خدمت به جمهوری اسلامی کوشش میکنند. زحمتکش دکهداری می - گفت: "یک مشت اکثریتی و توده‌ای افتاده‌اند وسط و میخاوندند ما را به سازش بکشاند، مگر ما میتوانیم از یک طرف سیاستهای رژیم را محکوم کند و از طرف دیگر زنده‌های ضد انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران حمایت کنیم؟"

آری دکهداران مبارز رژیم جمهوری اسلامی را همراه با نوکران رویزیونیست آن، در پیشگاه توده افشا کرده و متحدانه مبارزه خود را ادامه میرهند.

جواب دندان شکن بی زمین‌های "کمانگر کلا" به زمینداران خونخوار

در ۲۳ آذرماه، زمینداران خواندنیوار روستای "کمانگر کلا" که با پشتیبانی رژیم جمهوری اسلامی هنوز توانسته‌اند از مصداق زمینبشان بوسیله روستایان بی زمین جلوگیری کنند، ۲۰ تراکتور به روستا آورده و به شخم زدن زمینها میپردازند. روستایان بی زمین نیز در ادامه مبارزه با رزانشان برای مصداق انقلابی این زمینها، سرزمینها رفته به تراش به زمینداران میپردازند و مانع کار تراکتورها میشوند. در مقابل بی اعتنائی زمینداران، دهقانان زحمتکش به تراکتورها حمله میکنند که یکی از آنها از محنه فرا گرفته و تراکتور دیگر در زیر ضربات چوب و سنگ روستا - ثپان خشمگین قرار میگیرد. زمینداران که به رای مقام و در مقابل خشم انقلابی و برحق دهقانان را ندارند و بونا نه فرامیکنند، زمینداران به دادرسی "انقلاب اسلامی" متوسل شکایت میکنند ولی دادستانی وارگانهای دیگر دولتی از ترس خشم انقلابی روستایان بی زمین جرات یا سخگویی به زمینداران را ندارند. بدین ترتیب روستایان آگاه و مبارز "کمانگر کلا" یکبار دیگر با اقدام انقلابی خودشان نشان میدهند که اگر چه زمینداران مورد پشتیبانی ارکانهای دولتی از قبیل انجمن اسلامی، هیات ۷ نفره، "سپاه پاسداران" و... قرار دارند اما وقتی در مقابل قدرت متحد و یکپارچه روستایان بی زمین قرار، میگیرند ناچار از عقب نشینی میشوند.

به نقل از "فریاد زحمتکشان روستا" شماره ۱



بقیه از صفحه ۴

البته عملکردهای غلط و انحرافی کانون نتوانست موجب جذب اینعده گردیده و حقانیت خود را بداند ثابت کند.

نقش کانون در کسب حقوق کارگران

عملکرد یک اتحادیه را میتوان به دو بخش تقسیم نمود: گاه در محدوده دفاع از حقوق یک یا چند کارگر و گاه در احداث کارگران یک کارخانه باقی میماند و گاه به منظور کسب حقوق کارگران در سطح وسیعی، صورت میگیرد. یک بخش از عملکردهای اتحادیه جنبه تدافعی دارد و از حقوق کارگران در مقابل تهاجم کارفرما دفاع میکند بخش دیگر جنبه تعرضی و تهاجمی دارد که بستگی به شرایط کارخانه دارد (شدت بحران، اعتصابی، انقلابی، موقعیت انقلابی و...) البته وظیفه اتحادیه است که مبارزات بخش اول را به سمت مبارزات نوع دوم ارتقاء دهد.

در شرایط بعد از قیام از زمینه مبارزات جمعی و تهاجمی طبقه کارگر وجود دارد، اما غالباً خود را به شکل تک جوشه ای نظیر مبارزه متشکل ۴۰ کارخانه در گیلان در سال گذشته، بروز می دهد این بخاطر توهمی است که بعد از قیام در دهه نهم کارگران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمده بود. اما نیروهای متزلزلی که جنبه تدافعی و عقب نشینی طبقه کارگر را عمده می کنند، قادر نخواهند بود در صورت فراهم شدن زمینه یک حرکت تهاجمی آنرا سازمان دهند بعنوان مثال سال گذشته هنگامیکه مبارزات کارگران برای کسب سود و یژه در همه جا اوج میگرفت، رهبری کانون که در دست نیروهای متزلزلی بود، در خواب خرگوشی فرو رفته بود. بنا بر این عملکرد کانون را در عملکردهای پراکنده بخش اول میتوان خلاصه کرد که آنهم بصورت بی برنام، ناپیگیرانه و مصلحت طلبانه بود. اگرچه در جلسات عمومی کانون با رها به وسیله عناصر انقلابی مطرح میگردد که: کانون میبایست موضع فعالی نسبت به مبارزات کارگران در کارخانه داشته باشد یا مثلاً به کارگران اعتصابی رهنمود دهد، یا بدتجارب کارگران کارخانه تهاجمی را به کارگران انتقال یابد و... ولی هیئت مدیره محافظه کار و مصلحت جوی کانون به بهانه اینکه خواهان گفتگو با کانون باعث اعتصابات شده و آنرا تعطیل خواهند کرد! از زیر مسئولیت خویش شانه خالی میکند.

بطور کلی با بدگفت که اگرچه اقدامات ترکیب کانون بصورت منطقه ای (بجای اینکه اتحادیه های محلی بر حسب رشته های صنعتی تبدیل شود) مانع بزرگی بر سر راه پیشبرد مبارزه در کانون بود، و اگرچه تجمع کارگران در کانون

ارتباط پیدا کردن آنها با یکدیگر و دفاع بر - کننده کانون از مبارزات کارگران ایجاد چندشورا و شرکت در چند حرکت اعتراضی، تا شایسته ای نبودند که کانون بر مبارزات طبقه کارگر برجا میگذاشت، ولی با این وجود، غلبه مشی انتفاعی و مصلحت طلبانه بر رهبری کانون باعث شد که کارگران از کسب تجربیات با ارزش و پیشبرد چشمگیر مبارزاتشان، محروم گردند. این مسئله با ردیگر اهمیت نقش رهبری را در مبارزات طبقه کارگر، بنمایش میگذارد. و نشان میدهد که مبارزات این طبقه تا به آخر انقلابی اگر از رهبری انقلابی و واقعی خویش برخوردار نباشد نتیجه ای جز شکست نخواهد داشت.

حال به بررسی عملکردهای کانون در سه جنبه اساسی آن میپردازیم:

۱- حرکت از بالا، نگرش غیر توده ای و ناپیگیری در کارها

حرکت از بالا و در نتیجه دید غیر توده ای، دیدگاه غالب بر کانون بود، عدم همکاری نمایندگان کانون در تبلیغ اهداف کانون و ایجاد پیوند مستحکم با توده کارگران، موجب توده گیر نشدن فعالیت کانون میگردد. زمانی که نمایندگان کانون حاضر به همکاری با یکدیگر نمی شوند، با ید در فکر انجام شیوه های بودجه بوسیله آنها بتوان اهداف کانون را به میان کارگران برد، با آنها نزدیک شدنشان داد که کانون یک تشکیلات خودی است و برای تحکیم اتحاد کارگران با ید از آن حمایت کرد. اما هیئت مدیره نسبت به این مسئله بی توجه ماند.

ذکر یک نمونه نشان میدهد که چگونه کانون میتواند در توده ها نفوذ کند: بعد از فرو بردن ۵۹ مسئله تدوین قانون کار مسئله روز شده بود وزارت کار برای عوام فریبی مسئله مشارکت کارگران در تدوین قانون کار را عنوان کرده بود. کانون هم این مسئله را در دستور کار قرار داد و برای جمع آوری نظرات و پیشنهادات کارگران در این مورد اقدام به تهیه و پخش فرمی در میان کارگران کارخانه تسموک در ضمن جنبه آگاهی دهنده نیز داشت. همچنین از هر کارخانه نماینده ای انتخاب شد که پیرامون مسائل مربوط به قانون کار برای کارگران خود توضیح داده و مسئله را تشریح نماید. بدین ترتیب ارتباط مستقیمی بین کانون و کارگران برقرار شد و کارگران از این عمل استقبال خوبی کردند. اما دیدگاه انحرافی حاکم در رهبری کانون قادر به درک اهمیت چنین شیوه ای نبود و لذا ناپیگیری خود را نشان داد. و پس از چند مسئله بدست فراموشی سپرده شد. این امر تا شایر منفی بر روی کارگران باقی گذاشت. آنها که با شوق و ذوق فرم را پر کرده بودند، سؤال می کردند: "پس چی شد؟" و طبیعتاً بیاد کارهای فراموشی وزارت کار می افتادند.

۲- کم بهادادن به مبارزات اقتصادی و دنباله روی از سیاستهای بورژوازی

اتحادیه کارگری تیلور مبارزات خود به - خودی کارگران است که همواره از کانون مبارزه اقتصادی آنان میگردد، و در واقع واکنشی است که کارگران بر اثر فشار سرمایه داران و افزایش شدت استثمار، از خود نشان میدهند. تشکیلاتی که بدین ترتیب بوجود میاید و محور آن مبارزات اقتصادی است، ماسالی سیاسی در آنها جنبه ثانوی بخود میگیرد. البته با رشد مبارزه طبقاتی زمانی فرا خواهد رسید که محور اقتصادی به سیاسی و اشکال عالیتر مبارزه ارتقا یابد اما نباید اتحادیه های کارگری بولیوی که چند ماه پیش مسلحانه در مقابل کودتای آمریکا شای در کشورشان، ایستادگی کردند. اوضاع کشور ما امروزه به گونه ای دیگر است. اولاً مبارزات کارگران عمدتاً اقتصادی است و ثانیاً مبارزات سیاسی کارگران با ید به پیروی از مشی انقلابی بوده و نباید دنباله روی سیاستهای بورژوازی باشد. حتی در شرایط نظیر اوضاع حاکم بر بولیوی هم که مبارزات کارگران ارتقا میابد، بدون اعمال رهبری انقلابی مبارزات مسلحانه کارگران نمیتوانند به پیروزی برسند. بنا بر این بهادادن به مبارزات اقتصادی در شرایط مشخص ایران از طرفی و کارگران را به دنبال سیاستهای بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم انداختن (توسط رهبری کانون) از طرف دیگر چنان کرد که موجب سلب اعتماد کارگران نسبت به کانون از یک سو و ایجاد تشنه فکری کارگران در مورد مسائل سیاسی از سوی دیگر گردید. کارگرانی که درک نادرست کانون از مسائل اقتصادی شان و بی توجهی آنرا نسبت به این مسائل می دیدند، کم از دور کانون پراکنده شدند و حتی بسیاری از نمایندگان نیز دیگر در جلسه کانون شرکت نمیکردند.

۳- عدم وجود تشکیلات لازم و حرکت خود بخودی کانون

یکی دیگر از خصیصه های بارز کانون بی برنامگی آن بود که یکی از نتایج وجود دنیا - وردن تشکیلات لازم برای هدایت حرکتش بود. با نظر افکندن به جنسیت عمومی کانون که جزا تلافی وقت، انجام بحثهای پراکنده و غیر ضروری و خسته کردن شرکت کنندگان شماری نداشت، بروشنی به عمق این بی برنامگی می میرسیم. جلساتی که میبایست موجب جذب هر چه بیشتر کارگران به کانون میشدند، نتیجه ای معکوس بجای میگذاشتند، و این در حالی است که حتی بورژوازی در جلسات ضد کارگری خود، می تواند اندک حدودی کارگران نا آگاه را جذب کند. حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر کانون شوراهای شرق تهران را بیان میکنیم:

بقیه در صفحه ۲۹



بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

بمعهده کفیل وزارت نفت (سادات) خواهد بود. در قسمتی از قطعنامه چنین آمده است: "ما کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونیان شهر مستقر در شیراز با تفاق نمایندگان شورای سراسری و به نمایندگی از طرف کلیه کارکنان جنگزده مستقر در شهرهای امپهان، ماهشهر، تهران، بوشهر، اراک و ... اعلام میداریم که تجمیع یکپارچه امروز ما در اداره پیش شیراز هشاری خواهد بود به شما (کفیل وزارت نفت) و سازمان مسئولین که هر چه زود تر جهت آزاد نمودن همزمان زندانیان ما و تحقق سایر خواسته های برحقمان حرکت کنید."

موا راد سگانه قطعنامه:

۱- آزادی بی قید و شرط و هر چه سریع تر کارکنان زندانی و رفع توقیف از سایر کارکنان جلب شده.

۲- معذرت خواهی از کارکنان جنگزده به خاطر حمله و توهین هایی که در این مدت به جنگ زدگان شده است.

۳- اجرای فوری و سریع خواسته های ماده ای مندرج در قطعنامه مورخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ کارکنان مبارز!

تجمع کارکنان شیراز و نمایندگان شورای سراسری به حمایت از نمایندگان زندانی مشت محکمی بود. بردها و رژیم که قصد داشت با دستگیری نمایندگان به خیال خام خود، رعب و وحشت در دل کارکنان ایجاد کرده و آنها را پراکنده سازد.

کارکنان صنعت نفت عموماً و کارکنان جنگزده آبادان و خرمشهر خصوصاً از مبارزات دو ساله گذشته درسهای گرانبهای آموخته اند. آموخته اند که در رژیمهای سرمایه داری همچون رژیم جمهوری اسلامی، هیچ سلاحی جز حرکت آگاهانه، متشکل، یکپارچه و سازمان یافته قادر به تحقق اهداف منفی - سیاسی کارگران نمیشاند. بنابراین همچنان که یکی از نمایندگان آگاه و بد رستی اشاره کرده از آنجا که اتحاد و یکپارچگی و حرکت متشکل سازمان یافته شما زمان آزادی نمایندگان و دست یافتن به سایر خواسته های شماست.

۱- با تشکیل اجتماعات هر چه مستمتر و گسترده تر و افشای سیاستهای حال و آینده رژیم در قبال توده های کارگر بویژه کارکنان جنگزده صنعت نفت در هر چه متشکل کردن و سازماندهی حرکت های اعتراضی تلاش کنید.

۲- در جلب حمایت شورا های کارکنان شاغل بویژه کارکنان شاغل صنعت نفت و سایر

يك خبر از قائم شهر

قرار است ۸۰۰ نفر از کارگران کاخانه شاهر یک نساجی را بتدریج تا عید بازنشسته کنند. طبق "قانون"، میبایست به هر کارگری که بازنشسته میشود به ازای هر سال کار ۱۵ روز پاداش پایان خدمت بدهند. اما رژیم قصد دارد همین "قانون" را زیر پا گذاشته و به هر کارگر فقط ۳ ماه پاداش بدهد (کارگری که ۳۰ سال کار کرده طبق قانون میبایست ۱۵ ماه پاداش بگیرد). روز ۲۹/۱۰/۵۹ حدود ۵۰ نفر را بازنشسته میکنند. کارگران که به تصمیم ضد کارگری رژیم اعتراض دارند مطمئن هستند که در صورتیکه بخواهند طرح مذکور را اجرا کنند بسرکارها زگر دیده و از بازنشسته شدن بقیه کارگران جلوگیری کنند.

بقیه از صفحه ۲۸ نگاهی ...

حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر کارکنان شورا های شرق تهران را بیان میکنم:

۱- عدم شناخت رهبری کارکنان از ماهیت و وظایف اتحادیه های کارگری و عدم توجه به این مسئله که کارکنان یک اتحادیه منطقه ایست و میبایست در جهت تبدیل آن به اتحادیه های رشته ای تلاش نمود.

۲- حاکمیت دیدگاه های راست بر کارکنان و در نتیجه نا پیگیری، محافظه کاری و مصلحت گرایی که شکل با رزی در اعمال کارکنان خود را نشان میداد.

۳- دید غیر توده ای و حرکت از بالا که نه تنها منجر به محروم شدن کارکنان از حمایت توده ها گردید، بلکه جو غیر دمکراتیکی را در کارکنان بوجود آورده بود که باعث بدبینی و عدم اعتماد نمایندگان و عناصر مبارز نسبت به این تشکل میگردد (مانند تصمیم گیری های خود سرانه و شرکت ندادن سایرین در این تصمیم گیریها، توسط عناصر مصلط بر کارکنان).

۴- ضعف تشکلیاتی و عدم وجود سازماندهی مناسب برای پیشبرد هر چه بیشتر امر مبارزه و بطور کلی حاکمیت بی برنامه یی بر کارکنان.

۵- بی توجهی به مسائل اقتصادی و داشتن کارگران به دنبال لبروی از سیاستهای بورژوازی حاکم بر جامعه.

شوراهای جنگ زده در هر منطقه برای آزادی نمایندگان فعالانه تلاش نمایند.

۳- با افشا و طرد نمایندگان سازشکاری که سعی در کند کردن و بیابان انحراف کشیدن مبارزات کارکنان دارند و با جایگزینی نمایندگان آگاه و مبارز، در ادیکالیزه کردن شوراها جهت پیگیری خواسته ها و در راس آنها آزادی نمایندگان بکوشید.

(بقتل از "فریاد آوارگان" ۱۲ - کمیته خوزستان)

بقیه از صفحه ۳ کارگران ...

۳/۵ بعد از ظهر تا ساعت ۶ بعد از ظهر میبایست در کارخانه باشند.

این دستور مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه ما که به منظور ارتعاش و معاندن هم رسیده است نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی وعوای آن چگونه سعی دارند با توجه به احتیاج کارگران، آنها را بیشتر استعما رکنند. بدنبال این اعلامیه تمام کارگران در ساعت ده صبح همین روز دست از کار کشیده و به مخالفت با آن بلند شدند. آنها میگفتند: ما اضافه حقوق میخواهیم اینها به ما اضافه کاری میدهند تا زه اگر ما اضافه کاری کنیم زحمت میکشیم و حقوق خودمان را نمیگیریم در صورتیکه ما خواهان اضافه حقوق هستیم. حقوق ما کم است و مخارج زندگی بالاست و تازه شب عید هم نزدیک است، ما خودمان هیچی، ولی باید برای بچه ها یمان لباس و کفش ... تهیه کنیم. این حقوق ما خرج ده (۱۰) روز ما را هم کفاف نمیکند چه برسد به مخارج دیگر. آخر مگر ما انقلاب کردیم که اینطور بد در ما برسند اگر ما از کوره در برویم هیچکس جلوی ما نخواهد شد. چند تن از کارگران میگفتند اگر ما اتحاد داشتیم همان روز اول حقمان را گرفته بودیم، حیف که اتحادی بین ماها نیست اما مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه ما، بلافاصله دست به کار توطئه شکستن اعتماد شدند. آنها توسط نماز جماعت ظهر که تعداد حدود صد و پنجاه نفر در آن شرکت داشتند بین کارگران تفاق انداختند آنها میگفتند که شما بعد از نمازتان بروید سر کارتان چونکه دولت دستور داده هیچ وجه اضافه حقوق پرداخت نشود، و از اینجور حرفها، تا اینکه بالاخره این برادران ما را فریب داده و آنها بعد از نماز به سر کار خود رفتند، مگر چه کارگران دیگری آنها اعتراض میکردند، روز سه - شنبه هم تعداد حدود پنجاه در صد کارگران برای اضافه کاری از ساعت ۳/۵ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر ایستادند. و متأسفانه با دیگر عدم اتحاد و تشکل ما کارگران و نا آگاهی گروهی از میان ما، باعث شکست مبارزه برحقمان شد. مگر چه فواید این نخواهد بود و بزودی سیل خروشان کارگران، تمامی این خائنین و دشمنان طبقه کارگر را درهم خواهد کوبید.

دوستان کارگر!

ما کارگران کارخانه لیلاند موتورز، تنها با اتحاد و تشکل خود و با آگاهی به توطئه های مدیریت و شورای فلابی و انجمن اسلامی که بر علیه منافع ما انجام میدهند، میتوانیم مقابل آنها بایستیم.

شورای واقعی ایجاد باید گردد

انجمن اسلامی این چشم و گوش

حزب جمهوری منحل باید گردد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

کمکهای مالی دریافت شده

خاطرہ
رفیق شہید
محبوبہ
متحدین
گرامی باد!

[illegible][illegible]

توضیح و پوزش

الحق که این آمریکا شیپا ناسپاس انسل را
ما کما ملا به یهزاد نبوی وزیر مشاور دولت حق
میدهم که میگوید: "آمریکا شیپا معنی محبت را
(هم) نمی فهمند" (کیهان ۵ بهمن) آخر اناسلامتی
آشپا چهارده ماهه در جاشی چون کاخ زندگی کرده
- اند و از هر نوع پذیرائی و محبت برخوردار
بوده اند بطوریکه بقول آقای نبوی ، اگر سرای
ملت ایران چنان زندگی ای فراهم میشد دلش
میخواست برای همیشه گرگان دانسجوان بیرو
خدا ما میباید!!) آخر قرد آمریکا شیپا بایسد
ناسپاس باشنکه خدمات بی شایسته دولت فسد-
امیر بایست "را ارج دارند، دیگر چه میخواند؟
گرگانها را که پس گرفته اند، مال شاه را که
بدادنند، پولهای خود ایران را هم که شتر غازی

در پیکار ۹۱، صفحه ۵، خبر مربوط به عملیات پیشمرگان پیکا در مرزها با دنا تما چا پ شده که بدینوسیله خبر مزبور را تکمیل میکنیم:

... «وسلاهای سبک ضرباتی بر نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی وارد آوردند، از خسارات و تلفات وارده بر نیروهای دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست تما می پیشمرگان با روحیه عالی و سوار از شور مبارزاتی به سلامت به پایگاه خود بازگشتند، تصحیح و پوش ارزق رای اهاوز شیراز:

در پیکار ۹۱ در ستون کمکهای مالی دزفول ۱۵ کدآ خبر مربوط به رفقای اهاوز میا شد هم چنین ۳ کدآ خبر در ستون کمکهای مالی اهاوز مربوط به رفقای شیراز میا شد.

بدینوسیله ضمن پوش تصحیح میگردد.

تولد در سال ۱۳۲۸ در تهران *

دانشجوی دانشکده هنرهای ترینی *

دستگیری در سال ۱۳۵۲، بعزت فعالیت سیاسی *

— فرهنگی *

پس از چهار ماه آزاد شده و به همراه همسر و *

همروز مشرف رفیق شهید حسن نژاد پناهنده در ارتش *

با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت *

قبل از فعالیت در ممتن بخش مشعب به *

مارکسیسم — لنینیسم دست یافت . *

در خانه گردیده ای ساواک در سال ۵۳، هشیارانه *

و با صداقت انقلابی در تهیه مکان با تادامه *

فعالیت سازمان به انجام فعالیت های *

تشکیلاتی می پرداخت . *

در روزهای بحرانی سال ۵۵ در زیر بشدت ترین *

فشارهای پلیسی با تلاش خستگی ناپذیر با *

عشق به آرمانهای طبقه کارگر و در راه انقلاب *

دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران *

جان فدا می کرد . *

در روز ۱۸ بهمن ۵۵ در حوالی "دروازه شمیران *

در محاصره رژیم شاه رژیم شاه افتاده و با گلوله *

— ای آمریکا شای جلاان ساواک به شهیدان *

رسید . *

با دشمن گرامی و آرمش جان وید با *

بقیہ ۱ صفحہ ۲۷ زحمتکشان...

دانشا کها همچین میخواسند شورای خلیفه‌گری
ارتجای تحت سلطه خود را نمایند؛ اقلیت ارمنی
ایران را جز بند حال آنکه توده‌های زحمتکش
ارمنی بر درویشی و مشاغلگری این دارودسته
از ارتجاع حاکمی برده و میداند که دانشا کها و
شورای خلیفه‌گری، زحمتکشان ارمنی را وجهه -
الما لحد خود یا رژیم ضد خلقی حاکم قرار داده‌اند،
رژیم جمهوری اسلامی نیز با پیش برنام -
هائی همچون برنام سوم، از توبه میخواسند از
سوشی خود را رژیمی دمکراتیک که حقوق اقلیتها
را نیز رعایت میکند، جایزند و از سوسی دیگر
انکاء به احسانات مذهبی زحمتکشان ارمنی
آنها را از توده‌های زحمتکش ایران جدا کرده و
مبارزات سیاسی - اقتصادی متحد آنها با دیگر
زحمتکشان را منحرف سازد، به علاوه رژیم جمهوری
اسلامی با تقویت دارودسته‌های ارتجایی نظیر
حزب دانشا کها و شورای خلیفه‌گری به سرکوب
زحمتکشان آگاه و انقلابیون ارمنی پرداخته

رژیم جمهوری اسلامی
و درسی که از گویلز گرفته است!

پدرشان را در آورديم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مرزبندی با گرایشات و جریان‌ات اپورتونیستی
در درون جنبش کمونیستی و مبارزه جدی علیه
روزیونیست‌ها، ایفا کنند. تا آنجا که به
ملزومات عملی بر می‌گردد، از دیدگاه ما تمام
سازمان‌ها و گروه‌های کمونیستی باید بدور از هر
گونه گرایش انحلال طلبانه و محافظه‌بانی
سازمانی خود به فعالیت در میان طبقه و توده‌ها
پردازند و در چهارچوب این فعالیت مستقل در
موارد و مقاطع معین دست به اتحاد عملیاتی
معمولی برپا نکنند. نمونه این اتحاد
عملی میان امیتان در آکسیون ۲۳ دی که بطور
مستقیمی برای نیوکومونیستی را در برابر
الترنا شیوها برای توده‌های کثیری مطرح
نمود، مثال آورده. از نظرم بزرگداشت هر چه

آزادی گروگانها و کوس رسوایی رژیم

هما نظور که هفته پیش نوشتیم با زی تمام شد و "انقلاب دوم" جمهوری اسلامی "حق این در آمد" رژیم جمهوری اسلامی پس از اینکه بیش از یک سال به حوال گروگانگیری جاسوسان امریکایی تبلیغات مردم فریبنا خود را کرد، پس از اینکه طی یک سال کوشیدنا با شعارهای دروغین "امپریالیستی جود چنین توده ها را با انحراف بکشد، اینک آنجنان را زها از برده بیرون افشاده که حتی خود رژیم هم دیگر رغبتی در برنده نگاه داشتن مسئله سفارت از خود نشنا نمیدهد. اما لیبرالها که در این میان بارنده هستند و - خربان سفارت گیری تا امروز اکثر مواضع اصلی خود در قدرت را بنفع حزبها از دست داده اند، در حالیکه از آزادی جاسوسان خوشحال می باشند، اما "امتیازات" حقیرانه ای را که بدست آمده به رخ حریف می کشند و میگویند اگر جاسوسان را زودتر آزاد کرده بودیم - "امتیازات" بیشتری بدست می آمد و مناسبات سیاسی اقتصادی محکمتری با امپریالیستهای غربی می توانستیم داشته باشیم. لیکن حزبها که با انکا به گروگان گیری طی یک روند توانسته اند موضع مطلقا در دولت بدست آورده و استفاده های لازم را از این مسئله ببرند، میگویند: دیگر گروگانگیری به مسئله مرده ای تبدیل شده است و به مرده تنبا بدجسوب زدا تنبوی شکنجی دولت میگوید: "دولت موضع سختی قرار گرفته، مسئله گروگانها از نظر دولت خاسته افتاد است و اینرا تبدیل به یک مسئله جدید کردن آن، برای مصالح انقلاب کار درستی نیست" (انقلاب اسلامی ۸ بهمن) آری انقدر یارش با امریکا خفت با ربودند و "امتیازات" بدست آمده حقیر و ناچیز بود که آبروی دولت و حزبها از دست رفت و بنا بر این تحول تنبوی طرح دوباره این خفت - ها برای مصالح دولت ممکن نیست و حزبها کار درستی نیست. در واقع هیچکدام از شرط های ایران از جانب امپریالیسم امریکا پذیرفته نشده اند. امریکا تنبوی مد (۱۴) دولت و تنبوی ملی ایران را بازگشت داد اگر چه رژیم امریکا تبلیغات نمود که امپریالیسم امریکا تنبوی خورد و تنبویم

یادداشت های سیاسی هفته

انتخابات است؟ و مگر می توان این حقیقت را بوشا ندکنا استند از حزبها حزبی از دیکتاتور ی طبقه ای است که لیبرالهای خائن نیز جزو آن هستند؟ چه کسی میتواند جنایات رژیم جمهوری اسلامی و سیزدهستان غرقه در خون لیبرالها و در را س آن بنی صدرا را تراوش کند؟ مگر بنی صدر نبود که در سرکوب و کشتار توده های سیاسی دلاور، کمونیستها و سایر انقلابیون در کردستان، ترکمن صحرا و در سایر ایران دست داشته است؟ آری بنی صدر تنها من جنایات و کشتارهای رژیم خائن جمهوری اسلامی شرکت داشته و هرگز نمی تواند مدافع آزادی و دموکراسی باشد. بنی صدرا ها انست که فشار حزب بر روی لیبرالها کاهش یابد، والا او هرگز خواهان آزادی برای توده ها نمی باشد، منظور او از آزادی، آزادی برای لیبرالهاست، نه آزادی برای توده ها. بنی صدر در سخنرانی خود می گوید: "آن رژیم می گوید که در این طریقه دستمندان باشد، خواهان دگرگونی اساسی نظام اجتماعی میشود، یک امتداد و دو امتداد را کوچک به مردم مخروم دادن که قائلان جزیرا را نمی بینیم، فان کال را بدون برداخت بول و مصرف کشید و سیمارستان مجانی سرود، اینها جنبه هایی هستند که معنایش تغییر نظام اجتماعی باشد، اینها نفعی مردم فریبی است... آنجا انقلاب است که استبداد را تغییر میدهد، بنیادهای اجتماعی ما که رژیم استبدادگر در این کشور جانی برای ملت استضعاف (همانجا) بنیید عوام فریبی بنی صدرا است. این طبقه کارگر و توده های آگاه ما هیچگاه مغرور و غیور نخواهند کرد که همین لیبرالها در این کشور امپریالیسم، قیام را متوقف کرده و از سقوط و فروپاشی نظام منحل سرمایه داری وابسته جلوگیری نمودند، کسی خواهان دگرگونی نظام اجتماعی است که خواهان انقلاب و درهم شکستن ماشین دولتی باشد، مگر لیبرالها و از جمله بنی صدر نبودند که ارتحقی انقلاب جلوگیری کردند و ارتش و پلیس شاهنشاهی را از برضریات نا یودکننده خلق در امان نگه داشتند؟ مگر همین لیبرالها نبودند که به دفاع از سیستم سرمایه داری بلند شدند؟ مگر همین لیبرالها نبودند که خراشان نزدیکترین روابط با

بنی صدر پاسدار دیکتاتوری و سرمایه داری است

لیبرالها که امروز در موضع ضعف قرار گرفته اند، میدانندنا با مقابله فعال با حزبها و سوار شدن بر جنبش توده ها به سهم بیشتری از قدرت برسند. لیکن بنی صدر در این افقها در هفته گذشته جلوه روشنی از اینها با حزبها و عوام فریبی های بنیادین برای قویب مردم و سوار شدن بر جنبش آنان نمود، بنی صدر که خود در را س لیبرالهای خائن و دگرگونی حزبها و دگرگونی جنبش خلق و حقوق دگرگونی توده ها پذیرفته و با شما قوا به آزادی سرمایه داری کشیده حاکم و تحکیم مناسبات با امپریالیسم دست زده است، در سخنان خود مزوره خوبی را طرفدار دگرگونی بنیادی و آزادی برای مردم و مخالف استبداد نشنا میدهد، بنی صدرا بن لیبرال رویا به صفت میکوشدنا با طرح بارفا بنی های مردم فقط حزب را مقصدا وضع فلاکت با رتوده ها نشنا داده و چهره زشت خود را نزد مردم رسبا جلوه دهد و توده ها را به دنبال خود بکشد. بنی صدرا نشانه دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی را "استبداد استالین" جلوه داده و این "استبداد" را مترادف "استبداد رفا خانی" و "استبداد حزبها" قرار میدهد و سپس میگوید نتیجه همه آنها "فقر و تنباهی و عقب ماندگی ملتهاست"، او میگوید: "به عنوان رئیس جمهوری خود را پاسدار آزادیها" و "پاسدار استقلال" می - دانم (انقلاب اسلامی ۸ و ۷ بهمن). هدف بنی صدر روشن است، او می گوشتنا با ضدیت علیه کمونیسم و سوسیالیسم و با مخالفت با "استبداد حزبها" خود را فرشته آزادی نشنا داده و توده ها را که از دیکتاتوری طبقاتی موجودیه تنک آمده اند بسوی خود بکشدنا، ولی مگر می توان این حقیقت انقلابی را بوشا ندکنا دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی زمان لنین و استالین کاملترین نوع دموکراسی بود؟ مگر می توان این حقیقت انقلابی را بوشا ندکنا دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی دیکتاتوری علیه سرمایه داران مرتجعین و امپریالیستها بود و آزادی برای کارگران و زمینکشان؟ مگر می توان این حقیقت را بوشا ندکنا استبداد رفا خانی، محمد رفا خانی و جمهوری اسلامی در خدمت امپریالیستها و سرمایه داری و سر علیه توده ها و

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست